

در صفحات دیگر این شماره:

- در تظاهرات ۷۰ هزار نفری کرمان شعارهای انقلابی و کمونیستی طنین افکن بود
صفحه ۹
- قیام ۲۹ بهمن تبریز، پیش درآمد قهر انقلابی زحمتکشان علیه سرمایه داری وابسته
صفحه ۱۳
- پیرامون جنبش زنان زحمتکش
صفحه ۱۹
- خسرو گل سرخی: سرود جوان انقلاب تا آخرین قطره خون
صفحه ۲۳

بزرگداشت سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن زیر پرچم سرخ کمونیست‌ها

صفحه ۱۳



الهام مقاله

بر آلترناتیو کمونیستی

پافشاری کنیم!

در پی دعوت سازمان ما و سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر و با پشتیبانی رفقای "گومله" جهت برگزاری مراسم دومین سالگرد قیام خونین بهمن در تهران و شهرستانها تظاهرات با شکوهی در تهران با شرکت هزاران نفر از توده های آگاه و انقلابی، ابتدا در میدان انقلاب و سپس از حمله و یورش وحشیانه مزدوران و اوباشان رژیم جمهوری اسلامی، در مسیر خیابان خوش - آذربایجان - رودکی صورت گرفت. توضیحات و گزارشات مربوط به این تظاهرات و راهبیمانی در جای خود به تفصیل آمده است و آنچه در این منظور نظرات، توضیح درباره هدفها و مجموعه وظایفی است که در ارتباط و براساس آنها، این تظاهرات و راهبیمانی های مشابه بقیه در صفحه ۲

کنفرانس "غیر متعهدها" یا استعده به امپریالیسم؟

صفحه ۲۱

تداوم انحلال طلبی در پوشش نوین! نقدی بر مبارزه ایدئولوژیک علنی "وحدت انقلابی"

صفحه ۱۱

موضع مادر قبال "قانون سود ویژه"

صفحه ۲۷

باز هم درباره مصاحبه مجاهد با قاسملو

صفحه ۱۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

شبهه از صفحه ۱ سر مقاله ...

آن در شرایط فعلی و در آینده ضرورت قطعی پیدا می کند.

همانگونه که پیش از این توضیح داده ایم جامعه ما در شرایط بحرانی قرار دارد، بحرانی عمیق و همه جانبه که از یک سو توده های عظیم خلق - یعنی همانها که قیام کردند و با قدرت اسلحه رژیم سلطنتی را به زباله دانی تاریخ سپردند - را علیه رژیم ما می توهمان نشان نسبت به قدرت - مندان جدید، به ما رزوه ای گسترده علیه رژیم حاکم واداشته و از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی را از پایه شکنجه به اساسی ترین خواسته های دمکراتیک و انقلابی توده ها که به خاطر آن قیام کردند، عاجز و ناتوان ساخته است. این بحران در تداوم خود بویژه پس از شروع جنگ ایران و عراق، ابعاد گسترده یافته و در پی آمد خود گسترش با زهم بیشتر مبارزات توده ای و متقابلاً تشدید تظاهراتی درونی هیئت حاکمه و عاجز و ناتوانی هر چه بیشتر اوراق در تخفیف و حل بحران، تثبیت قدرت خود و سرکوب متمرکز جنبش توده ای و انقلابی، به دنبال داشته است. در متن چنین شرایطی از بحران نمایندگان سیاسی اقشار و طبقات مختلف جامعه میکوشند تا از زاویه دیدگاهها و منافع طبقاتی خویش راه حل خاص خود را برای غلبه یافتن بر این بحران ارائه داده و در همین رابطه به تحکیم مواضع خود در قدرت سیاسی و با کوشش برای تصرف آن بپردازند. نیروهای فدا انقلابی ای چون حزب جمهوری، لیبرالها، رویزیونیستها، دارودسته، بختیار مزدور، از یکسو از سوی دیگر دمکراتهای ناپیکری چون مجاهدین و انقلابیون چون کمونیستها، آن نیروهای سیاسی و آلترنا تیبو-ها می هستند که موبیش در صحنه مبارزه طبقاتی حضور فعال دارند و هر یک به فراخور حال خود در صدد آنند که با طرح برنامه سیاسی و اقتصادی خویش، توده ها را بزرگوار و بپر خود کشیده و هژمونی و حاکمیت سیاسی خود را حفظ و با تأمین نمایند.

از نیروهای سیاسی ای چون حزبها و لیبرالها که قدرت راهم اکنون در اختیار دارند بگذریم، هم اکنون رویزیونیستها و مجاهدین فعالیت وسیعی را در تمامی عرصه ها آغاز کرده - اند و می کوشند در ظل آلترنا تیبو انقلابی پیکر توده های هر چه وسیعتری را که از رژیم جمهوری اسلامی کنده میشوند، بسوی خود جذب کنند. رویزیونیستها "توده ای" و "اکثریتی" - با تمام نیرو و امکانات خود در کارخانه، مدرسه، اداره، در کوچه و خیابان و در شهر و روستا بسیج شده اند و با تبلیغات زهر آکنده و اقدامات ضد انقلابی خود اذهان توده ها و جنبش آنها را دچار انحراف ساخته، آنها را به تریا نگاه سوز و آری روانه می سازند. اینان بیش از خود سوز و آری

سوز و آری خدمت میکنند و آنقدر که سوز و آری از انجام آن عاجز و ناتوان است، این کرکهای میث نام با عوام فریبی هر چه مترا متر در انجام آن حاضر و آماده اند. از پیوی دیگر، مجاهدین خلق به پیشنهاد مبارزات انقلابی گذشته و مواضع دمکراتیک خود و به نگاه کوشش وسیع در میان توده های که پیش از پیش از رژیم جمهوری اسلامی و بویژه از حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی کنده میشوند، توانسته اند خود را به عنوان یک نیروی قابل توجه در سطح جامعه مطرح نمایند. عواملی چند نظیر باین بودن سطح آگاهی کارگران و دیگر زحمتکشان، ضعف نیروهای کمونیستی و محدودیت فعالیت سیاسی و تبلیغی آنها، عقب ماندگی و ناتوانی رژیم حاکم و بویژه حزب جمهوری از پاسخ گوئی به خواسته های دمکراتیک توده ها و در همین رابطه نادیده گرفتن ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای دمکراتیک و سرکوب و حشیا نه جنبش توده ای از سوی رژیم... عواملی هستند که در قدرت گیری و مطرح شدن مجاهدین به عنوان یک نیروی مهم سیاسی نقش داشته اند و در آینده نیز مجاهدین با توجه به عملکرد همین عوامل و با استفاده حداکثر از آنها خواهند کوشید تا خود را بیش از آنچه در حال حاضر هستند برای توده ها مطرح کنند. اما قدرت گیری مجاهدین خلق به همان اندازه که بسیار نگرانیست صفا انقلاب و تضعیف ارتجاع و صف ضد انقلاب است، در عین حال میتواند در شرایطی که پهلوانان و نمایندگان آن کمونیستها نتوانند نقش خود را به عنوان پیگیرترین طبقه و نیروی سیاسی در جذب نیروهای چون مجاهدین سمت خود ایفا کنند، بعنوان یک عامل منفی عمل کرده و با دامن زدن به توهمات که امکان فرو ریختن آن وجود داشت، جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی ما را دچار اضعاف و شکستهای دیگری بنماید. این خطر هنگامی افزایش می - یابد که مجاهدین خلق با سرعتی روز افزون و با گرایش قوی بسمت لیبرالها در حرکتند. و می - روند تا نیروی خود را در خدمت لیبرالها و سکو ی برتاب آنها قرار دهند. ما حبه روزنامه "مجاهد" با قاسملو و شرکت مجاهدین در روز ۲۲ بهمن در میخان آزادی و در زیر چتر لیبرالها، رنگ خطر را بصدا در آورده است و این کمونیستها هستند که با بدین ظرو نیز تمامی خطرات ناشی از قدرت - گیری روز افزون لیبرالها و رویزیونیستها را نه در حرح بلکه در عمل جدی بگیرند.

این جدی گرفتن چیزی جز کوشش برای کسب قدرت سیاسی توسط پهلوانان و فزاینده ها است. این جدی تمامی مقدمات ملزومات آن نیست. این جدی گرفتن به مفهوم کوشش مداوم کمونیستها در تبلیغ و ترویج سوسیالیسم در میان طبقه کارگر، کار و وسیع و آگاهان سیاسی در میان توده ها، افشای همه جانبه جناحهای حاکم و دیگر نیروهای

مذاصلی و توضیح بر آن مداخل و جدا کسب پهلوانان است. این جدی گرفتن معنی شرکت فعال در مبارزات توده ها، ارتقا سطح آن و تسخیر و سازماندهی توده ها حول شعارها و خواسته های انقلابی و سرولتری است. این جدی گرفتن به مفهوم مبارزه با دشمنان و همکاران همه جانبه علیه رویزیونیسم و مبارزه علیه انحرافات موجود در جنبش کمونیستی و در همین رابطه کوشش برای تدوین تئوری انقلاب ایران و تأمین وحدت ایدئولوژیک - سیاسی و تکنیکال جنبش کمونیستی و ایجاد حزب کمونیست - این مبارزه جسم عالی و با رزاین وحدت است. این جدی گرفتن به معنی درک صحیح از شرایط و وضعیت سیاسی جامعه و ما هیت قدرت سیاسی، درک صحیح از شرایط اعلام کنونی جنبش توده ای و اتخاذ تاکتیک تخریبی در قبال سیاست سرکوب رژیم و تمامی قید و بندها و محدودیتها است که در برابر فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست بوجود آورده است. این جدی گرفتن به معنی استفاده حداکثر از شرایط و امکانات فعالیت علنی و عینی اتحاد عمل و همکارانی نیروهای انقلابی و کمونیستی و شرکت یکپارچه آنان در فعالیتها و مراسم است که میتواند با بردت تبلیغی وسیع و توده ای، موجب مطرح شدن هر چه بیشتر آلترنا تیبو کمونیستی در سطح جامعه و شناختن آن در قبال آلترنا تیبوهای ارتجاعی و ناپیکری توده ها گردد.

بدون انجام این وظایف در مجموع خود در ارتباط منطقی با یکدیگر، کوچکترین سختی از یک طرف قدرت سیاسی توسط پهلوانان و نمایندگان سیاسی آن کمونیستها نمی تواند در میان ما باشد. از اینرو هنگامی که ما از بزرگداشت دومین سالگرد قیام بهمن و تظاهرات و راهپیمایی های مشابه آن سخن میکشیم و روی ضرورت شرکت فعال نیروهای کمونیستی و انقلابی تاکیدی و رژیم، در ارتباط با مجموعه وظایفی است که در بالا از آن سخن گفتیم و باز با چنین درکی از مضمون بزرگداشت قیام خونین بهمن است که با بدین خود در قیام سازمان جریکهای فدائی خلق را در جاسا ختن صفا خود را با سر نیروهای کمونیستی در بر گزاری این مراسم و با عدم شرکت رفقای "کومه له" را در کمیته بزرگداشت مراسم (علیرغم حمایت و پشتیبانی این رفقا از این مراسم) مورد انتقاد قرار داد به عقیده ما نحوه برخورد رفقا به این مسئله بهیچوجه از مجموعه دیدگاهها ای آنها در زمینه مسائل سیاسی و ایدئولوژیک و از آنجمله - مسا له وحدت جنبش کمونیستی جدا نبوده و از همین روی باید در جای خود در رابطه با آن مسائل مورد بررسی و نقد قرار گیرد. روشن است که این رفقا نیز بسوی خود طبعه دارند، دلایل خود را در این شبهه در صفحه ۲۷

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



اخبار کوتاه کارگری

اهواز.

بندساز اخراج سیاسی کارگران مناطق مختلف کد به پناه جنگ صورت میگیرد، حدود ۹۰ نفر از کارگران دفتر فنی دانشگاه اهواز را به سپاه غنیمت داسن اخراج میکنند. اخبار نیز حقوق کارگران را به نصف تقلیل داده اند و این در شرایطی است که خانواده های اغلب این کارگران بعلت جنگ ارتجاعی کنونی آواره روستاها و سیاحتی اطراف شده اند. و در فقر و تنگدستی بسر میبرند.

بسیار از این طرح فدکارگری جدید اداره بهره برداری شرکت نفت اهواز مبنی بر ۱۴ روز کار (روزی ۹ ساعت) و ۷ روز استراحت (علاوه بر جمعه کاری) و محدود کردن سروسایاب و دهاب، کارکنان اداره تعمیرات شرق اهواز در روزهای ۲۵ تا ۲۲ دیماه دست به اعتصاب زده و در مقابل ۲۵ اداره بهره برداری تجمع میکنند. لازم بذکر است که کارگران سابقا بعلت شرایط دشوار کارشان بکفایت کار و یک هفته استراحت داشتند. اعتراضات کارگران بعلت خودبخودی بودن و نداشتن شکل شان به نتیجه ای نرسید و کارگران سرکار را میگردند

در تاریخ ۵۹/۹/۱۶ عده ای از کارگران سازمان آب که بطور روزمره کار میکنند در جلوی اداره سازمان آب دست به تحصن زدند. علت تحصن اعتراض به اخراج آنها از کارشان بود. سازمان آب به آنها نهنه نداشتن بودجه دست به اخراج آنها زده است. در این تجمع ابتدا کارگران تنها خواهان پرداخت حقوق و حقوقهای عقب افتاده بودند. اما با برخوردی آگاهانه اعلام داشتند که خواستار بازگشت بسر کار خود هستند.

(بمقل از خبرنا مه جنگ ۱۴ کمیته خورستان)

تهران:

کارفرمای شرکت صنعتی بیوتان که تولیدکننده مخازن گاز است، امسال بجای وارد کردن آهن گورد، اقدام به وارد کردن آهن چهار گوش می نماید و بدین ترتیب سعی میکند کارافعی بدون مزد به کارگران تحمیل نماید. این عمل موجب اعتراض کارگران میشود. آنها مدتی دست از کار میکشند. کارفرما که سود خود را در خطر می بیند تصمیم به کرد کردن آنها در کارخانه دیگری میگیرد و با خواست کارگران که خواهان دریافت مزد کارافعی و انجام آن توسط خودشان بودند، مخالفت میکند کارگران هم تولید را می خواهند در نتیجه محصول ماهانه از ۳۰۰ الی ۴۰۰ عدد مخزن به ۴۵ عدد میرسد.

کارگران نمایندگان خود را به مجمع شرفی سالانه هات مدیره شرکت در روز ۱۰/۲۷ وارد

از شروع جنگ تا کنون در کارخانجات چه میگذرد؟

طی یک سلسله معاللات تحت عنوان فون در جنبش تحق این هدف کام برداشته و در نتیجه های مختلف صنعتی را مورد بررسی قرار دهم.

الف - رشته اتومبیل سازی

۱- کارخانه ایران تا سیوا از در شهر پور ماه امسال در این کارخانه دردی بزرگی صورت گرفت که بنا بکفته خود مقامات رژیم "دهپا" میلیون سو، استفاده "صورت گرفته است" و "۳۰۸ قلم قطعات بدکی اتومبیل را که در بازار کماب است بعنوان ضایعات به مزایده فروختند." (اطلاعات ۵۹/۶/۲۵) مدیریت کارخانه که شخصی بنام "مخلمی" است برای توجیه این دزدی و برای آنکه با رژیم بنا نهادن دسترنج کارگران و زحمتکاران را غارت کند اعلام کرد که: "اینها ضایعات شخصی داده شده بودند و به مزایده گذاشته و بفروشن رسیدند."

این دزدی بزرگ که توسط عوامل خود رژیم یعنی مدیریت کارخانه و ادارات روسته اش صورت گرفت، ساعت براه افغانان بحث زیادی در میان بخشه در صفحه ۸

جنگ ارتجاعی ایران و عراق موجب حادث شدن بحران اقتصادی جامعه گردید. که اگر چه با دست زدن به توهمات شوونیستی نوده ها، مسدود کونایه ست مبارزه طبقاتی را به انحسراف گشاید، ولی اثرات ربا نیا را این جنگ برای توده ها موجب ریزش بیشتر توهمشان و آشکار شدن ماهیت جنگ برآنان گردید. بدین ترتیب ما اکنون شاهد و جبری جنبش توفنده انقلابی توده ها میباشیم. که جلایه های آن با گسترش امواج نارضایتی عمومی از رژیم جمهوری اسلامی بخوبی آشکار گردیده است. این جنبش تنها در صورتی از ناکامی مجدد مضمون مانده و به پیوسته روزی انقلاب دمکراتیک - فدا میریایستی خلقهای ایران خواهد انجامید، که از رهبری طبقه کارگر و ستاد رزمنده اش، حزب کمونیست برخوردار گردد. بدین جهت بررسی وضعیت طبقه کارگر بعد از جنگ تا عا دلانه کنونی و مشاوره چگونگی مبارزات این طبقه از اهمیت بسیاری برخوردار است.

بنابراین ماسعی خواهیم کرد که از این پس

اعتصاب کارگران کارخانه پارس الکتریک بخاطر سوز ویژه

روز ۱۳/۱۱/۵۹ اطلاعیه ای مبنی بر لغو سوز ویژه و عیدی کارگران برنا بلوی اعلانات کارخانه پارس الکتریک نصب گردید. بر طبق این اطلاعیه بجای سوز ویژه مبلغی معادل دو ماه حقوق بعنوان پاداش (مترتوب بر آنکه از ۸۵۰۰ تومان بیشتر نشود) بکارگران پرداخت خواهد شد. کارگران که در زمان رژیم سفاک شاه بخاطر دریافت سوز ویژه که در واقع قسمتی از دستمزدشان است، سالها مبارزه کرده اند، دست به اعتراض زدند. ابتدا کارگران بخیر درودگری و سپس سایر بخشهای کارخانه دست به اعتصاب زدند. حتی کارگران کارخانه پارس الکتریک کرج نیز به اعتصاب پیوستند

از فردای روزا اعتصاب، عوامل سرمایه داران در کارخانه، یعنی اعمای شورای اسلامی و

سرپرستها به انواع حیلها متوسل شدند تا اعتصاب را بشکنند. آنها جنگ را به نام میاورند. بر علیه نیروهای کمونیست و انقلابی، لحن پراکنی میکردند و حتی شورای فلابی کارخانه مجمع عمومی تشکیل دادند که کارگران را از آزاد آسبه مبارزه منحرف نمایند. اما کارگران که در تجربه خود به یوج بودن این عوامفریبها از یکسو و وعده وعیدهای مقامات از سوی دیگری برده بودند، منت محکمی برده ان سرمایه داران و عواملشان زده و سعادت روزا اعتصاب، مانع خروج تولید کارخانه نشوند.

کارگران مبارز پارس الکتریک با بند از تجربات مبارزاتی طبقه کارگر درس گرفته و به این نکته مهمی بر ند که بدون ایجاد تشکلات

بخشه در صفحه ۸

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



کرده و در آن خواسته‌های زیر را مطرح میکنند:

- ۱- نظارت کارگران بر ورود مواد اولیه
- ۲- نظارت بر فروش محصولات
- ۳- نظارت بر میزان تولید

رسیدگی به این خواسته‌ها به جلسات بعدی هیات مدیره موکول میشود.

اهواز:

در خالی که بیش از سه ماه از زبردخت دستمزد کارگران کارخانه ایزتصفیه قند و شکر خودداری کرده بودند، روز ۵۹/۱۰/۲۵ کارگران این کارخانه دست به اعتراض زده و مانع خروج مدیرعامل میگرددند. کارگران مصرا نه خواهان دریافت دستمزد خویش میشوند و در مقابل با سادارانی که به همراه نماینده فرما ندار به محل میا بندیکیا رجه و استوارا بستادگی میکنند. بدین خاطر کارفرما مجبور میشود در مقابل اراده کارگران عقبب- نشینی کند و بابت هر ماه بطور طلی الحساب به هر کارگر مبلغ ۲۵۰۰ تومان پرداخت نماید.

زاهدان:

حدود ۴۰۰ نفر در شرکت راهازی "اسکاپانوس" که کارفرمای پیش بونانی است، کار میکردند، اول دیماه کارمیان بدو کارفرما ترسیدن سوخت و مواد اولیه را به نهار قرار میدهند و زبردخت حقوق عقب افتاده کارگران نیز به بهانه نداشتن بودجه خودداری میکنند. این امر موجب اعتراض کارگران میشود. آنها روز ۵۹/۱۰/۱۴ اجتماع کرده و نمایندگان خود را برای مطرح کردن خواسته‌های کارگران نزد استنادار میفرستند. استنادار هم قول رسیدگی به خواسته‌های کارگران را میدهد. خواسته‌های کارگران عبارتند از:

- ۱- پرداخت حقوق عقب افتاده
- ۲- ایجاد کار
- ۳- حق بیمه
- ۴- سپردن کار به کارگران اخراجی
- ۵- پرداخت حق کار

(بمنقل از "تبرید بلوچ" شماره ۵۷)

تهران:

کارگران بازنشسته شرکت واحد بعلت پانیمال شدن حقتان توسط رژیم، روزهای ۷ و ۸ بهمن ماه در محل ساختمان نارمک شرکت واحد متحصن میشوند. طبق مقررات میبایست به ازای هر سال سابقه خدمت مبلغی برابر با ۱۵ روز حقوق به کسانی که از تاریخ ۵۸/۲/۲۰ بازنشسته شده‌اند، پرداخت گردد اما تاکنون به بهانه نداشتن بودجه از پرداخت این مبلغ بهماز- نشستان خودداری کرده‌اند.

اخراج صدها تن از نفتگران جنوب

روز ۵۹/۱۱/۷ شرکت ملی نفت ایران اقدام به اخراج ۴۰۲ نفر از کارگران زیربوشی مناطق آبادان و خرمشهر نموده است. رژیم که از مدتها قبل سدارک اخراج کارکنان زحمتکش صنعت نفت را دیده بود، به اخراج این عده اکتفا کرده و در صدد اخراج باز هم بیشتر کارگران و کارکنان جنگ زده است. این اخراجیها در شرایطی انجام میگردد که گران و قحطی و

بیکاری روز افزون، کمزور حمتکشان را زیر بار خود ختم کرده است از رژیم جمهوری اسلامی که بیادار استم سرما به داری وابسته است جرایم نمی توان انتظارداشت. کارگران و زحمتکشان از جمله



کارگران اخراج شده زیربوش تنها با قفسه کردن مشغول خودبیش بردن مبارزه ای متحد و یکپارچه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی میتوانند، توطئه های ضد کارگری آن را خنثی نمایند.

بابرپاساختن مجامع عمومی در کارخانجات پیش بسوی تشکیل شوراهای انقلابی

ظلمه ناشی خویش را پیش ببریم و مشغول خود را منقدرت سازیم. گرفتن سود ویژه شب عبده که نزدیک می باشد، تنها و تنها با ایجاد شوراهای انقلابی کارگری میسر است. بخصوص اینکه رژیم سرما به- داری جمهوری اسلامی سود ویژه را لغو کرده است.

چگونه شوراها را ایجاد کنیم!

با تشکیل مجمع عمومی در کارخانه، بهترین و شریفترین کارگران را که مبارز بودن و آرایش- ناپذیر بودن خود را در دفاع از کارگران بارها و بارها نشان داده‌اند، به نمایندگی شورا انتخاب نمائیم و با تمام قوا از آنها حمایت کنیم. سپس با متحد شدن این شوراها با یکدیگر اتحادیه‌های شوراهای انقلابی کارگران را برپا سازیم.

کارگران مبارز و آگاه!

مسئولیت شما برای آگاه کردن کارگران و شناساندن نقش شوراها و لزوم ایجاد آن و شناساندن نمایندگان واقعبینان و همچنین معرفی مزدوران و خائسین و افشا و طرد آنها، سنگین است. بکوشید که این مسئولیت شریف کارگری و مقدس خود را با طر آلمان طبقه کارگر بنحوا حسن انجام دهید.

با تشکیل مجمع عمومی شوراهای انقلابی کارگری را برپا سازیم! شوراهای انقلابی کارگری، اسلحه قدرتمند کارگران در مقابل سرمایه داران! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق! به نقل از علامه کمیته گیلان با کمی تغییر

کارگران مبارز!

هم اکنون مدتی است که شوراهای کارگری توسط رژیم جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران سرما به منحل شده‌اند. هم اکنون مدتی است که مدیران سرسبیده و کارفرمای خونخوار در پناه بی تشکیلاتی کارگران جوخقان در کارخانجات برقرار نموده و به بهره‌کشی وحشیانه از کارگران میپردازند. در این مدت آنها توانسته‌اند که با جنگ نامعادلانه سرما به داران ایران و عراق را سر دوش کارگران بیاندازند. فقر، گران، کمبود مواد اولیه زندگی و فلاکت، کم کردن حقوق، بیکاری، اخراج کارگران و بستن بعضی از کارخانجات و... آری اینهاست آن نتایج شوم این جنگ نامعادلانه که به کارگران تحمیل شده است.

اما چرا آنها میتوانند این جنایات را بر ما وارد سازند؟ بچا طرابنکه کارگران شورا های انقلابی ندارند که در مقابل اینبهمه زورگویی و ستم و بهره‌کشی مقاومت نمایند. اگر هم زودتر دست بکارشوم و شوراهای برپا سازیم، روز بروز در گرداب فقر و بدبختی بیشتر فرو خواهیم رفت.

رفقای کارگر!

برای مقابله با حمله سرما به داران خونخوار و حتی به زندگی فقیرانه خود، برای جلوگیری از بی خانمانی خانواده و بچه‌های گرسنه خود، اولین قدم ایجاد شوراهای انقلابی کارگری میباشد که با اتکال به انکادان بتوانیم مبارزات حق -

نان، مسکن، آزادی

خلق ها و مسئله ملی



مقر پاسباران و جاشها در شهر سردشت دو بار مورد حمله پیشمرگان کومله قرار گرفت.

۵۹/۱۰/۱۱ - شبانگاه یک دسته از پیشمرگان کومله از پل شهید (ابراهیم) وارد شهر شده و بعد از کمین گذاری و شناسائی نقاط مختلف شهر در ساعت ۱۱/۵ شب مقر پاسباران و جاشها واقع در بانک کتا ورزی را با موبک مورد حمله قرار دادند. در این حمله پیشمرگان، ضرباتی به دشمن وارد آمد که از میزان دقیق آن اطلاعی در دست نیست.

۵۹/۱۰/۱۵ - در این شب دو دسته از پیشمرگان کومله (از پل شهید ابراهیم و پل شهید بزرگ) وارد شهر شده و در ساعت ۲ تا ۴ مدافعان را با سدا ران و جاشهای مستقر در بانک کشاورزی را از چند سوی سلاحهای سنگین مورد حمله قرار دادند. پیشمرگان پس از این حملات سالم به پایکاهای خود بازگشتند.

از هنگامیکه پیشمرگان مقرهای دشمن را مورد حملاتی در پی خود قرار داده اند، پاسباران و جاشها نیز پس از تیراندازی بی مورد و پراکنده ای میگردانند.

(بغل ارجیرا مه کومله - شماره ۱۱۰۲)

سربازان به کردستان نمیروند

بعد از اسام دوره آموزشی چهار ماهه سربازان و طبقه دریا دکان لنگرک (سزدیک شهران)، سه نطقه برای اعزام آنان به پستهای دمسنود، فروین، اهورا و سنجد که تقریباً همه سربازان فروین و اهورا را جهت اعزام سربازی انتخاب میکنند بطوریکه از یک گروهان ۱۲۰ نفری فقط یک نفر حاضر میماند. سنجد بیرون بوده ها آکاها سه حاضر به شرکت در سرکوب خلق کرد نیستند و همین امر باعث شده که رژیم ارتش برای ادا م سرکوب کردستان، فرمان، اقدام به استخدام مزدور با حقوق و مزایای کافی بنماید. زنده با دلاوری خلق شهرمان کرد!

ارتش محمسی رژیم به تنهایی بنوا سنها اتحاد این تاکتیک بهره ای از تسلیم خود بگیرد بلکه هر روز با او کسری عفری کمونیستها و سرکوب فعال آنها در جاشهای او کسری شده بوده ای مواجه بوده و می یابند. نظا هرات و راهبانی انقلابی کمونیستها در سرباز پیم ما ما وجود هیچ همه

"توبه" و "امان نامه": جنگ روانی در سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد!

تسلیماتی خود را بنا بر انداخته و هر روز به دروغ و با وقاحت هر چند نامرغوبان میکنند که تحت نام سرپا محمسی بویژه در کردستان مثلا در سنجد تا در میوان عده ای بنمیرند و بوسه کرده، تسلیم شده و پلاجهای خود را تحویل داده اند و ضمن گرفتن "امان نامه" به "آغوش گرم" اعلام بازگشته اند. "این تسلیمات دروغین از جمله سبدهای کهنه بنده بیوزواری در سرکوب جنبشهای انقلابی است که اکنون جمهوری اسلامی پس از آرمون شوه های محفل سرکوب خلق کرد آرا دلسا و سربازان را داده است.

حال اگر چه بکار گرفتن این شوه با اساسا ایجاد نوعی جنگ روانی بر علیه خلق کرد و در مجموع جنبش بوده ها در سرباز ایران و در جهت سرکوب انقلاب و کمونیستها، اما تجربه و تحلیل حرکات این سیاست و اهداف رژیم از آن جهت حاشا همت است که کمونیستها در سر خوردند آن با آگاهی کامل از دروغ و عیرا کتی و تسلیمات کاذب به مقابلها تا تعرض مدیوحا سه رژیم جمهوری اسلامی به انقلاب بر حیزند. رژیم از سول به سیاست حیل گرا به "امان نامه" اهداف ربروا تعیین میکند:

۱- تضعیف روح انقلاب و ایجاد جنگ روانی در جهت سرکوب انقلاب و کمونیستها:

تسلیم حول "توبه" و "ادان" "امان نامه" تلاقی است مدیوحا به از طرف رژیم تا ارا سس طریق نتوان دشمن تهدید مستقیم انقلاب، نیروهای مسلح خلق بویژه کمونیستها را مرغوب نموده و سرکوب کسری جدیدی را بنادارک بسید جمهوری اسلامی ارا سس ر بگردمی خوا هدیسس سروهای انقلابی بویژه کمونیستها و سوده های آکا خلق حداثی انداخته و با عنوان کردن این سلسله برای بوده جا که کمونیستها در سرباز بر ندرب خاک تسلیم شده اند. سوار ی و ما طبع است انقلابی کمونیستها در شرکت در مبارزه طبعا سسی و با زمانندی و ارتقا کسنت و اسکا ل آن، لوت و محدودین بعدند. حال اگر چه در کسب یکماه

دو سال آرا غا رجیست مقاومت خلق شهرمان کرد می گذرد. رژیم جمهوری اسلامی از روز ۵۸ تا بحال برای خاموش کردن آتش جنبش انقلابی خلق کرده ها کنشهای مختلفی دست باز کرده است. از محاصره نظامی - اقتصادی کردستان گرفته تا بخنار ان و کشتار در شهرها، قتل عام و سنا شان و آتش زدن روستا ها هیچ کدام به تنهایی خلق کرد را از مبارزه باز نماندند بلکه موجب کشته است که این خلق ستمدیده و پیشمرگان شهر ما س به اسکای دستاوردها و نجارب کراسا رد سوا ل مقاومت حماسا فرسین با ضربات نظامی و سیاسی خود، رژیم را در تنگنا قرار دهد.

از آغا ز کسرتش جنگ ایران و عراق و با توسعه جنبشهای اعتراضی و تشدید فعالیت انقلابی کمونیستها، مبارزات خلق کرد سرباز پتانسیل بالایی برخوردار شده است. بدلیل وحشت از همین روند انقلابی بود که آیت الله خمینی پیام ضد انقلابی اول بهمن را ما در کرد در قسمت از این پیام آمده است: "استجاب سرب و حسب و طبقه اسلامی، اخلاقی به گروههای داخلی کشور را سربازان و کردستان و سربازا حسی ایران بدران به سوبه می کشم که به آغوش اسلام و ملت مسلمان برگردد و پلاجهای خود را کسنا ر گذاشته... چه بکسره امروز درهای رحمت خداوند بر روی شما باز است بصوف فشرده ملت سبیبیونید و در پناه اسلام آسوده خاطر به زندگی شرافتمندانه خود ادامه دهید." (کتابان اول بهمن ۵۹)

اگر چه این پیام با صموسی توام با وحشت از انقلاب سرکوب مستقیم را در دستور کار قرار داده است اما شکل پیام مکتوب است که رژیم جمهوری اسلامی با اسفاده از آن سوطه حیل گرا سده جدیدی جهت سرکوب انقلاب بویژه جنبش مقاومت خلق کرد را بنادارک زده است. حما بطوریکه محمسی ارا سز کسنت به آغوش اسلام "سح میگوید رژیم سربازا صله رسعدا رضو رسا مدسک حیسای

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



خلق ها و مسئله ملی

جانبه ضد انقلاب برای سرکوب مؤید همین امر و شکست رژیم در برهه گیری ازها هو "توبه" و "امان نامه" می باشد.

۲- ایجاد اغتشاش در اذهان عمومی زحمتکشان کردستان:

از سدا زبیا خمینی، روزنامه های مزدور رژیم، هر روز دروغهای شاد خداری از تسلیم شدن و تحویل اسلحه به پشمگان می بافند. این سلاح کهنه شده جمهوری اسلامی اگر جنبش مقاومت خلق کرد، جنبشی جدا رتوده می بود، شاید البته می توانست موثر واقع گردد. اما با توجه به اینکه جنبش مقاومت خلق کرد جنبشی انقلابی و توده ای و اساسا متکی به دهقانان و زحمتکشان آگاه و مسلح گردات بهمن خاطر نمی تواند در معرض تاثیرات فریبکارانه های رژیم جمهوری اسلامی قرار گیرد.

رژیم ضد خلقی حاکم با توسل به این حیل در بی ایجاد اغتشاش در اذهان توده های زحمتکشان شهری و روستایی کردستان و از بین بردن اعتماد اطمینان و حمايت آنها از پشمگان جنبش است تا در پشم زحمتکشان کردستان، باس و بدبینی ایجاد نموده و از این طریق پشمگان را از پشتوانه عظیم توده ای محروم کرده و آنها را بشدت هرچه تمامتر سرکوب نماید.

۳- تضعیف روحیه تعرضی و انقلابی پشمگان توأم با تشدید حملات نظامی به آنها:

میدانسیم که به لحاظ پراکندگی قوای پشمگه در دهات و شهرهای مختلف و تسلط نیروهای ضد خلق اعم از ترسش و پاسداران و جاشها سربرخی از شهرها پشمگان جنبش مقاومت از نظر ارتباط گیری با یکدیگر در نقاط مختلف، اطلاع از وضعیت جبهه، کیفیت مبارزه و روحیه پشمگان در نقاط مختلف محدود میباشند. رژیم با بهره گیری از این محدودیت در رادیو و تلویزیون و مطبوعات خود، شایعات دروغین از "توبه" و "تسلیم شدن" و "دریافت" "امان نامه" توسط پشمگان می - پراکند. این تبلیغات بمثابه تیری است که رژیم در تاریکی برتاب میکند تا به لحاظ محدودیت ارتباط و اطلاع پشمگان از مناطق مختلف کردستان جنین وانمود کند که جنبش مقاومت خلق کرد در شهرهای درجهت سقوط به پیش می رود و از این طریق بین دهقانان و زحمتکشانی که تحت نام پشمگه اسلحه بدست میجنگند، احساس ناامیدی ایجاد نموده و آنها را از ادا مه سرخستانه مبارزه مسلحانه بازدارد.

۴- انفراد کمونیستها در کردستان، خلق سلاح و سرکوب و حشانه آنها:

هما نظور که از مضمون پیام اول بهمن خمینی بر میآید بدستی میتوان گفت که هدف رژیم از یکا بردن حیلدها: دن "امان" و "امان نامه" خلق سلاح کمونیستها و سرکوب و کشتار و حشانه آنها بویژه در کردستان است. وجود کمونیستها در کردستان و ورهبری با لنسها آنها بر جنبش مقاومت خلق کرده، اساسا مانع تداوم پیگیرانه و سازشنا پذیر این جنبش و پیوند دادن آن با جنبش خلقهای سراسر ایران میباشد. رشد و گسترش با بگاه توده ای کمونیستها و قطب بندی کمونیستی در

مقابل رژیم و نوکران ریزوینستش بر سر ترحم مبارزه طبقاتی در ایران و تشدید مبارزه سیاسی نظامی خلق کرد نمی تواند موجب وحشت ارتجاع نگردد. بدبینی است که جذب شدن روزافزون توده های زحمتکش با وحکیری جنبش های توده ای به سازمانهای کمونیستی تا نیر مسقیم ویلا و اسطفا در ارتقاء و رشد و تشدید مبارزات خلق کرد دارد. بر اساس همان هراسی بی پایان ارتجاع از رشد کمونیست - هاست که مسئله خلق سلاح کمونیستها و نیرو - های انقلابی در پیام تجرأ میر خمینی در دستور کار رفتار کمیکرد و جمهوری اسلامی با تهدید کمونیستها بویژه در کردستان، جریان "توبه کردن"، "تحویل سلاح" و "دریافت" "امان نامه" را مطرح میکند. جدا ر آنجا که کردستان بمثابه عرصه نبرد طبقاتی کمونیستها با رژیم در عالی - ترین شکل مبارزه، از موقعیت حساسی در جنبش خلقهای ایران از نظر شرکت فعال کمونیستها در آن سرخوردار است علاوه بر آنجا که اکثریت هدایت ورهبری بخش وسیعی از نیروهای مسلح خلق کرد توسط کمونیستها، جنبش مقاومت را هر چه آشتی نا پذیر تر به پیش میبرد تا بر اساس - برای جمهوری اسلامی انفراد خلق - سلاح کمونیستها در این منطقه اهمیت فراوانی دارد

از این روست که هم آبت الله خمینی در پیام اول بهمن بطور سیدید آ میزی کمونیستها را در کردستان به کنار گذاشتن و در واقع خلق سلاح دعوت میکند و هم دستکاهای تبلیغاتی رژیم جهت ایجاد اغتشاش و روحیه تسلیم طلبی در پشمگان و جدا شدن آنها از سازمانها، تسلیم و توبه و دریافت "امان نامه" عمدتا توسط پشمگان سازمانهای کمونیست شایع میکنند

سوطه "امان دادن" و "امان نامه" و دروغ تسلیم شدن تدریجی پشمگان که رژیم تبلیغ میکند از جمله سیاستهای سرکوبگرانه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در کشتار خلق پشمگان کرد و در مجموع انقلاب است. هتیار ی کمونیست - ها در قبال این سیاست با توضیح دروغ بودن ادعاهای رژیم مانع خفتی کردن نقشه های رژیم در تضعیف روحیه خلق کرد و پشمگان جنبش مقاومت است. کمونیستها با بدمن افشای اهداف رژیم از این سیاست بین زحمتکشان کردستان بویژه پشمگان قهرمان، روحیه سلحشوران و ولانها آنها را تقویت و ارتقاء داده و سرخشت نیرو آشتی نا پذیر ترا زهر زمان در راه آرمانهای انقلابی خلق کرد بسکارتما بنده.



پیروز باد
جنبش مقاومت
خلق کرد

موضعگیری درست ما و حمایت توده‌ها، پشتوانه مبارزه ما است

جها رشتبه اول بهمن من به اتفاق رفیعی دیگر سراغ عتاساطمان را برپا کردم. اوزالند - هائی که در مورد "ما و اکی ها در زندا سهای رژیم چه میکنند؟"، "آزادی کروکاسها و..." به همراه جیدنهار "علیه حزب جمهوری علیسه لیسرالیها و..." و "امیرالیمو و..." بدنیوار نصب کردیم. از همان آغاز کار در دوروبر مسکن سلوغ شد، ونحت در گرفت، سرزن رحمکنسی که از آنجا در میسدا لجه شیرین ترکی، آمد کنار ما، بر صحبت را با ز کردیم، میرسدنوی این کا غذا (اوزالیندا) جی نوشته شده، برایش بومسج دادیم رژیمی که انقلابیون و فرزندان انقلابی رحمکنان را در زندا تنها تنگنه میکند به اعتراف خودش جاسوسان آمریکا را در کاخها نگاه می دارد و... در این موقع فالانژی سر رسید و یکی از شعارهای افشاگرانه در مورد آزادی کروکاسها حمله برد، این عمل او فرصت مناسبی به مزدوران ارتجاع فراهم نمودن حزب جمهوری اسلامی که مدتی در کمین بودند دادنا سباط ما را بهم بریزند و ما هویگیری و وحشیگری مردم را بر سر اندویرا کنده کنند. اما ما سبقت در مقابل او مقابلهت میگردیم و مردم به حمایت از ما برخاستند، توده‌های ها و اکثریتی هائی که آنجا بودند به طرفداری از مردوران ارتجاع برآمدند، اما قدرت بوده‌ها همه آنها را همچون زباله‌ای به دور انداخت و با لآخره محبور شدند با پس گردنی مردم محل را ترک کنند و ما همچنان بکارمان ادامه دادیم، آنچه در این میان ما سر و میدا دستله دفاع انقلابی مردم را فعلالیت سیاسی کمونیست - ها بود آری انقلابیون و کمونیستها تنها با نکیه به قدرت بوده و در میان توده‌ها میتوانند به فعلالیت انقلابی خود ادا مه دهند، بی‌رزیسی که در ابتدای گزارش از او حرف زدیم در تمام مدت درگیری با شورفراوانی از ما دفاع میکرد او با فریاد از جفا بقی که با او در میان نهاده بودیم و او خود با پوست و گوشت خویش به صحبت آن ایمان داشت حرف میزد، و آنجان برشور صحبت میکرد که کوبی این ما در رحمکنش از فرزندانش دفاع میکند.

با ردیکرا طرفمان کا ملا سلوغ شد و دیگری بگذشت که سر و کله مزدوری ریشوکه را بسن "مکنسی" ها بود پیدا شد. ما او را میشناخیم و میدانستیم از یادای رژیم است روزهای بیسن هم علامه‌های ما را پاره کرده بود. این بار هم میخواست اوزالینداها را ارسین سیردولی ساز



با مقاومت ما رو بروند، کمکن مدنی ادا مه یافت مردم از هر طرف او را میکشدند و ما با هم نمی کدائیم که دست کشیدن به اوزالینداها و شعارها برسد و این از مدتی سیرک سنا زهای سبت کشیدند سترما گرفت و گفت اصلا من از شما نکات دارم ما هم به زندان اوین برویم سنا سیمس این حرفها درست است یا نه آبا سکنجه هست یا نه؟!

السته در این فاصله آنها دو نفر شده بودند و مطابق معمول اکثریتی ها و توده‌های های خاص هم نقش با سیری ارتجاع را ایفا می کردند.

این سده با قمار میگرد که ما بد سباط را جمع کنید و کوره با ره میکسیم، اما ما مدافع میگردیم و میکسیم جرئت دار بدیا ره کنیدا همه مردم جوانان را بدهند آنها از سیرس مردم محبوس به عقب نشینی شدند کارگزاران که از آنجا در میسدا جوعالی به ما نزدیک شد و با نحسن گفت اسم شما بیکاری ها را کذاشته ایم "بوست کلفت ها" شما همیشه همه جا هستنید و می از مبارزه دست بر نمی دارید. بعد چند سوال در مورد هبات حا که وقتا ده های درونی حبه ارتجاع نمود. و موقع رفیس گفت حقا که حرفهای تان همه درست از آب در آمده، او با آرزوی پیروزی، از ما دورت سباط برپا ما بده بود. مردم کوره کوره بحث میگردند، و ما همچنان افشاکری میگردیم، جیداعت از ظهر گذشته بود سنا دمان آمدنا ها رنجورده ایم، تان و سیریمان را از کیف ما ن در آوردیم و در کوشه‌ای مستول خوردن ندیم، تان و سیریی که طعم پیروزی میداد.

با آرزوی پیروزی انقلاب
زنده باد سکا روده‌ها!



از مبارزات دانش آموزان دبیرستان شریعتی یا خچی آباد

حدی بیسن در دبیرستان شریعتی یا خچی - آباد، مبارزات اعتراضی وسیعی برای جلو - گیری از اخراج محصلین مبارز و کسب فعلالیت سیاسی برای سروهای انقلابی روی داد. قصه بدین ترتیب بود که چندتن از دانش آموزان انقلابی در مدرسه بطور علنی ستره می فروختند در این موقع در پی جاسوسی افراد انجمن اسلامی، مدیر مدرسه آن دانش آموز را به دفتر احضار کرد و سبت حکم اخراج او را ما بدینمود.

دانش آموزان به محض اطلاع از خبر، به سرعت جلوی دفتر جمع شده و پیروزی اعتراضات تبدیل به نظارات شد محصلین مبارز یکصد نفری در مدرسه؛ اخراج محصل مبارز، سوطنسه ارتجاع، علیه رحمکنان، اخراج محصل مبارز محکوم است، محصل مبارز در ارتجاع سملرزد، فعلالیت سیاسی حق مسلم ما است.

کارها به نفع منم میگردند و اکثریت دانش آموزان به حمایت بر میخیزند، جیدتن از دانش آموزان انقلابی در جمع دوسان به افشاکری دست میزنند.

روز بعد شخص حده ادا مه میا بدستول او مور سیرستی میگرد سنا حله گیری وظا هر سازی مبارزات دانش آموزان را به نکت بکنا ندا و یک سخنرانی مفصل را شروع می کند و می گوید "السنه با بد فعلالیت سیاسی آزادنا سنا مانوظنه هرگز سنا بدنا سنا" اوزالیندا دانش آموزان مخواهد به کلان پیروندا ما شخص ادا مه میا بدنا سنا - آموزان سیرستی رویه ما زده می آوردنا ما مبارزات دانش آموزان ارتجاع را او می دارد که سنا بده آد آموزش و پرورش را به مدرسه بفرسند او هم همان حرفهای مسئول او مور سیرستی را تکرار میکند، و می خواهد که حده‌ها به کلان س پیروندا و رحمت دانش آموزان انقلابی جلو - گیری میگردند در این زمان شعار دستجمعی "مرک بر آمریکا، مرک بر ارتجاع" بر میخیزد و سنا بده آموزش و پرورش محبور میسود که بلیسد - کورا به حده سیرد سنا بده محاهدین و سنا بده کمینه مشترک (هواداران سنا کار، رزمندگان، اقلیت، راه کارگر) سبت به افشاکری میگردند و بر دارند و مور شخص را بلیسند کوبی امیرالیم معرفتی میگرد سنا بده آموزش و پرورش حون می سید سنا اول او نکت جور دفا با رچیره بر میدا رد میگرد: امل حرف ایست که فعلالیت سیاسی آزاد سبت و آن محصل هم اخراج است و سنا هم که شخص ادا مه دهد همه ما را اخراج میکسیم، او می رود حده‌ها با شعار مرک بر ارتجاع محصل مبارز در ارتجاع سده در صفحه ۲۹

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!



بقیه از صفحه ۳ از شروع ...

کارگران گردیده که با فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست (از جمله پخش دوشماره نشریه پیکان در این مورد)، موجبات بالا رفتن آگاهایی کارگران را فراهم می‌کند. در چنین شرایطی بود که جنگ ایران و عراق آغاز گردید و مسائلی درونی کارخانه را تحت الشعاع خود قرار داد.

رژیم جمهوری اسلامی از تمام موانع تبلیغاتی خود استفاده می‌کند تا با سوء استفاده از آگاهایی شده ها، آنها را بعنوان گوشت دم‌نویب به جنگ ارتجاعی بفرستند. بدین لحاظ انجمن اسلامی کارخانه های هوی بسیار موجب گردید که تعداد قابل توجهی از کارگران برای رفتن به جبهه ثبت نام کنند. در میان این کارگران کسانی بودند که حتی دوره سربازی را نیز طی نکرده بودند و پرواضح است که تنها بعنوان گوشت دم‌نویب مورد استفاده قرار نمی‌گرفتند.

در شرایطی که در روستا انجمن اسلامی میدان را برای خوش خدمتی هر چه بیشتر به سرمایه داران خالی میدیدند، خبرگشته شدن یکی از کارگران از جبهه رسید و جدا و راه تهران آورده و تشییع کردند. پس از آن بود که هواپیمای های رژیم ارتجاعی عراق کارخانه ایران ناسیونال را بمباران کرده و موجب کشته شدن ۲ نفر و زخمی شدن چند نفر گردید. کارگران که تحت تأثیر این وقایع نسبت به جنگ احساس تنفر می نمودند بدستی مطرح میگردید که "این کارگزار است که همه جا کشته میشود، ولی سرمایه دارها در بهترین جا های امن زندگی میکنند!"

در همین زمان انجمن اسلامی که قدرتش افزایش یافته بود، روز بروز بیشتر مدبریت را مورد حمله قرار میداد. انجمن اسلامی بخوبی میدانست که مدبریت نیز مانند خودش دشمن طبقه کارگزار است، اما تلاش می‌کرد تا تمامی قدرت را خود در دست داشته باشد. از طرف دیگر ادامه جنگ رفته رفته کارگران را متوجه می‌فایده بودن آن مینمود. چرا که جنگ موجب حادث شدن بحران اقتصادی و فشار حاصل از آن بر کارگران و زحمتکشان، گردیده بود. عوامل رژیم برای جلوگیری از فروپاشی توهم کارگران نسبت به جنگ و بهره برداری هر چه بیشتر از آن بر شدت تبلیغات خود در کارخانه افزوده و از جمله "فلسفی" خود در باره ی مزدور را به کارخانه آوردند تا درباره "قوا" "جنگ برای کارگران صحبت کند. همچنین مزدوران رژیم در کارخانه کارگران را تحت فشار قرار میدادند که تولید را افزایش دهند و کارگران مبارز، کم کار و پخش کنندگان نشریه "پیکان" را معرفی نمایند.

آنها کارگران را به قناعت (!؟) و تولید بیشتر دعوت می‌کردند. اما به دو علت موفق به پیشبرد این هدف ضد کارگری خود نشدند: نخست کمبود مواد اولیه و لوازم یدکی و دوم مقاومت کارگران در مقابل افزایش تولید. اکثر کارگران می‌گفتند: ما تولید میکنیم که "مخلی" و امثال او حاصل کار ما را بزدند؟!

پس از آن رژیم برای غارت هر چه بیشتر دسترنج کارگران به حیللهای جدیدی دست زد. از جمله به بهانه کمبود به جنگزدگان قسمتی از حقوق کارگران را کم کردند. این عمل بسیار مخالفت و اعتراض کارگران مواجه گردید. بطوریکه انجمن اسلامی را وادار به عقب نشینی نمود. آنها روز ۹/۲/۹۲ طی اطلاعیه ای اعلام کردند که کمبود به جنگزدگان اختیاری است. بخشی از کارگران هم که نسبت به سنی مدرتوهم داشتند، تلاش می‌کردند تا سایر کارگران را وادار کنند که کمکیهای خود را بحساب سنی صدر بریزند. اینها که به علییه ک جناح رژیم و به نفع جناح دیگر (لیبرالها) فعالیت می‌کردند، علاوه بر کارگران و بسط سرمایه داران گام برمیداشتند و ذهن کارگران را نیز مغشوش می نمودند. آنها فراموشی کرده بودند که چگونه سنی مدرتوهم بر کوب مبارزات کارگران و سایر توده ها شریک دار روسته حزب جمهوری بود و چگونه در جواب خواست کارگران مبتنی بر ایجاد شورا های واقعی شان، می‌گفت: "شورا بورا مالید با بد تولید کنی جانم!"

در این میان رویزونیستهای اکثریت نیز که همواره وظیفه دفاع از منافع سرمایه داران را بعهده دارند، به تبلیغ شعار افزایش تولید می پرداختند.

ادامه جنگ و افزایش فشار اقتصادی بر کارگران موجب فرو ریختن روزافزون توهمات کارگران گردید. همچنین تعداد زیادی از کارگران دربار یکسک کارخانه ها فروش سگارا، مثال کردن تخم مرغ و... در مردم جبران کمی بود در آمد خود و گرانی سرمایه و مواد مورد نیازشان بودند. از

طرف دیگر سندا آن دردی معروف، یک کمبری سبزا و رقمت خدمات را هم در دیدند. او از هم طبق معمول مسئله ما ستالی شد. انجمن اسلامی که در جریان محاکمه عوامل دردی قبل موفق به بیرون انداختن "مخلی" از کارخانه نمیشود، به بیکه تازی در عزم کارخانه بی بردارد. اما از آنجائی که کارگران روز بروز بیشتری به ماهیت ضد کارگری انجمن اسلامی میسرند انجمن اسلامی برای فریب کارگران بر عوام فریبیهای رنگارنگ خود افزوده و جلسات سخنرانی و نماز وحدت ترتیب میدهد. اما جالب اینجاست که هیچگاه سنی از ۲۰۰ الی ۲۵۰ نفر در این جلسات شرکت نکرده اند. این تعداد در مقابل به تعداد چند هزار نفر کارگر کارخانه میزان نفوذ انجمن اسلامی را نشان میدهد. مضافاً اینکه انجمن اسلامی از طریق سرپرست کارگران را تحت فشار قرار میداد که در جلسات مذکور شرکت کنند و آنها را تهدید می نمود که در صورت عدم شرکت اسمشان را وارد "لیست سیاه" خواهد کرد!

اما مواج ناراضگی کارگران چنان است که در رابطه با نظرات ما روز با زکنا نشی دانسنگاه کارخانه با دانشجویان کمونیست ترتیب داده شده بود. سنی از ۳۰۰ نفر از کارگران خودشان راه شهران رسانده و برای شرکت در نظرات به مقابل دانسنگاه میروند. در این رابطه بعضی از کارگران می‌گفتند: "چرا دانسنگاه را بسته اند؟ مگر این دانشجویان نبودند که با رژیم شاه مبارزه کردند؟ مگر خودشان نمی گفتند دانسنگاه سگارا زادی است پس چرا حالا میگویند دانسنگاه مثل سم خوشه ای است؟" چم اندازه مبارزات کارگران ایران ناسیونال او جگیری بیشتر ان نشان میدهد. خواسته های کارگران از قرار زیر است:

- ۱- پرداخت سود ویژه
- ۲- انحلال انجمن اسلامی و ایجاد شورای واقعی
- ۳- محاکمه علنی "مخلی" مزدور و وادار روستا و
- ۴- متوقف شدن حقوق های کلان ۲۲ هزار تومانی
- ۵- باز نمودن درب شماره ۱۴ که بیعت کنترل بیشتر کارگران بسته شده است.

بقیه از صفحه ۳ اعتصاب ...

واقعی شان که معوق کارگران را متحد و متشکل نماید و توطئه های سرمایه داران و رژیم مدافعشان را خنثی کند، هرگز قضا در نخواهند بود مبارزات خود را به پیروزی برسانند و در صورتیکه تحت فشار کارگران، کارفرما مجبور به عقب نشینی شده اگر این مبارزات بصورت آگاهانه ادامه یابد، سرمایه داران محسودا بیثروی کرده و حقوق کارگران را از آنها بزیب خواهند گرفت.

"پیکار فولادگر" منتشر شد

اولسن و دومین شماره نشریه پیکار فولادگر توسط حوزه دوب آهس سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر منتشر شد. با امیاد بیکه انتشار مداوم این نشریه بتواند نقش خود را در ارتقاء آگاهی طبقه کارگران دوب آهس اصفهان ایفا نماید، برای حوزه دوب آهس سازمان آرزوی موفقیت میکنیم.

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

اخبار مبارزات توده‌ها



حمایت مردم از دکه‌داران در مقابل سرکوب رژیم

رژیم جمهوری اسلامی، تا توان از اخل معض بیکاری، در سر تا سر ایران به جمع کردن بساط - ها و دکه‌ها اقدام نموده است تا از سوئی منافع تجارگردن کلفت و سرما به داران را که دست فروشان و دکه‌داران با فروش اجناس مختلف به آنها لطمه میزنند، تا مین کند و از سوی دیگر این معضل را از چشمها پنهان سازد. رژیم در پی تحقق این هدف آنجا که از بخشنا مه‌ها و اولتینا تومها به دکه‌داران طرفی نمی بندد، با سوء استفا ده از معتقدات مذهبی مردم اعلام میکند "نصب دکه‌ها عیثا بت خلاف شرع" است (شهردار تهران - کیهان سه شنبه ۳۰ ماه) و چون با زهم نتیجه ای نمی گیرد تفنگچیان مزدور خود را برای حمله به بساط‌ها و دکه‌ها گسیل میدارد :

تهران : ساعت حدود ۴/۵ بعد از ظهر روز سه شنبه ۷ بهمن پاسداران سرما به یک دکه نوار فروشی در تقاطع دامپزشکی - سلسبیل (رودکی) حمله و سرشوند و با جمع آوری کلیه نوارها و بریدن آنها به درون اتومبیل خود، قیدترک محل را داداشتند. یورش وحشیانه تفنگچیان حکومت موجب خشم و اعتراض بساطی ها و مردم محل شد. مردم ضمن حمایت از دکه‌دار به افشا حکومت پرداختند. یکی میگفت "نه تنها شما کار نمیدهند و نمیخواهند قتل زندگی ما را تا مین کنند، بلکه میخواهند این کار را هم که در اصل خود نوعی بیکاری است از ما بگیرند" دیگری میگفت "اینها - با بیداران - از ساواکیها بدترند " پاسداران ابتدا خواستند با تهدید و ارباب آنها را متفرق کنند تا به راحتی نوارها را با خود ببرند. ولی چون مقاومت بیکارها هالی مواجه شدند، عوام - فریادها نه میگفتند: "براداران! متفرق شوید" که البته همین جمله خشم مردم را شدیدتر کرد و با پاسخ اینکه "چطور شما سلاحها را بطرف ما میگیری، ما را از زنان خوردن می اندازی و بعد هم برادر ما میشوی؟" برده عوام فریبی آنها را دریده و رسوایشان ساختند. پاسداران با ماشین به میان مردم زدند تا بگیرند، اما جمعیت ضمن دادن شعار "مرگ بر پاسدار" به دنبال ماشین دویده و در تقاطع آذربایجان - سلسبیل ماشین را گرفتند. هر لحظه تعداد بیشتری به حمایت از دکه‌داران و اعتراض به عمل وحشیانه پاسداران پرداختند. باران مشت و لگدمالها شین سرکوبگران رژیم فرود می آمد. مردم ماشین را پنجره کردند تا نگذارند بساط

تیراندازی بسوی ۴ پیک انقلاب

کریا فریا درسا به تبلیغ شعارهای سازمان ادا می دهند. رفقا پس از پایان فروش نشریه متوجه میشوند که پاسداران ارتجاع مشغول شناسائی آنها بودند. پیکارگران دلاور وارد خیابان کارگر شده و از کنار یک اتومبیل آهوی (برای پاسدار) و یک موتورسوار (با عینک دودی) میگذرند و برای رفتن به خیابان ۱۶ آذر وارد یک کوچه میشوند. رفقا متوجه میشوند که موتورسوار پشت سر آنها حرکت میکند و چون شک میکنند خود را به کناری میکشند و به عقب برمیگردند. رفقا بهمان همان موتورسوار را میبینند که فرد دیگری با عینک دودی پشت او نشسته است. فرد دوم پس از گذشتن موتور از کنار رفقا دست در حین کرده و یک کلت ۱۴ در آورده و بطرف رفقا تیراندازی مینماید. امارق قاپا جا یکی و تیزهوشی به طرف دیواری دویده و خوشبختانه تیر به هیچکدام اصابت نمی کند. در اثر شلیک مردم از خانه ها بیرون میروند و پاسداران موتورسوار فرار میکنند. دورفیک بیکار را در مورد توطئه ترور و علتان توضیح داده و از حقانیت آرمان طبقه کارگر دفاع میکنند و نشان میدهند که کمونیست ها به خاطر آگاهی زحمتکشان و بیروزی انقلاب برای هرگونه جانفشانی آماده اند.

درد در بیکارگران قهرمان، بیکارهای انقلاب و بیام آوران آگاهی که شجاعانه و دلاورانه با طرز آزدای طبقه کارگر، از جان خود میگذرند و بسوی ابزارهای سرکوب ارتجاع را در مقابل اراده آهنین و مبارزاتی خویش به اثبات میرسانند!

پاسداران ارتجاع ۲ رفیق پیکارگر را بیهوش میزنند

ساعت ۹ شب ۲۹ دیماه ۵۹، دورفیک بیکار - کرد رحین شعار بسوی درخیا بان "پیروزی" توسط سریشینان پاسدار (با لباس شخصی) یک اتومبیل ب - ام - و دستگیر شده و با کتک و شکنجه به بساطهای شرق تهران (نزدیک رود - هن) برده میشوند و پس از فحاشی و توهین بسیار آنها را تهدید به "اعدام" میکنند. پاسداران مزدور در نقطه ای دور از جاده اصلی توقف کرده و رفقا را بزور از ماشین پیا د کرده و با تکیه بر "بیکاری" بودن رفقا به شکنجه آنها پرداخته و آنها را مجبور به دویدن کرده و در همان زمان بر بالای سر رفقا شلیک میکنند بیکارگرا ن قهرمان با استفا ده از تاریکی شب و از طریق "جنگ و گریز" موفق به فرار شده و پس از مدتی خود را به جاده اصلی رسانده و از منطقه فرار می کنند و با هشاری و مقاومت خود توطئه پاسداران ارتجاع را با شکست روبرو میسازند.

توطئه ترور ۲ رفیق پیکارگر در تهران با شکست روبرو شد .

... و هوزندان، سنگری از مبارزه

وا زوشیکری پاسداران هنگام تفتیش خانه صحبت کرده و از مبارزه فرزندان نشان دفاع میکنند. آنها تصمیم میگیرند متحدانه برای آزادی فرزندان نشان مبارزه کنند (۵۹/۱۱/۱۲)

ساری
در هفته های اخیر زندانیان انقلابی ساری نیرصدای اعتراض خود را علیه رژیم جمهوری اسلامی بلند کرده و دست به اعتصاب غذا زده اند. بیکارشان پرتوان تیرداد!

از هفته دوم بهمن ماه انقلابیون زندانی در زندان "دادگاه انقلاب" واقع در خیابان "سیاه" اعتصاب غذا کرده اند. در ملاقات ۵ - دقیقه ای که مادران این انقلابیون با فرزندان نشان داشتند با چهره های پریده رنگ مبارزین روبرو میشوند که در اعتراض به رژیم و شرایط وحشیانه زندان روز چهارم اعتصاب غذا را پشت سر میگذارند. مادران مبارز شروع به اعتراض کرده و به افشاکری میپردازند

به استقبال جنبش اوجگیرنده توده‌ها باشیم

برای آمریکا "خیا با نها را دربرگرفته بود. مردم به طرف گورستان شهر حرکت کردند. بدستمال سخنرانی دختر شهیدعلی فدائی وتبریک گفتن شهادت پدرش به خمینی وبنی صدر با ردیگر لیبرالها تلاش کردند که از ادامه تظاهرات و افشاکری دوستان شهیدجلوگیری کنند اما به علت شرکت فعال کمونیستها ونیروهای انقلابی مردم از گورستان بیرون آمده و ضمن حمایت از نیروهای انقلابی با دادن شعارهای "نه لیبرال، نه حزبی، مرگ بر هردوتا شون"، "اتحاد مبارزه پیروزی" و "جاسوس آزادمیشه معلم کشته می شود" خروش و خشم انقلابی خود را به نمایش گذاشتند. جمعیت پس از رسیدن به مقابل دفتر تبلیغات اسلامی در خیابان زریف با اشاره به آن شاعر می دادند: "این لانه جاسوسی کرمان است" آنگاه جمعیت در طول مسیر را هیما شای میدان مشتاق را با فریادهای "زندانی سیاسی به همت توده ها آزادیا بدگرده"، "دانشگاه این سنگر آزادی، به همت توده ها گشوده با بدگرده" ... بلرزه در آوردند. راهپیمایان انقلابی مردم در مقابل اداره آموزش و پرورش بیابان رسید و مردم قرارگذاشتند که روزیکشنبه ۱۹ بهمن تظاهرات مجددی برگزار نمایند.

علاوه بر این دوازده روز، دوشنبه ۲۲ بهمن دانش آموزان، اکثر مدارس شهر تعطیل کردند و با نیروهای ارتجاعی با ساداروغیره مصاصه مقابله نمودند.

مبارزه زندانیان سیاسی در قزوین

ساعت ۹ شب ۲۸ دیماه ۵۹، با ساداران ارتجاع بطرز متشکوکی قدامتقال ۳ نفر از زندانیان انقلابی زندان "چوبین" در قزوین را داشتند که با مقاومت شدید زندانیان سیاسی انقلابی آن زندان مواجه میشوند. زندانیان آن ارتجاع از مقامات انتظامی رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب زندانیان "کمک" میخواهند و روسای شهرهای وزندان در زندان حاضر شده ولی موفق به درهم شکستن مقاومت انقلابیون در بند نمی شوند و در نتیجه با ساداران جهل و سرما به جان زندانیان افتاده و علاوه بر آزار و اذیت و کشتن زندانیان، مبارزین دربند را تهدید به اعدام می نمایند. مقامات مرتجع رژیم، زندانیان انقلابی و کمونیست را دوباره "محا کمه" کرده و به مدت زندانی آنها می افزایند و برخی از انقلابیون دربند را به زندانیهای شهرهای دور نظیر بندرعباس، یزد و... تبعید میکنند. خانواده های زندانیان سیاسی پس از اطلاع از انتقال فرزندان شان به نقاط دیگر با خشم و نفرت نسبت به رژیم جمهوری اسلامی دست به اعتراض میزنند.

... میدهند برای "اسلام" مبارزه میکنند. ... هنوز سخنرانی وی ادامه داشت که چراغهای مسجد بطور ناگهانی خاموش شد (درواقع سرب مسدود شد!) و مردم حاضر در مسجد با هو کردن مانع از سخنرانی استانداری شده و شروع به دادن شعارهایی چون "مرگ بر جانی"، "مرگ بر بهشتی"، "مرگ بر حبیبی" و... نمودند و آقای استانداری طرفیانش وحشت زده با پای برهنه پا به فرار گذاشتند. جمعیت به دنبال فرار استانداری و همراهانش پس از مدتی بحث و گفتگو متفرق شدند. آنچه که در این واقعه اهمیت داشته عدم طرفداری مردم از جناح رقیب یعنی لیبرالها بود و فقط از گوشه های شعار "درو برینی صدر" بلند شده که در فریاد مردم خفه شد و این امر نشان دهنده ماهیت مترقیان است حرکت اکثریت زحمتکشان این منطقه بود که عامل نابسا مانی خود را نه یک جناح از رژیم بلکه کل هیئت حاکمه میدانند، و اگر این حرکت با آگاهی طبقاتی در هم آمیزد، همان سر رژیم جمهوری اسلامی خواهد آمد مژده دو سال پیش برای رژیم شاه تا مذا لسته این با ربا یک رهبری آهین و انقلابی! و چنین باد!

در تظاهرات ۷۰ هزار نفری کرمان شعارهای انقلابی و کمونیستی طنین افکن بود

در روزهای ۱۸ و ۱۹ بهمن کرمان شاهد تظاهرات عظیمی بود که بنا به گفته شاهدان عینی حتی در دوران قیام نیز سابقه نداشته است. روز شنبه ۱۶/۱۱/۵۹ یکی از دبیران کرمان بنام "علی فدایی" در ساعت ۱ بعد از ظهر توسط با ساداران جهل و سرما به ترور میشود. در پی این ترور، مردم زحمتکشان کرمان با برپایی تظاهرات ۷۰ هزار نفری در روز شنبه اعتراضی و نفرت خود از رژیم جمهوری اسلامی را ابراز داشتند. روز شنبه شهر بحالت تعطیل درآمد و هزاران نفر از مردمی که از ظلم و ستم و گزافی و فقر بیتک آمده اند، با در دست داشتن پلاکاردهای با مضامینی همچون "تاریخ ما به داری و بسته هست ترور و سرکوب اختناق هم خواهد بود" و "تواگرنشینی، من اگر بنشینم، چه کسی سر خیزد" از ساعت ۱۰ صبح از قحلا اداره آموزش و پرورش و خیابانهای اطراف به حرکت در آمدند. علیرغم تلاش لیبرالها برای مهار کردن خشم و نفرت انقلابی توده های زحمتکشان، تظاهرات آکنده از شور و انقلابی مردم بعزت رهبری نیروهای انقلابی و کمونیستها بویژه رفقای مسادار و مبارزین انقلابی "پاسدار" را با ساداران حامی سرما به دار "ترور و سرکوب" اختناق، به نفع امیرالیم علیه مردم ما "مرگ بر ارتجاع مرگ

مزدوران از چنگشان بگریزند. تعقیب پاسداران توسط مردم به سته آمده تا تقاطع آزادی - سلسیل کشیده شد با ساداران برای اینکه خود را خلاص سازند به اسلحه متوسل شده و شروع به تیراندازی هواشی کردند و سراسر نما مرسوا ترا همیشه فرار را برقرار ترجیح دادند. اما مردمی دانستند که این مزدوران با زبانه همان محل با زخوا هندگشت و بخاطر جمع کردن نیروی بیشتر گریخته اند لذا هم به محل قبلی بازگشتند. دقایقی بعد تعداد زیادی پاسدار و کمینته چی مسلح برای انتقام - جوشی و جبران شکست فضا تحت بارشان به خیابان سلسیل لشکر کشی کرده، خیا با نها را بسته و به ضرب و شتم مردم پر داختند و با استفا ده از تاریکی شب ۳۰ الی ۴۰ نفر را دستگیر نموده و با خود بردند و درگیری تا ساعت ۸ شب ادامه داشت.

رژیم جمهوری اسلامی به پیونده می بندارد که بر سر تر گورستانی آرام میتوانند سیاستهای ارتجاعی خود را اعمال نماید، چه نمونه ای که ذکر شد خود بسیار نگر مبارزه و مقاومت دکه داران زحمتکش و حمایت بیدریغ مردم از آنان می - باشد و اینکه رژیم با دگی نمیتواند جنبش دکه داران را سرکوب نماید.

زحمتکشان محله ابیوردی، "استاندار" را فراری دادند!

● شیراز.

"ابیوردی" یکی از محلات زحمتکش نشین شیراز است که در شمال شرقی شهر واقع شده است. زحمتکشان این منطقه اجبارا منازل خود را با حداقل امکانات در دروی شبه ها ساخته اند و کاملا از نظر بهداشتی و رفاه در مضیقسه و نا را حتی بسر میبرند. در روزهای آخردیماه گروهی از زحمتکشان بی مسکن محله سا ماصادره زمینهای دولت و سرما به داران اقدام به ساخت خانه برای خود نمودند که مطابق معمول رژیمهای ارتجاعی با یورش حافظان سیستم روبرو شد. و در ۱۱/۱۱/۵۹ شهر با نسلی اقدام به دستگیری ۳ نفر از جوانان محله نمودند که هنوز در زندان هستند. استانداری مرتجع شیراز برای منحرف ساختن اذهان مردم زحمتکشان و در جهت دفاع از "دوستان" زمیندارش روز جمعه ۱۰ بهمن همراه عده ای از پاسدار و افسر شهر با نی برای سخنرانی به این محله آمد و مردم را در مسجد گرد آورند تا به سخنان وی گوش دهند. حدود ۷۰۰ نفر در مسجد حضور داشتند حبیبی استانداری مرتجع به تمجید و تحسین جمهوری اسلامی پرداخت و مردم را علیه نیروهای انقلابی و کمونیست تحریک میکرد. او میخواست به مردم بقبولاند که آنها برخلاف گروه های "منحرف" که شعار "نان، مسکن، آزادی"

مقدمه:

اخبار رفقای "وحدت انقلابی" در رابطه با بحران درونی تشکلات، مبارزه ایدئولوژیک درونی خود را علنی نموده و با انتشار ضمیمه انقلاب (ویژه مبارزه ایدئولوژیک علنی) آنرا بعنوان راه حل خروج از بحران ارزیابی نموده اند.

طبیعتاً ما بعنوان یک نیروی کمونیستی وظیفه خود را نسبتیم که در حد داده های موجود بحران درونی این رفقا برخورد نموده و نظرسنجی را بصورت مختصر در باره اینکه هم اکنون طبقه اصلی برخورد به بحران موجود در رفقا از چه کانی میگذرد، ارائه دهیم.

هم اکنون دو سال از مشاهده نسبتاً فعالی که در جنبش کمونیستی میهن ما در باره دیدگاه اشتلاف در مسئله وحدت جنبش کمونیستی جریان دارد، میگذرد. این دیدگاه خوشبختانه به برکت مبارزه ایدئولوژیک در جنبش کمونیستی، تا حدود زیادی بی اعتبار شده و در عرصه عملی نیز اثرات زیانبار خود را در تمام تشکلاتی که بدام چنین دیدگاهی قدمها رکبستی افتاده اند، نشان داده اما متأسفانه هنوز آنطور که باید، با این انحراف کاملاً خرد نشده و برخی از نیروهای جنبش کمونیستی، دچار این انحراف به اشکال گوناگون آن هستند. ما علیرغم آنکه در دوره کنفرانس وحدت در مقابل این انحراف ایستادگی لازم را نمودیم و مبارزه نسبتاً فعالی را پیش بردیم، اما بعدها مبارزه خویش را با این انحراف که تجسم تمام عیار خود را در تشکلات دوران گذار وحدت انقلابی پیدا کرده بود، ادامه داده و از این بابت خود را مقروض بل انتقاد میدانیم. بخصوص که ما اولین و تنها نیروئی بودیم که در این باره نظرات مشخص و روشن داشته و از ابتدا (علیرغم اینکه یک دوره در جریان کنفرانس با این انحراف مماشات نمودیم) به مقابله با آن برخاسته بودیم.

جوهر دیدگاه اشتلاقی "تشکلات دوران گذار" علیرغم مبارزه ایدئولوژیک که در دوره کنفرانس وحدت با آن شد، خیره سرانه بر انحراف خویش، بافتناری نمود و تشکل "وحدت انقلابی" را پی - ریزی نمود. مدت زیادی از عمر وحدت انقلابی نگذشت که این رفقا دچار بحران و بن بست شده و در جستجوی راه حل بحران هستند.

طبیعتاً ما از اینکه بخش وسیعی از این رفقا توانسته اند به انحرف "تشکلات دوران گذار" بی ببرد خوشحالیم. نظرات این رفقا که در دیدگاه سوم جلی یافته است، کاملاً مثبتی بوده است که برداشته شده و در صورتیکه با زهم تعمیق باید، میتواند بنیانی فوری و عملی تشکلات دوران گذار، برای همیشه جنبش کمونیستی را از این انحرف شستودهد.

بحران "وحدت انقلابی" و گسترش یک جریان

تداوم انحلال طلبی در پوشش نوین! نقدی بر مبارزه ایدئولوژیک علنی "وحدت انقلابی"

گاه و طرد انحرافات است که پوپولیسمر را در عرصه های سیاسی و اجتماعی جا نشین می ل می کند. و با دیدگاه های انحلال طلبانه خود در جهت ایجاد حزب راستین طبقه کارگر انحلال بی نماید.

پس از گذشت مدتی که انتشار نشریه وحدت - انقلابی متوقف شد و بحران درونی "وحدت انقلابی"

ما لم که به نفعی تشکلات دوران گذار رسیده است، در عین حال نشان موفقیات جنبش کمونیستی در طرد و افشای انحراف فوق میباشود از این بابت کمونیستها وظیفه دارند در برخورد با بحران و بن بست رفقا، با ریشه یابی عللی که این رفقا را به بن بست انداخته است، برخورد نموده و رفقای "وحدت انقلابی" را در طرد انحراف فشان باری رسانند.

باید جنبش کمونیستی را از این انحراف که به ایدئولوژی کم بها میدهد، اختلافات ایدئولوژیک و طبقاتی را در پوشش اسبابات و مسائل معرفتی می پوشاند و کوشش دارد تشکلات پوپولیسیتی را جایگزین تشکلات پرولتری نماید و بدین ترتیب پرولتاریا را از تشکلات خویش محروم سازد و بالاخره با توجیهات عوامفریبانه کوشش دارد جنبش کمونیستی و تشکلات آنرا به انحلال بکشاند، شستوداد.

به اوج خود رسید، ضمیمه انقلاب ویژه مبارزه ایدئولوژیک علنی انتشار یافت. رفقای وحدت انقلابی در توضیح علت انتشار علنی مبارزه ایدئولوژیک را اختلاف نظر در "ارزیابی از بحران و علل ایجاد کننده آن و راه حل آن" ذکر نموده و از میان طرح های گوناگون، طرح انتشار علنی مبارزه ایدئولوژیک مورد تمویب اکثریت رفقا قرار گرفته است و قرار شده "مطابق این طرح دیدگاه های موجود در تشکلات (کنه در نشریات داخلی مطرح شده بود) نظریات خود را در باره مسائل برنامهای، سیاسی و سازمانی از طریق نشریه در فاش انقلاب و ضمیمه انقلاب (ویژه مبارزه ایدئولوژیک علنی) در معرض برخورد و آوری جنبش قرار دهند و دست آخر رفقا انتظار دارند که "این شیوه تنها به حل صحیح و اصولی مشکلات "وحدت انقلابی" کمک کند، بلکه بمثابه گامی مثبت مورد استقبال جنبش کمونیستی میهن ما نیز قرار گیرد" (ضمیمه انقلاب - شماره ۱)

آنچه در اینجا مورد بررسی ما قرار میگیرد، توضیح تداوم انحلال طلبی در پوشش جدید در طرح کنونی و نگاه هی گونا به درکهای گوناگون موجود در "تشکل" وحدت انقلابی است.

برای بررسی آنچه اکنون در مورد "وحدت - انقلابی" پیش آمده، ضروری است نگاه گونا به تئوری ضدمارکسیستی "تشکلات دوران گذار" که عامل "وحدت" بخشنده و همچنین عامل ایجاد

ما در عین استقبال از جریانی که به نفعی و طرد انحراف فوق برداخته، تا کید می کنیم که نباید از تاثرات بسیار منفی و مخرب که این انحراف در جنبش کمونیستی، در منحرف و منفعل نمودن بسیاری از کمونیستها ی انقلابی، در لووت کردن وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد تشنگی در جنبش، نسبت به ما مروجت، در فراموش نمودن خوراک تبلیغاتی برای دشمنان جنبش کمونیستی یعنی رویزیونیستها و... بجای گذاشته است، بی تفاوت گذشت.

تاثرات مخرب این انحراف تنها میتواند با انتقاد دیرحمانه و درسی آموزی کمونیستی و بخصوص با بیگیری در مبارزه برای طرد افشا، کامل این انحراف جبران شود. باید جنبش کمونیستی را از این انحراف که به ایدئولوژی کم بها میدهد، اختلافات ایدئولوژیک و طبقاتی را در پوشش اسبابات و مسائل معرفتی می پوشاند و کوشش دارد تشکلات پوپولیسیتی را جایگزین تشکلات پرولتری نماید و بدین ترتیب پرولتاریا را از تشکلات خویش محروم سازد و بالاخره با توجیهات عوامفریبانه کوشش دارد جنبش کمونیستی و تشکلات آن را به انحلال بکشاند، شستوداد.

کوچکترین تزلزلی در برخورد به این انحراف بمثابه جان دادن دوباره بدان میباشد و از این نظریات هم تا کید می کنیم در شرایطی که جنبش کمونیستی ما دوره پی ریزی حزب طبقه کارگر را میگذراند، قوام یافتن میانی سیاسی - ایدئولوژیک حزب، مستلزم مبارزه با این دید-

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

بحران در این گروه بوده است، بیایند از بیم و بطور مختصراً نحرفات معوری در طرح "تشکیلات دوران گذار" مورد برخورد قرار دهیم.

۱- تئوری "تشکیلات دوران گذار" اکونومیستی است؛ بر اساس این تئوری، عامل تشکیلات ایدئولوژیک موجود در جنبش کمونیستی، پراکندگی گروهها است که هر یک به تنهایی با پراکنج محقر خود "فادربه تدوین تئوری انقلاب نیستند و مشکل اصلی جنبش کمونیستی نه شش ایدئولوژیک بلکه پراکندگی سازمانی است. از این رو در راه راه حل، مسئله تشکیلات عمده میشود و طرح پیشنهادی ناظر بر زود بودن پراکندگی تشکیلاتی است و گویا به اعتبار این دو جنبه وحدت تشکیلاتی ای میتوان به وحدت ایدئولوژیک دست یافت!

این نگرش اکونومیستی، پراکندگی تشکیلاتی را معلول شش ایدئولوژیک ندانسته و در ارزیابی ارزیاب ایدئولوژی و تشکیلات، تشکیلات را مقدم بر ایدئولوژی میدانند. چه راه حل پراکندگی محفوف کمونیستها و وحدت تشکیلاتی را در کسب و ايجاد وحدت ایدئولوژیک ندانسته و بالعکس خود این وحدت ایدئولوژیک را ناشی و منتج از وحدت تشکیلاتی میدانند. چنین است که به ایدئولوژی کمبها میدهد و تشکیلات را بر آن مقدم می نماید. بدین ترتیب اکونومیسم را در ایدئولوژی تئوریزه می نماید. این درک اکونومیستی آنچنان به نقش ایدئولوژی و تئوری کمبها میدهد که میندازد تئوری و ایدئولوژی هر گروه از "پراکنج محدود و محقر" آن گروه نشأت میگیرد، و از این رو چون بسیاری از گروهها دارای پراکنج گسترده نبوده و سر تا سر نیستند و از امکانات تشوریک وسیع برخوردار نیستند، نمیتوانند به تئوری انقلاب دست یابند. این درک تحقیرگرانه نسبت به تئوری، تئوری را نه محصول جنبشندی پراکنج اجتماعی سالیان سال مبارزه طبقاتی که در اندیشه مل متبلور شده است، بلکه نتیجه پراکنج تک تک افراد و پراکنج محقر هر گروه میدانند. بر اساسی با چنین دیدی ساده اندیشانه چگونه ممکن است پذیرفت و با ورکرد گروه آزادی کار با آنها همبها پراکنج محقر و محدود میتوانند است در تدوین و کشف تئوری انقلاب نظرات درست و شگرفی را ارائه داده باشد؟!!

چنین است که درک این دیدگاه نسبت به مسئله ایدئولوژی و تشکیلات، تئوری و پراکنج درکی است اکونومیستی و تقلیل گرایانه. ۲- تئوری "تشکیلات دوران گذار" پوپولیستی است!

تئوری دوران گذار نه تنها از ازیبهای اکونومیستی به نفعی نقش ایدئولوژی و تئوری میبرد از، بلکه از ازیبهای پوپولیستی (تمام خلقی) گرایشات متفوت ایدئولوژیک موجود در جنبش کمونیستی را که ناشی از گرایشات طبقاتی آنهاست، نغنی کرده و آنها را ناشی از

"بها مات" وضع "معرفتی" میخوانند: "اعتقاد ما بر این است که مسائل ایدئولوژیک موجود پیش از آنکه نماینده اختلافات ایدئولوژیک و شما بنده سیستمهای فکری متفوت باشند بیانگر آنهاست و نا روشنیها را در مسائل تشوریک است. از همین رو در اکثر موارد این اختلافات را نه طبقاتی بل معرفتی ارزیابی میکنیم" (صفحه ۱۳) (جزوه وحدت مسئله مرکزی و معوری ...).

بدین ترتیب بر اساس این نگرش، گرایشات اپورتونیستی و رویزیونیستی موجود در جنبش کمونیستی که حتی دیمواری نیروها را به کمب فدا انقلاب رانده است، (مانند اتحادیه، اکثریت و...) نه ناشی از منافع طبقاتی آنها بلکه ناشی از معرفت وضع تشوریک و... است. از این ساده لوحانه تر نمیتوان مضمون طبقاتی تئوری و ایدئولوژی را مخدوش نموده و آنرا تا

وسعی از آن، یعنی رفقای مربوط به دیدگاه سوم "به رد تئوریهی دوران گذار دست زدند. ۳- تئوری تشکیلات دوران گذار را انحلال طلبانه است!

بی شک با درک روشنفکرانه و غیر طبقه بندی که "وحدت انقلابی" از علل اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی درون جنبش را شده داده است راه حل مطروحه از جانب آنان نیز از محدوده درکهای آکادمیستی و غیر طبقه بندی نمیتواند خارج شود. راه حلی که وحدت تشکیلاتی را به منظور انجام یک همکوشی تشوریک برای دستیابی به وحدت ایدئولوژیک تبلیغ میکند، نشان میدهد، تئوری را نه در متن مبارزه طبقاتی، بلکه در گردهماییها و نظیر "کنفرانس وحدت" و امثالهم میخواند و کشف و تدوین کنند.

تشکیلات کمونیستی جزا بزاری در خدمت سازماندهی و هدایت مبارزه طبقاتی پرولتاریا

● راه حلی که وحدت تشکیلاتی را به منظور انجام یک همکوشی تشوریک برای دستیابی به وحدت ایدئولوژیک تبلیغ میکند، نشان میدهد که تئوری را نه در متن مبارزه طبقاتی، بلکه در گردهماییها و نظیر "کنفرانس وحدت" و امثالهم میخواند و کشف و تدوین کنند.

نیست. و وحدت تشکیلات در گروه و وحدت اندیشه و ایدئولوژی است. اگر تشکیلاتی فاقد وحدت اندیشه و اراده باشد، مدد مدفا قدوحدت عمل بوده و نخواهد توانست اساسا نقش در مبارزه طبقاتی پرولتاریا ایفا نماید. به اعتبار چنین درکی ما معتقدیم "تشکیلات دوران گذار" که فاقد وحدت اراده و اندیشه است، طبعا فاقد وحدت عمل بوده و از آنجا که بعنوان ابزاری کمونیستی و در خدمت مبارزه طبقاتی پرولتاریا قرار ندارد، قادر نخواهد بود تئوری انقلاب و خط مشی پرولتاری را کشف و تدوین نماید. تنها انحلال طلبانی که نقش کمونیستها را به آکادمیستها اشتباه میگیرند و تئوری انقلاب را نه محصول جمع بندی مبارزه طبقاتی در هر سه شکل خویش (ایدئولوژیک - سیاسی و اقتصادی) بلکه امری آکادمیک و صرفاً تحقیقی دانسته و برای دستیابی به آن گردهماییها و همکوشیهای تشوریک را کافی میدانند نمیتوانند چنین ادعاها را بکنند. بر اساسی چنین درک آکادمیک و انحلال طلبانه ای است که از گروهها دعوت میشود تشکیلات خود را نغنی کرده و در حقیقت از شرکت در مبارزه طبقاتی خودداری ورزند و جدا از شرکت در مبارزه طبقاتی، با یک همکوشی تشوریک مکانیکی، به تدوین خط مشی و برنامه بپردازند. جوهر انحلال طلبانه این تزهاننا در جدا کردن مبارزه ایدئولوژیک از مبارزه طبقاتی پرولتاریا است. و بر اساس چنین سیستم فکری است که انحلال تشکیلات، خودداری از شرکت فعال در مبارزه طبقاتی و نغنی مبارزه ایدئولوژیک اصولی برای دستیابی به وحدت و جایگزینی اختلاف، تئوریزه میگردد. در حالیکه از نظرگاه مارکسیستی تدوین تئوری انقلاب در

سطح "دانشی" که "منحرفین" بدان دست نیافته اند پائین آورد. بر اساسی این رفقا چه درک می از موضع گیریهای سیاسی نیروهای اجتماعی دارند. آیا میندازند ضعف تشوریک، آنها را از یکدیگر متمایز کرده و آنها را وادار به اتحاد مواضع گوناگون نموده است؟ اگر درست است که این نیروهای نامبرده کمونیست هستند و در مبارزه طبقاتی منافع سیاسی پرولتاریا را نمایندگی میکنند، پس چگونه انعکاس منافع سیاسی طبقه کارگر در این تشکلات انعکاس می یابد؟ یا بجای از طریق موضع گیریهای سیاسی آنها که نمایانگر منافع طبقه کارگر میتوانند باشد؟ و اگر این بدیهیات را بپذیریم، چگونه خطرات گوناگون که انعکاس منافع طبقاتی متمایز از همدیگر است... فاقد هویت طبقاتی معرفی گشته و "معرفتی" خوانده میشود. آیا این جزئی ایدئولوژی پرولتاریا، بجز تبلیغ آشتی ایدئولوژیک، جز رواج تفکر تمام خلقی نسبت به انحرافات غیر پرولتاری و جز "فائل شدن به خط مرزی بین خط مشی پرولتاری و غیر پرولتاری است؟

لیکن اگر جنبش "وحدت انقلابی" فاقد درک چنین حقیقتی نبود، منطق شوخی ناپذیر مبارزه طبقاتی، این حقایق را بعین نشان داد. پلازیزه شدن جنبش کمونیستی، قطب بندی شدن گرایشات ایدئولوژیک، خارج شدن نیروها از جنبش کمونیستی و پیوستن آنان به رویزیونیسم، انشعابات متعدد در جنبش کمونیستی، همه و همه ناشی از منافع طبقاتی گوناگون بود که هویت ایدئولوژیک - سیاسی متمایز از یکدیگر را بنمایش میگذاشت. و بالاخره این مرز بندیهای طبقاتی - ایدئولوژیک را منکیر خود "وحدت انقلابی" نیز شد و بخواهد

بزرگداشت سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن زیر پرچم سرخ کمونیستها



پرچم سرخ، این نشانه کمونیسم، در مراسم تظاهرات در اهتزاز نمود.

برای بزرگداشت دومین سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن ۵۷، سازمان ما و رفقای "رزمندگان" مشترکا اقدام به برگزاری تظاهرات در روز ۲۲ بهمن نمودند، که توسط سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومله) مورد پشتیبانی قرار گرفت. طبیعی است که نیروهای حق برگزاری تجلیل از قیام بهمن ماه ۵۷ را داشته باشند که قطعاً در راه آزادی زحمتکشان و در کنار آنان با امپریالیسم ورژیم سرما به داری وابسته شاه مبارزه کرده و این مبارزه را تا پیروزی نهائی ادامه میدهند. کمونیستها و نیروهای انقلابی می بایست با برگزاری مراسم مستقل و باشکوه ضمن بزرگداشت دستاوردهای قیام، چهره واقعی رژیم جمهوری اسلامی را با نشان دادن عملکرد سنگین دوساله - اش برای توده های زحمتکش افشا میگردند. کمونیستها وظیفه دارند که نشان دهند بیش از هر نیرویی حق برگزاری چنین مراسمی را دارند چرا که نه تنها در زمان حاکمیت رژیم شاه خلقی شاه پیگیرترین انقلابیون بودند، بلکه این مبارزه را همچنان بر علیه نظام سرمایه داری وابسته ورژیم حافظ و مدافع آن یعنی جمهوری اسلامی نیز ادامه میدهند. آری آنها می بایست به توده ها نشان دهند که رژیم جمهوری اسلامی و هر دو جناح مرتجع آن (لیبرالها و حزب جمهوری) که از اولین روز پس از قیام، کلیه دستاوردهای آنرا لنگدال کرده و به سرکوب زحمتکشان، خلقهای قهرمان کرد، ترکمن، بلوچ، عرب و... پرداخته و مبارزات کارگران و بیکاران را با خون کشیده و در دامن نشاها کشتار کرده و... به پیوجو حقه حق برگزاری چنین مراسمی را ندارند و بر این اصل بود که سازمان ما روی برگزاری مراسم بزرگداشت به زیر پرچم سرخ کمونیستها با فشاری کرده و همراه با سازمان رزمندگان اقدام به دعوت برای راهپیمایی چهارشنبه ۲۲ بهمن نمود. (ما در این میان مجاهدین خلق ایران در تعمیق تزلزلات لیبرالی شان در دنبال بورژوازی روان شده و با شرکت در مراسم لیبرالها و سخنرانی بنی صدریکبار دیگر نشان دادند که در برابر بنی لیبرالهای مرتجع دچار نا پیگیری شدید هستند. اما نیروهای رویزیونیستی از جمله حزب خائن توده و مرتدین "اکثریت" چون همیشه به چاکرمنشی خود در قبال ارتجاع حاکم ادامه داده و بویژه به مجیز گوئی از "حزب جمهوری اسلامی" پرداختند. این خائنین که زندگی انگلی خود را با افشاکریهای بی امان نیروهای کمونیست در خطر می بینند، در خوش رقصی برای ارتجاع بر علیه نیروهای کمونیست به فحاشی پرداخته و نیروهای سرکوبگر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را برای سرکوب کمونیست ها راهنمایی کرده و در مقابل برای اثبات چاکری خود دیدمان بورژوازی، بسا رویزیونیست های اروپائی کارناوالهای مفتضحانه برافراهنداختند.

برداشت تا بگونه ای دیگر به توطئه سرکوبش علیه فعالیتهای آگاهان کمونیستها ادامه دهد. البته در این مورد رویزیونیست های خائن حزب توده نیز با "هندارها" و تبلیغات تارتجاعی - اش رژیم جمهوری اسلامی را در سرکوب کمونیستها یاری کرده و به آنها راه نشان میداد. همچنانکه در آغاز راه شد از صبح او با شان و چماق داران منطقه خیا بان فخر را از "قرق" کرده بودند، حزب جمهوری اسلامی بیشتر دستهای خود را که از مردم نا آگاه و متوهم تشکیل شده بودند با شعار - هائی علیه نیروهای انقلابی (اینهم نوعی بزرگداشت از قیام خونین مردم است!!) و فحاشی به کمونیست ها با طرف دانه نگاه و اطراف خیا بان فخر را از به حرکت در آورده بود. اکثر رفقای هوادار میدادند که راهپیمایی از فخر را از شروع نخواهد شد و مردم مبارزی که جهت شرکت در راهپیمایی کمونیست ها آمده بودند از طریق آنان با خبر میشدند و در نتیجه رجزخوانی های او با شان و عوامل مزدور ارتجاع فقط از دور، گوشه را می آزد و برای آنان نتیجه ای نداشت. دقیقی از ساعت ۱۱ گذشته بود که در میسان چشمان وحش زده مزدوران ارتجاع، در گوشه شمال شرقی میدان انقلاب، فریادش از هزار نفر از کمونیستها که با مشت های گره کرده فریاد میزدند: "اتحاد، مبارزه، پیروزی" در میدان نشین انداخت و رهروان راه آزادی طبقه کارگر

علیرغم تشبیهات گوناگون ارتجاع حاکم و مدافعین رویزیونیست آن از "توده ای"، "اکثریتی"، کمونیستها موفق شدند با راهپیمایی چند هزار نفره مشت محکمی بر دهان یا وه گویان بکوبند و نشان دهند که در راه رهاشی طبقه کارگر و برقراری سوسیالیسم مضمنا نه به پیش میروند.

از اولین ساعات صبح چهارشنبه ۲۲ بهمن خیا بان فخر را از و محوطه مقابل دانشگاه از او با شان حزب جمهوری اسلامی پر بود، ارتجاع که از بیانی واقفیت ها بوسیله کمونیست ها وحشت دار و میداند که تظاهرات، راهپیماییها و اجتماعات کمونیست ها با استقبال توده های زحمتکش روبرو می شود و در این حمایت توده ای که با رشد آگاهی توده ها همراه است با بان "غم- انگیز" (غم انگیز برای سرمایه داران و حامیان - شان) خود را می بینند، بهر وسیله ممکن دست می زنند تا از تماس نیروهای انقلابی و بویژه کمونیست های راستین با توده ها جلوگیری نماید. اگر در ۲۳ دیماه (سالگرد روزبا زگشائی دانشگاه) با تبلیغات فریبکارانه و مسمومش نتیجه کاملاً معکوس گرفته و باعث اطلاع توده های بیشتر از برگزاری تظاهرات و روی آوردن آنها بمقابل دانشگاه شد، اینبار کمتر تبلیغات علنی علیه راهپیمایی کمونیستها پرداخته و بجز چند مورد تهدید و ارباب توده ها، عمدتاً به سازماندهی مخفی او با شان و چماق داران

تجربه قیام ۲۲ بهمن، نشانگر ضرورت رهبری طبقه کارگر در مبارزات دمکراتیک-ضد امپریالیستی خلقهاست

گروهی از مردم زحمتکش، بطول مسیاریبیاده -
روها و ساختمانهای اطراف با گره کردن مشت و
با ابزار احساسات از راهیماشی کمونیستها



تظاهرات کمونیستها مشت محکمی بود بردهان ارتجاع حاکم و روزیونیهستهای خائن.

کردند ولی موفق نشدند، توده‌های زحمتکش
بچشم‌میدیدند که علیرغم زندان و اعدام و با وجود
بورشیهای مکرر با ساداران مسلح و چاقو ساداران
حزب جمهوری اسلامی، کمونیستها، بدون ذره‌ای
تزلزل و تاپای جان تلاش میکنند تا پیام‌های
و آگاهی را به زحمتکشان برسانند و بهیمن دلیل
است که آنها علیرغم تبلیغات گوش‌کرکن ارتجاع
آرام، آرام‌بسمت کمونیست‌ها که‌ها‌های انسان
را فریاد میکشند و آورده‌ها و زانان حمایت
میکند، پس از طی مسافتی درخشان با رودکی
و در حالیکه شعارهای انقلابی نظیر کمونیست‌ها
خیا بان را به لرزه آورده بود و در حالیکه
علیرغم تشبیهات مذبح‌ها و فالانزها پرچم سرخ
رزم کارگران در دست کمونیستهای انقلابی
برافراشته بود و در چاه‌ها و اما میزشکی با برخورد
هشیارانه بر گزرا رکنندگان، در حالیکه شرکت -
کنندگان شعار میدادند: "به امید پیروزی
انقلاب متغیر می‌شویم" مراسم بزرگداشت سالگرد
قیام شکوهمند بهمن بیابان رسید، دقایقی
بعد چندین اتومبیل پسران ساداران مرتجع
مسلح برای سرکوب راهیماشی کمونیستها
سر رسیدند و تعدادی از آنها هر کسندگان را دستگیر
کرده و بردند، ارتجاع مذبح‌ها، می پندارد که
این دستگیریها و زندانها میتوا نندار آدهن
کمونیستها نسبت به عهدیماشی که برای رهائی
طبقه کارگران زحمتکشان بسته اندخلل وارد
زهی خیال باطل! طبیعی است که این راهیماشی
مشترک که از جانب سازمان ما و رفقای رزمندگان
برگزار شدند کات مثبت و منفی متعددی دربر -
داشت که با دیدن آنها نقادان و در جهت استفاده
از تجارب آن برای تبالا بردن کیفیت مبارزاتی
به آنها برخورد کرد، امری که در فرصت مناسب به
آن خواهیم پرداخت.

حمايت ميکردند. صف منجم را هيماشي پس از
طی خیابان آذربایجان وارد خیابان رودکی
شد، در خیابان آذربایجان آمولانسی با دسته
کلی در جلوش که بظاهرا نمود میگردنا زه حمل
میکند به جمعیت زده و دونفر را زخمی کرد ولی در

قطعنامه

مراسم بزرگداشت دومین سالگرد
قیام خونین بهمن

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

کارگران، زحمتکشان، خلقهای مبارز ایران!

دو سال از قیام پیرشکوه و حماسه آفرین بهمن
ماه ۵۷ میگذرد.

قیام خونین بهمن ماه در شرایطی صورت
گرفت که رهبران از مسلح کردن توده‌ها و صادر
کردن دستور "جهاد" مسلحانه خودداری کرده
بودند. قیام بهمن ماه در شرایطی صورت گرفت
که توده‌ها فاقد هرگونه شکل سازماندهی و
رهبری واقعی بودند، در شرایطی این قیام
صورت گرفت که نا رهبران، بهیشتی‌ها، بازرگانها
با هویت‌رمانی پنداره میربا لیسامریکا مذاکرات
سازش را صورت داده بودند، و قمددا شتند تا ارتش
دست‌پزورده میربا لیسام را حفظ کرده و قدرت را
بصورت مسالمت‌آمیز منتقل کنند، اما توده‌های
که از ظلم و ستم رژیم سرمایه‌داری وابسته -
امیربا لیسام به تنگ آمده بودند، توده‌های که
خواهان استقلال، آزادی و برانداختن فقر و
بقیه در صفحه ۱۸

وهوادران نیروهای کمونیست در آنسومجمع
شده و در حالیکه شعار میدادند: "کارگر، کارگر،
پرچم سرخ تو، پرچم رزم ما" با برافراشتن پرچم
سرخ کمونیستی، کینه طبقاتی ارتجاع و
مزدورانش را چندبرابر کردند. با ساداران در لباس
شخصی و با نشان که در آن پرچم سرخ، تیله‌وری از
مبارزه طبقاتی زحمتکشان بر علیه حاکمیت
ارتجاع را میدیدند و تماشا را ده مبارزانیسی
زحمتکشان برای نابودی سرمایه‌داری وابسته
و ایجاد جامعه‌ای نو برهبری طبقه کارگر در آن
منجلی میدیدند و حشیا نه برای بدست آوردن آن
به تنگای بواقفانده و پس از کشمکشهای فراوان آنرا
بچنگ آورده و با سوزاندن آن کینه طبقاتی خود
را نسبت به آلمان رها شیش طبقه کارگر -
نمایش گذاشتند. با ساداران با اتومبیل‌های
گشتی برای دستگیری رفقای انقلابی دست
بکار شدند، و چند رفیق مبارز را دستگیر کرده و با
اتومبیل‌های آما ده در میدان به زندانها پشان
بردند، جا قوگشان نیز در همین حین رفیقی را
بشدت از ناحیه سر زخمی کردند که جمعیت آنرا
از دست فالانزها نجات دادند.

رفقای برگزارکننده تصمیم گرفتند که
راهیماشی از چاه راه خوش - آزادی آغاز
شود و با سازماندهی متناسب تا آنجائی که میسر
بود بخشی از شرکت کنندگان در راهیماشی از
این تصمیم مطلع شده و بطرف چاه راه "خوش"
حرکت کردند و لحظاتی پس از ساعت ۱۲ ظهر،
سکوت خیابان آزادی با شعار "اتحاد، مبارزه،
پیروزی" کمونیست‌ها در هم شکست، شیفته‌گان و
رهبران راه آزادی طبقه کارگر، با برافراشتن
پرچم سرخ رزم کارگران، که آرم "داس و چکش" آن
چون دشمنای در قلب سرمایه‌داران و حامیان نشان
فرورمیرفت از خیابان خوش پاشین رفته و بطرف
خیابان آذربایجان برافراشتند، کمونیستها
با فریاد "کارگر، کارگر، پرچم سرخ تو، پرچم
رزم ما"، "شعار زحمتکشان، نان، مسکن، آزادی"،
"بنی صدر، بهیشتی، برای سرکوب خلق متخدد و
برادر" بگوش زحمتکشان میرسانند که فقط با
ادامه مبارزه است که میتوان از قیام بهمن ۵۷
تخلیل کرد، آنها با مقاومتی آهنین در برابر
بورش گروهی چاقو زوا و پاشینی اعتنا به
زوزه آنها، با فریادهای خشم‌آلود خود، با شعار -
های انقلابی خویش به زحمتکشان نشان میدادند
که فقط کسانی میتوانند از قیام بهمن ۵۷
تخلیل کنند که دستاوردهای آن را گرامی بدارند
و به مبارزه علیه امیربا لیسام و ارتجاع داخلی
ندا و میباشند. کمونیستها در راهیماشی بر
شورشان به کارگران و دیگر زحمتکشان اعلام میکنند
که بهیشتی‌ها و نه بنی صدرها که بروج جنبش
مردم قهرمان سوار شده و تحت پوشش دیگر -
استثماران ادا می‌دهند کوچکترین حقی
در بزرگداشت قیام بهمن ۵۷ که بزرگترین
هدفش سرنگونی کامل سرمایه‌داری بود و این
خیانت پیشگان مانع از آن شدند، ندا رند.

باز هم درباره مصاحبه مجاهد با قاسملو

انجام این مصاحبه مرتکب چه انحراف عظیم سیاسی در قبال جنبش مقاومت شده اند. و ایس ارتظر هر کمونیست و دمکرات انقلابی محکوم است.

به مصاحبه بپردازیم: در این مصاحبه آقای قاسملو سعی فراوانی میکند که نشان دهد حزب دمکرات "مخالف هرگونه جدایی خواهی از ایران" است (مجاهد ۱۰۷). بخصوص وقتی مدعی میشود "ما نه تنها با هیچ یک از نیروهای ضدانقلاب (؟؟) همکاری نداریم بلکه ما آنها مبارزه کرده و میکنیم" (جدا!!) (درواقع دروغ آشکاری را تحویل میسازد و جنبش میدهد. جدا و لا- حزب دمکرات

امکان اجرای این سیاست را باز گذاشت. اعلامیه های متعدد حزب دمکرات در ماه های اخیر که در آن ها خود را تنها "نماینده خلق کرد" و "مشکل امورا جرائی امور منطقه "خوانده است بطرز بارزی این موضوع را تائید میکنند. درست در اجرای چنین سیاست ضد انقلابی است که حزب دمکرات دست به خلع سلاح پیشمرگان کومله و بیگا روراه کارگرد کردستان زده است. زیرا به خوبی میداند که تنها مانع جدی در اجرای اهداف ضد انقلابی این حزب در کردستان نیرو های کمونیست و پتانسیل جنبش توده ای است. به این ترتیب می بینیم، وقتی قاسملو مدعی میشود "حزب ما مخالف هرگونه جدایی خواهی از ایران است" تا چه حد ما هیبت واقعی خود را در نیس الفاظ پنهان میکند، و متاسفانه دوستان مجاهد نیز به این لفاظی یا وردارند. این همان انحرافی است که مجاهدین در اتریشیست لیبرالی خود بدان دچار می باشد.

● آری دوستان مجاهد با انجام این مصاحبه به تقویت حزب دمکرات پرداختند و این موضوع به هیچ وجه تصادفی یا اتفاقی نیست. مجاهدین که بنا به حکم ما هیبت خرد و بورژوازی خود بین دو قطب لیبرالیسم ضد انقلابی و دمکراتیسم انقلابی در نوسانند، با این عمل خود بورژوازی را تقویت و آن را بزرگ کرده اند.

ما زمان مجاهدین خلق، اخیرا در مجاهد ۱۰۷ مصاحبه ای را با قاسملو دبیر کل حزب دمکرات درج کرده است. ظاهرا انگیزه مجاهدین از این مصاحبه اینست که "مدتی است شایع کرده اند که حزب دمکرات کردستان قصد دارد تا خود - مختاری کردستان را بطوریکه جا نیها اعلام نماید. این شایعه از طریق مطبوعات داخلی نیز داده شده میشود." (مجاهد ۱۰۷) و گویا این مسئله ای است که دوستان مجاهد را "نگران" کرده است. اما در واقع این مجاهدین نیستند که با این نگران شوند، زیرا مجاهدین تا کنون حتی برای یکبار جنابیت و سیاست سرکوب رژیم جمهوری اسلامی در کردستان را محکوم نکرده اند و بدو دفاع مستقیم از حقوق خلق کرد و نیروهای انقلابی آن نبرد اخته اند. و این واقعیت تلخ، پیش از همه کمونیستها و نیروهای دمکرات را نگران سیاسی میکند که مجاهدین در قبال جنبش توده ای بطور اعم در قبال جنبش مقاومت بطور اخص اتحاد و اجراء میکنند. این بار نیز آنها نشان دادند که تا چه حد در وفاداری به اصول دمکراسی و منافع توده ها، نا بیگبیر و متزلزلند. آنها به جای تقویت قطب انقلاب و کمونیستها، با انجام مصاحبه با قاسملو تا حدی نظرات وی، از قطب ضد انقلاب و بورژوازی در کردستان دفاع کرده اند.

ما بدوستان مجاهد، اطمینان میدهم که این سیاست لیبرالی، از جانب توده های انقلابی خلق کرد که در زیر باران کلوله و آتش دشمن و موج اختناق و سرکوب رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی تهران تا نه میجکند و هدفشان نه کسب طرح ماده ای - آتم به با اصلاحات بی مدعی !! - بلکه کسب خود مختاری در چهار چوب جمهوری دمکراتیک خلق است. شدت محکوم خواهد شد. توده های انقلابی خلق کرد مدتهاست با گروه ها که میجهد آنها را "چپ رو" و "بی مسئولیت" خوانده است. بییمان مبارزاتی بسته اند و هر روز پیش از روز پیش، بر ما هیبت ضد انقلابی حزب دمکرات آگاه میگردند. در حالیکه مبارزه خلق کرد بوسیله نیروهای کمونیست (کومله و بیگار ...). در کردستان نمایندگی میشود، روزی نیست که سندی در باره ضدیت این حزب با توده های کرد و حمایت از فتوای آنها، قاچاقچیان و عناصر وابسته برای توده ها افشا نشود.

آری! دوستان مجاهد با انجام این مصاحبه به تقویت حزب دمکرات پرداختند. و این موضوع به هیچ وجه تصادفی یا اتفاقی نیست. مجاهدین که بنا به حکم ما هیبت خرد و بورژوازی خود بین دو قطب لیبرالیسم ضد انقلابی و دمکراتیسم انقلابی در نوسانند، با این عمل خود بورژوازی را تقویت و آنرا بزرگ کرده اند. ما قتل در مقالات مختلف بیگار، کوشیده ایم دمکراتیسم مجاهدین را تقویت و آنرا ارتقاء دهیم تا به این ترتیب قطب انقلاب در برابر ضد انقلاب تقویت گردد. در اینجا نیز با مقایسه آنچه قاسملو در این مصاحبه گفته و آنچه حزب دمکرات در عمل انجام میدهد، نشان خواهیم داد که مجاهدین با

و اطمینان اینست که حزب دمکرات برای رسیدن به منافع ضد انقلابی خود دفاع از طبقات ضد انقلابی در کردستان از آنها دفاع میکند، به هر وسیله ای متوسل شده و خواهد شد. حزب دمکرات هم تا قدری جدایی خواهی مخالف است که به حفظ روابط با سوسیال امپریالیسم شوروی و بعثت اظهار علاقه میکند. این حزب به هر قطب ضد انقلابی که بتواند منافع وی را تامین کند، نزدیک میشود و در عین حال سعی خواهد کرد که خود را یک "دمکرات" نشان دهد.

اما یک دمکرات کیست و چه رفتاری در قبال جنبش اتحاد میکند؟ لنین کبیر دمکرات را اینگونه تعریف میکند: "دمکرات کسی است که به مردم ایمان ندارد. به جنبش توده ها ایمان دارد و با اینکه اغلب در مورد اهمیت که این جنبش در قبال رژیم سرمایه داری دارد دارای نظریه اشتباه میزاست... با زیبا تمام وسائل به آن کمک میکند. دمکرات با صداقت بیشتری برای قطع علاقه با کلیه نظم و نسق قرون وسطایی میکوشد." (احزاب سیاسی در روسیه - تاکید از لنین). و حزب دمکرات درست بر مبنای این تعریف دمکرات نیست زیرا اولاً - به جنبش توده ها و به مردم ایمان ندارد. و این بی ایمانی خود را با سرکوب، تهدید و آزار توده های دهقان در کردستان که خواهان مبارزه زمین های اربابان و ملاکین هستند و با حمایت از اربابان و ملاکین عملاً نشان داده است. (آخر احزاب دمکرات دهقانان روستای تیکان تیره در اطراف بوکان که به مبارزه بر علیه مالک دهبه - خاسته بودند، به رنگباریست)

تا کنون به عنوان نمونه فقط بر علیه سبها و زرکاری که مزدور و وابسته به رژیم فاشیستی بعث عراق است، هیچ اقدامی نکرده است بلکه سخما در مناطق جنوبی کردستان (منطقه اورامانات و زارود) حتی دست به همکاری با این عناصر مزدور زده است. در چندین درگیری با نیروهای سرکوب رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، این دو نیرو با یکدیگر همکاری و مشارکت داشته اند. (درگیری با ستون ارتش ضد خلقی در کامیاران در تابستان امسال، تشکیل ستاد مشترک با سپاه زرکاری بعد از اشغال منطقه دزلی بوسیله مزدوران رژیم) بگذریم از اینکه تعدادی از مسئولین نظامی حزب دمکرات خود افسران فراری ارتش و هوا داران بختیار و شاه شاهن هستند (گوری رش، سیمکو علیار، شیخ هادی و... تا نیا - اخبار بسیاری از کردستان میرسد که حاکی از روابط نزدیک میان حزب بعث و دمکرات در منطقه است و "تا به" هم نیستند. جالبتر اینکه پیشمرگان و بعضی از مسئولین حزب دمکرات این روابط را نه تنها پنهان نمی کنند بلکه آنرا تائید و حتی تبلیغ هم میکنند. اخیرا نیز بعد از برگزاری پلنوم چهارم حزب دمکرات، این حزب از محکوم کردن جنگ میان دو رژیم ارتجاعی ایران و عراق خودداری کرد و فقط علت این جنگ ارتجاعی را تحریکات رژیم ایران خواند. ثالثا با تقویت این شایعه که گویا حزب دمکرات در دوری بنیان در کردستان قصد دارد اعلام "حکومت خود مختار در کردستان" کند، این حزب در زادیوی خود نوشته آنها این مسئله را صریحا تکذیب نکرد بلکه با بخش اطلاعاتی مبهم و دوپهل

نقشه در صفحه ۲

"آوارگان غارت خانه هایشان بوسیله رژیم رافشامی کنند!"

در ۲۸/۱۰/۵۹، پاسداران کمیته مجید سلیمان، وانت باری پرازلحاف و تنگ وینو را برای تقسیم به میان آوارگانی کذب برای دریافت آنها با آنها درمفایا بسنا ده بودند می آوردند، پیرزن آواره زحمتکشی با دیدن وانت خود را به روی جندلحاف و تنگ انداخته و فریاد میزدند که "این رختخوابها مال منه" و در جواب عوامل رژیم که از وی آدرسی و مشخصات می خواستند میگوید که شناسنامه های بچه ها هم را لای رختخوابها گذاشته ام بر اثر فشار دیگری آوارگان مسئولین رژیم مجبور به بازگشتن از رختخوابها میشوند و در مقابل چشمهای بهت زده و پیرا زلفت مردم، شناسنامه ها بیرون می آیند، معلوم میشود که بخشی از وسایل خانه های غارت شده آوارگان در شهرها بشان بوسیله پاسداران، اکنون به عنوان کمک های رژیم به آوارگان داده میشود. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها زحمتکشان را گوشت دم توب سرمایه داران میسازد بلکه با غارت اموال آنها چهره کثیف و ارتجاعی خود را به نمایش میکشد. به نقل از خبرنامه جنگ - خوزستان شماره ۱۵

حققان و سرکوب سیاست رژیم درقبال آوارگان جنگ

جنگ زدگان خلق عرب همانند سایر آوارگان جنگی، در بدترین شرایط زندگی بسر میبرند. اغلب این زحمتکشان در سیاهانه های اطراف پیرهای خوزستان در میان گل ولای در جادر - های بارهویا - سی بدون چادر زندگی میکنند. علاوه بر اینها رژیم جمهوری اسلامی، خروریزه بهانه های مختلف آنها را تحت آزار و شکنجه قرار میدهد. خلق عرب به جرم عرب بودن ناچار است که جورجانیات رژیم مزدور عراق را نیز بکشد. عوامل رژیم هر روز عده ای از این زحمتکشان را به جرمهای واهی جاسوس، ستون پنجم و... مورد آزار قرار داده و به زندان می اندازد. در تاریخ ۲۶/۱۰/۵۹ پاسداران سرمایه اردوگانه آوارگان واقع در پانصد ستگاه اهواز را که محل اسکان آوارگان زحمتکش عرب خوزستان میباشد - محاصره میکنند. پاسداران ارتجاع به رهبری آیت الله طباطبائی حاکم شرع اهواز بهانه دستگیری جاسوسان عراقی به خانه های آوارگان هجوم برده و علاوه بر بازرسی بدنی آوارگان و مسائل مختصرتان را

اخبار جنگ

نیز بازرسی کرده و جرمی را ثابت نمی کند - رساننده مقدار بول بخنجر آوارگان را نیز به غارت میبرند این محاصره و حمله و حسیانه رژیم کذب از کوساعت طول کشید، بعدها و زنی را بندت به وحشت انداخته بود در آخر هم مردوران رژیم ۱۵ نفر از آوارگان را دستگیر کرده و همراهِ میبردند و هم در اردوگاه حکومت نظامی اعلام میکنند. جنگ ارتجاعی علاوه بر کشتار و آوارگی زحمتکشان، سرکوب و حقیقت را برای آنها به دنبال دارد. به نقل از فریاد آوارگان شماره ۱۳ با اندکی تغییر.

بمباران دهکده های عرب نشین بوسیله ارتش های ضد خلقی ایران و عراق!

با پیشروی ارتش مزدور عراق، ارتش ایران دهکده های عرب نشین اطراف "گرخه" را زیر باران توپ و خمپاره میکشد. سعد ارتعبد نشینی عراق و مستقر شدن ارتش ایران، نوبت به عراق میرسد تا همان دهکده ها را به توپ بینند. و در سی حملات دوازده مرتبه ارتش مزدور ایران و عراق حداقل ۹ تن از زحمتکشان عرب ساکن این دهکده ها به شهادت رسیده اند. نمونه ای از بختی نشان میدهد که زحمتکشان ایران و عراق چگونه به خاطر منافع ارتجاعی رژیم های دو کشور، از هر دو طرف سر کوب میشوند و چگونه گوشت دم توب رژیم های سرمایه داری ایران و عراق میباشند. به نقل از خبرنامه جنگ - خوزستان شماره ۱۵

"مرگ دو کودک آواره بدست پاسداران سرمایه!"

کشتار زحمتکشان در زیر توپ و بمباران شهرهای جنگیده، مرگ ندریجی آوارگان جنگ از سرما و کورسکی و قحطی برای رژیم کافسی نبود، که این بار پاسداران سرمایه این چنین به کشتار فرزندان زحمتکشان میپردازند، در تاریخ ۹/۱۱/۵۹ یک لودر سیاه پاسداران در منطقه پشت باشگاه کلف اهواز که محل اسکان عده ای از آوارگان میباشد، شروع به خاک بر داری برای ساختن محلی برای پاسداران می کند و آنجا که این تبه محل بازی کودکان

آواره میباشد، رساننده سیاه بدون سوجدها ک تبه را بر سر کودکان ریخته و سوراخها را در زمین زحمتکشان زبر خاک مدفون میشوند با سوادای بقیه کودکان آوارگان خنجر شده و آنها را از سوراخها بیرون میآورند که دوش از کودکان به سیادت میرسد و به تن دیگر بستری میشوند این جنایت پاسداران رژیم خشم و انزجار آوارگان را برانگیخته و با نفرت پاسداران را به محاکمه میکشند. اما یکی از پاسداران با وقاحت تمام میگوید: "این جنگ زده ها خانه های مردم را به زور گرفته اند و بچه ها بشان را بی ما حبس کرده اند" زهی وقاحت و سرکشی! به نقل از فریاد آوارگان شماره ۱۳ با اندکی تخیل

"اقدام به خودکشی یکی از زنان زحمتکش آواره"

در تاریخ ۱۸/۱۰/۵۹ در خوابگاه دانشگاه صنعتی اصفهان، یکی از زنان زحمتکش آواره به خاطر مصائب زندگی دست به خودکشی میزند. شوهر وی چند سال پیش در تصادف کشته شده و دخترش که بر سر آسوده و بی سر آسایش هم در جنگ ارتجاعی فعلی کشته شده اند. اما زحمتکشان بین ارتعبد نشینی خواهند بر دگر اه زمان بر - داستان فلاکتهای ناشی از رژیم جمهوری اسلامی به در خودکشی بلکه در مبارزه است. مبارزه علیه رژیم برجعی که با عت املی تمام فقر و فلاکت و ناسامانی توده های مردم است.

"وحشت رژیم از تماس انقلابیون با آوارگان"

جندی بیش پاسداران خواصگاه ۱۳ شیراز محل اسکان آوارگان را برای دستگیری یکی از هواداران مجاهدین که به کمک آوارگان میشناخته محاصره میکنند. اما زحمتکشان آواره که منافع طبقاتی خود را خوب تشخیص داده و ماهیت رژیم جمهوری اسلامی را میشناختند، فردمزنورا مخفی کرده و مانع از دستگیری وی میگردد. عوامل رژیم از حمایت مردم از نیروهای انقلابی وحشت کرده و یکی از مزدوران به آوارگان میگوید: "شما برای یک شامبو و مقداری روغن خودتان را به ستون پنجم فروخته اید". که با جواب دندان شکن زن زحمتکشی روبرو میشود که: "اگر کسی هدفش کمک به مردم است و به ما کمک کند، ما با کامل میل او را قبول کرده و به شما تحویل نمیدهم". آری یاخ آوارگان زحمتکش آگاه به رژیم ضد خلقی،

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

حمایت از انقلابیون میباشد.
به نقل از فریاد آوارگان شماره ۱۳ با اندکی
تلخیص.

سربازان حاضر نیستند "گوشت دم توپ" سرمایه داران گردند

با دکان قوچان (۲۷ دیماه ۵۹):
فرماندها ن مزدور برای جا بگیری کتسه...
شدگان جنگ سیار به ۲۵۰ سرباز بران اعزام
جبهه ها داشتند اما ۹۵ درصد سربازان نشتی -
خواستند خان خود را بخاطر ما به داران به خطر
اندازند و در بی قرار از با دکان بودند. فرمانده
تیب در گوشه و کنار با دکان بدنیا ل سربازان
می گشت تا آنها را به جبهه بفرستد.
یکی از سربازان میگفت: "مر برای چه
قتلگاه بروم. مگر ما چه داریم که از آن دفاع
کنیم. چرا فرستای نمی رود بچنگد کسه ۲۵۰
میلیون ۱۰۰ میلیون از بیت المال بر میدارند؟
سرباز دیگری میگفت: "آ خرابین جنگ چه نمایی
برای ما دارد؟ نتیجه کشته شدن ما برای خانواده
ما چیست؟" در این میان طرفداران اکثریت

دا و طلب شده بودند تا سربازان را برای رفتن
به جبهه جنگ تشویق نمایند. حمایت رویزی -
نست های اکثریت ارتجاع حاکم واقعا
همه جا نیست. سربازان که اکثر آنها فرزند ان
زحمتکشان هستند در می با بند که در جنگ ارتجاعی
کنونی چرا بنگه به "گوشت دم توپ" سرما به داران
تبدیل شوند هیچ سودی نخواهند برد و از اینرو
آنها با زور کت در این جنگ غیر عادلانه علیه
حلفهای ایران و عراق خودداری میکنند و کسی
این عدم شرکت در جنگ هنگامی شمر بخش خواهد
بود که با ادا مه مبارزه انقلابی علیه رژیم
جمهوری اسلامی و امپریالیسم همراه باشد.

وضعیت آوارگان مستقر در دانشگاه عالی

عده ای از آوارگان زحمتکشان جنگ ارتجاعی
در دانشگاه عالی تهران واقع در کوی زینبیه
(کار دما بق) مستقر شده اند. مسئولین رژیم نسه
تنها تا کنون هیچ کمک غذای نداد و روشی ...
در اختیار آنها ننگذاشته اند، بلکه با بستن
شرفا زها و ندادن وسایل گرم کننده به آوارگان
بکبار دیگر کوشه ای از سیاستهای ضد مردمی خود
را به نمایش گذاشته اند.
با اینکه ساختمان دانشگاه طبقه است،

مسئولین رژیم تنها بخشی از ساختمان را در -
اختیار آوارگان قرار داده اند که آنهم همیشه
با تهدید به اخراج همراه بوده است.
آوارگان زحمتکشان بخشی از نیازهای خود را
با کمک هایی که مردم مستقما در اختیار آنان
میگذازند، تا مین کرده و در بقیه موارد با کمبود
روبرو هستند. سیاستهای ضد مردمی رژیم حاکم
بیش از پیش توده های مردم را خوشتر کرده و
آنها بطور روز افزون درک میکنند که عامل اصلی
فلاکت مردم همین حکومت جمهوری اسلامی است.

کمکهای مردم به آوارگان کجا می رود؟

تا بحال خبرهای بسیاری از غارت خانه های
آوارگان مناطق جنگزده و حیف و میل کمکهای
مردم به آوارگان توسط پاسداران و سایر عوامل
رژیم در "خبرنامه های جنگ و بیگانه را آورده ایم.
نمونه زیر گوشه دیگری از این غارت را نشان میدهیم:
در مسجد ولایت واقع در خیابان دامنیزکی
تهران، پاسداران با "نظارت" و "هکساری"
مسئولان که فردی بنام "حاج اسدی" است، پستو
های اهداتی مردم برای آوارگان را بجای
رساندن به آنها به خانه های خود "میرسانند"!

کنفرانس میباید شد. در این کنفرانس از یکسو
کشورهای وابسته و با متقابل به امپریالیسم
امریکا کوشیده اند تا شوروی را در عرصه جهانی
محکوم و منزوی ساخته و از سوی دیگر کشورهای
وابسته و با متقابل به سوسیال امپریالیسم روس
کوشیده اند تا امریکا را مورد تعرض قرار داده و
آنها محکوم نمایند. کوشش در محکوم کردن تجا وز
روسها به افغانستان و تجا وزویتنا می ها به
کامبوج (که مورد حمایت شوروی است) و کوشش
در محکوم نمودن تدارکات نظامی امریکا در
پاکستان به دینه گوگاریا (در آفغانوس هند) و مداخله
احتفالی بانکی ها در آلبانی و دور میباید
انعکاس رقابت امپریالیستها در کنفرانس
می باشد. و علاوه کوشش کشورهای مانند سوریه
در محکوم کردن و اخراج نمودن ممبر از
کنفرانس و کوشش کشورهای مانند ایران و
پاکستان در محکوم کردن مداخله شوروی در
افغانستان با زتابی از اختلافات ورقا بتهای
کشورهای مرتجع و تضاد منافع بورژوازی این
کشورها بشمار می آید. قطعنا مه های کنفرانس
نیز در انطباق با همین واقعیات است. بخصوص
آنکه این بار کنفرانس به نفع امپریالیسم
آمریکا عمل کرد. مدور قطعنا مه را جع به خروج
نیروهای شوروی از افغانستان و خروج قسوی
ویتنامی از کامبوج امتیازات برجسته ای بود
که امپریالیسم امریکا در رقابت با سوسیال
امپریالیسم شوروی بدست آورد.

بقیه از صفحه ۲۲ کنفرانس ...
هستند و نه غیر میباید امپریالیسم بشمار می -
آیند. این واقعیتهای عریان ما هیت ارتجاعی
تئوری کشورهای غیر متعهد را بر تالاس ختوبه
وضوح نشان میدهد که این تئوری جز فریب
خلقها و خدمت به سرما به جانی هدف دیگری
نداشت و عملا تئوری انقلاب دوا سارت بشمار می -
آید. و ا قیمتها نشان میدهد که تئوری سوم "راه
سوم" و "جهان سوم" فریبی بیست نبوده و این جهان
جزولایفنگ همان جهان امپریالیستی بشمار
می آید. ما کمونیستها دودنیا بیشتر نمیشناسیم
یکی دنیای امپریالیستی و دیگری دنیای
سوسیالیستی دنیا وارد گاه امپریالیستی قحط
امپریالیسم غرب، قحط سوسیال امپریالیستی
شوروی و نما می کشورهای که در کنفرانس غیر
متعهدها متشکل شده اند را در بر میگیرد.
اهداف دستور کار کنفرانس "غیر متعهدها"
در دهلی با زهم بیشتر ما هیت آتشکار میسازد
ارائه بکسری حرفهای عوام فریبنا نه در باره
"مبارزه علیه امپریالیسم و محکوم نمودن تجا وز
اشغال، سلطه ذری، مداخله جویی یا توسعه طلبی"
امپریالیسم هرگز نمی تواند ما هیت مترقیانه
ای به کنفرانس بچند. آنچه خا نزا هیت است
اینست که این کنفرانس انعکاسی از رقابتها و
درگیریهای دو قحط جهان امپریالیستی و با ز -
تابی از رقابتها ی کشورهای مرتجع حاضر در

تکمیل خبر

در پیکار ۸۷، خبری داشتیم مبنی بر نسا -
معلوم بودن وضع بیش از ۵ نفر "منقذی خدمت
۵۶" که بخاطر عدم شرکت در جنگ در با دکان "سربل
دها به دستگیر شده بودند (شیمه دوم آورماه)
طبق اطلاعاتی که از طریق نیروهای انقلابی
بدست ما رسیده این عده در زندان "دیزل آباد"
کرمانشاه زندانی هستند و به حبسهای طولانی
مدت محکوم شده اند.



مبارزه علیه جنگ و ابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

بفرا ز صفحه ۱۴ **قطعه‌نامه** ...

فلاکت و نا بودی سلطه امیرالایم بر میهن ما و نا بودی ارتش ضد خلقی و در یک کلام خواهان نا بودی سیستم سرما به داری وابسته به امیرالایم بودند، بی توجه به بند و اندرز "رهبران" که از آنها دعوت میکردند "در خانه ها بنشینند" به خبا با نهاریخته، به کمک پرسنل انقلابی نیروی هوایی که در محاصره کارگردمرد و آریا میسرری قرار داشتند، شتا فتند و قیام پر شکوه آغا زکنت "رهبران" و حشترده از انجا رخنه کرده ها و هراسان از نا بودی ارتش، از انجا که خود به قدرت رسیده بودند، اعلام داشتند "انقلاب تمام شده، به خانه برگردید!" "ارتش اعلام همسنگی کرده و" خلق سلاح توده ها برداختند.

آنها کوشش نمودند با استفاده از نا آگاهی توده ها و فقدان رهبری طبقه کارگر برجسته، با بهای حکومت ضد انقلابی خود را تثبیت کنند ولی مگر می شود توده ها بی را که از رژیم نا زهر سرکار آمده جز سرکوب و اختناق، جز ندامت و فقر و فلاکت، "رفمان" دیگری ندیده بودند همچنان در توهمن نگه داشت؟

جنبش توده ها بعد از قیام همچنان ادامه یافت. و کمونیستها بعنوان نمایندگان سیاسی طبقه کارگر در تمامی مبارزات توده ها، همراه با توده ها و در پیشانی آنها شرکت نمودند.

آنجا که کارگران برای تامین خواسته های سیاسی، اقتصاد خود مبارزه میکردند، آنجا که خلقها همچون خلق کرد، ترکمن و... برای حق سرشود خویش و کسب خود مختاری به مبارزه پرداخته خند، آنجا که دهقانان به مبارزه زمینها و کشت شورا می پرداخته خند، آنجا که توده های آگاه خلق به مبارزه برای کسب آزادیهای سیاسی اقدام نمودند و آنجا که... همه و همه جا کمونیستها پیشاپیش این مبارزات بودند.

آری کمونیستها به همراه توده های آگاه خلق، ادامه دهندگان واقعی انقلاب و مبارزه بر علیه امیرالایم و ارتجاع هستند و رژیم که جز سرکوب توده ها، جز حفظ و بازسازی ارتش ضد خلقی و سیستم سرما به داری وابسته و جزایش با امیرالایم و جز تشدید فقر و فلاکت، سرکوب و اختناق برای توده ها "رفمان" دیگری بهمراه نداشته، نه تنها "فدا میریالیست" و ادامه دهنده مبارزات توده ها نیست بلکه ضد انقلابی است و مبارزات فدا میریالیستی توده ها با مبارزه علیه مرتجعین حاکم کرده است.

حال بگذار خائنین رویزونیست توده ای، اکثریتی. و سه جبهه ای هر چه میخواهند عوام مغربنی کرده و رژیم جنایتکار را کمر "خلق" و "ضد امیرالیست" جلوه دهند. جواب توده های آگاه خلق، جز مشت محکمی بر دهن این با و هکوبان نخواهد بود.

جون مارکس، انگلس، لنین و استالین عشق میورزند، در اینجا کرده امدها به ما با بزرگداشت دومین سالگرد قیام خونین بهمن ماه، با ردیگر با کارگران و زحمتکشان خود عهد ببندم که مدعی از مبارزه علیه امیرالایم و ارتجاع با ساز نخواهیم ایستاد. ما اعلام میکنیم که:

- ۱- قیام خونین خلق که با خون هزاران نفر از کارگران و زحمتکشان و با فدا کاری بی نظیر خلقهای تهران ایران صورت گرفت، بدلیل فقدان رهبری طبقه کارگر برجسته و ماهیت سازگاری و ضد انقلابی "رهبران" در نیمه راه متوقف ماندند. این قیام با ردیگرشان دادگاه تنها رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست آن است که میتواند انقلاب را به سروری برساند.
- ۲- کارنا مدد و اسلحه جمهوری اسلامی به بهترین وجهی نشان داد که اسلحه رژیم تنها نمایی نشده مانع توده ها نبوده بلکه دشمن توده ها، دشمن انقلاب و حافظ سیستم سرما به داری وابسته امیرالایم است.
- ۳- تنها راهی که میتواند آرمانهای و الای قیام بهمن را که تحقق نیافته است، تا میسر نماید، نا بودی سیستم سرما به داری وابسته، قطع سلطه امیرالایم و سرکوب جمهوری دمکراتیک خلق بر هر طبقه کارگر است. تنها در جمهوری دمکراتیک خلق است که میتوان سلطه امیرالایم و ارتجاع داخلی را از میان برداشته و شرایط را برای تحقق آرمانها و خواسته های توده ها و آزادی کارگران و زحمتکشان فراهم سازد.
- ۴- قیام خونین بهمن ماه تنها تجلی حرکت عظیم توده های انقلابی خلق بوده و رژیم جمهوری اسلامی و تمامی مداخلان رویزونیست و خائنین آن همچون "توده اها"، "اکثریتی ها" و "سه - جبهه ای ها" دشمن توده ها محسوب شده و در نزد توده ها با بدقتا کردند.
- ۵- ما اعلام میداریم که سنی صدورسایر ضد انقلابیون لیبرال نه تنها "زادبخواه

نبوده، بلکه خود بعنوان حریف از رژیم حاکم، در سرکوب توده ها شریک بوده و مراسم بزرگداشت قیام بهمن را ارتجاع نابینا بعنوان عوام - فریبی ضد انقلابیون لیبرال محکوم میکنیم.

۶- در سالروز قیام، بیکار ردیگر کشتار و حتی نه خلق کرد را که رژیم جمهوری اسلامی به توسط ارتش و پاسداران و با توب، تاشک و فاشتوم به پیش میبرد و عملیات سفاکهای از تمیل حمله و کشتار در روستاهای "فلاتان"، "نارنا" و "سندرتاش" و... بر علیه خلق کرد را شدت محکوم کرده و اعلام میداریم جنبش مقاومت مسلحانه خلق کرد همچنان بیروز مندا نه به پیش خواهد رفت.

۷- ما به نوظنه های رژیم جمهوری اسلامی بر علیه مراسم بزرگداشت ما، همدار داده و اجازه نخواهیم داد که رژیم جمهوری اسلامی با سیاست سرکوبگرانه خویش، با ردیگر یا به شوم اختناق را بر سر مردم زحمتکش ما بکسرترا ند. رژیم جمهوری اسلامی حتی با به خون کشیدن این نظا هرات هرگز نخواهد توانست ما را از مبارزه بر علیه امیرالایم و ارتجاع با زارد. خون صدها هزار کمونیست ایران و جهان بهترین شاه این سخنا ست.

۸- طبقه کارگر ایران در انجا دو همبستگی با طبقه کارگر سراسر جهان و خلقهای ستمدیده جهان در راه نا بودی امیرالایم و سرما به داری جهانی مبارزات خویش را قاطعانه و مصممانه ادامه خواهد داد.

کرامی با دومین سالگرد قیام خونین بهمن! جاودان با د خاطر شهادی قیام خونین بهمن! مستحکم با د اتحاد کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران!

هرگز ابرامیرالایم و ارتجاع داخلی! برقرار با دمجهوری دمکراتیک خلق! سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر سازمان بیکار زد را آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۱۱/۲۲



قیام شکوهمند ۲۲ بهمن نشان داد که زرادخانه امیرالیستی هم نمیتواند در مقابل اراده استوار و مصمم توده ها ایستادگی کند!

کارنامه دو ساله حکومت:
سرکوب کارگران، کشتار و بمباران شهرها و روستاهای کردستان، بیکاری،
بهداری از سرمایه، ترور، زندان شکنجه انقلابیون، تعطیل دانشگاهها، صدور "انقلابی"
ایجاد جنگ ارتجاعی ایران و عراق.
کارگران و زحمتکشان، خلق کرد و دیگر خلقهای ایران، در ادامه قیام ۲۲ بهمن
بر علیه امیرالایم و ارتجاع همچنان مبارزه میکنند.
ما از راهبها شسی روز ۲۲ بهمن که از طرف ما زمانهای بیکار و رزمندگان برگزار
میشود، پشتیبانی میکنیم

هر چه باشکوهتر یاد خاطره دلورهای کارگران و زحمتکشان در قیام خونین ۲۲ بهمن ماه ۵۷!
 سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (گرمهله) - خهران ۵۹ / ۱۱ / ۲۰

پیرامون جنبش زنان زحمتکش

می نماید (توضیح اینکه دیدگاه فئودالیستی دقیقاً معتقد به تفاوت و نابرابری بین زن و مرد است و قدا در به پذیرش حقوق برابر مردان و زنان درجا معنیست. این فکر را در غرب المثل‌های مختلف بصورت "تئوریزه شده" میتوان دید فکری که طی قرنهای متمادی بر ذهن توده‌های ناآگاه ما تسلط دارد) دارندگان دیدگاه فئودالیستی با دید "جیب" و تروتسکیستی خویش، عا جزا فهم مساله‌ای بنام "ستم دوگانه به زن" درجوا مع طبقه‌ای میباشند. در رابطه با روشن شدن بیشتر این مطلب به نقل قولهای زیر توجه کنیم:

"در گفتگویی که کلارا زتکین با لنین در سال ۱۹۲۵ انجام داد آن زمانی بود که انقلاب کمپیر روسیه بوقوع پیوسته ما هنوز در آلمان کمونیست ها در تدارک انقلاب بودند، چنین آمده است: "زتکین: بسیاری از رفقا، رفقای خلیسی

خیر، چنانچه دیدگاه‌های بد رستی مطرح کنند که نه تنها کار بر روی زنان زحمتکش را از نظر استراتژیکی قبول دارند بلکه از نظر تاکتیکی نیز (یعنی حتی در دوران پراکندگی جنبش) به آن ایمان دارند و به آن میپردازند اما فقط در حد توانائی در ای رابطه نیرو میگذارد این دیدگاه‌ها که ملا درست است و نشا نگر درک صحیح از مسئله زن و بخصوص در شرایط موجودا مع ما میباشند.

در شماره ۹۲ قسمت اول این مقاله را آوردیم. در آنجا در پاسخ به این سوال که آیا کار بر روی زنان زحمتکش و متشکلس نمودن آنان مستلزم مرحله‌ای معین در انقلاب است و آیا برای این کار باید منتظر استقرار جمهوری دمکراتیک خلق بود یا سخن منعی داده ضمن رد آن نظریا استدلاله نقل - قولهای ازلنین و آلکساندر کولنتای این اعتقاد خود را بیان کردیم که کار مستقیم و مشخص در میان زنان زحمتکش در مرحله انقلاب دمکراتیک - فدا مبریا لیستی امری است درست و اینکه در پرتو همین مبارزه است که میتوان توده‌ها را آموزش داد و آنها را برای برپائی سوسیالیسم آماده نمود.

اینک ادا ما مقاله:

۲- دیدگاه‌ها که کار مستقل و خاص بر روی زنان زحمتکش در مرحله فعلی انقلاب دمکراتیک - فدا مبریا لیستی را می پذیرد اما در شرایط فعلی جنبش که هنوز سازمانها و گروهها در حال پراکندگی بسر میبرند معتقد است که نمیتوان بر روی زنان کار مشخص نمود و نتیجتا کار مشخص را بر روی زنان زحمتکش موقوف به ابعاد حزب مینماید.

برای پاسخگویی و برخورد با این دیدگاه باید دو شکل به آن پاسخ گفت:

(الف) چگونه امکان دارد که ما از نظر استراتژیکی مسئله را بپذیریم و بطور کلی و امولی آنرا قبول داشته باشیم اما بلحاظ پراکندگی و نداشتن نیرو، یک قانون تاکتیکی را بپذیریم که فعلا به دلیل پراکندگی و جدائی نیروها و سازمانها کار بر روی زنان امکان پذیر نیست یعنی کلیه نیروهای جنبش نیایستی بر روی زنان نیرو بگذارند.

این مثل آنست که بگوییم به دلیل پراکندگی نیروها و اینکه هنوز بطور نسبی نتوانسته ایم با جنبش کارگری تماس برقرار کنیم پس بسر روی دهقانان کار نکنیم - اگر دهقانان به عنوان متحدین پرولتاریا در این مرحله از انقلاب فعالیت مشخص را از جانب کمونیستها میطلبند زنان نیز بواسطه اینکه نسبی از نیروی جنبش توده‌ای هستند و بواسطه اینکه بدون حرکت آنها انقلاب بشمر نمیرسد (و این فقط یک جمله بدون پشتوانه عملی نیست که لنین مطرح کرده باشد) پس وضع نمودن چنین قانونی تا کنون غلط است و در حقیقت چنین دیدگاه‌ها وظایف بلافاصله خود را تسلیم پراکندگی میکنند و در مقابل پراکندگی جنبش که دورانی از رشد جنبش کمونیستی است سپرمیاندازد و به آن تن در میدهد.

(ب) آیا ما غیر دیالکتیکی و متافیزیکی به مسئله کمبود نیرو و مینگریم و از راه گریز میخوایم با وجود کمی نیرو بر روی زنان نیرو بگذاریم؟



زنان زحمتکش معانی و شرکت فعال در تیرید مسلحانه رهایی بخش - آوریل سالهای ۱۹۷۰

خوب، مخالف ایجاد گروه‌های خاص حزبی برای کار در میان زنان هستند. آنها این عمل را محکوم به با زکشت به جنبش رسوای "آزادی زنان" (M)، به سنتهای سوسیال دمکراتیک میکنند. آنها مدعی اند که از آنجا شیکه حزب کمونیست به زنان تسای داده است، در نتیجه آنها باید بسودن تما بزدربین همه کارگران بطور کلی کار کنند برخورد به زنان و مردان باید یکسان باشد هر کوششی که (در شرایطی که لنین اشاره کرده) برای تهیج و سازماندهی، در نظر گرفته شود یا تفسیر این دیداداغ اپورتونیسیم و... به آن خواهد خورد...

۳- دیدگاه‌ها که مسئله‌ای بنام "زن" در جوامع طبقه‌ای را قبول دارند اما معتقد به ایجاد تشکیلات و ریسماهای تشکیلاتی که این کار ویژه بر روی زنان زحمتکش را انجام بدهد نیست. این حقیقت روی دیگر سکه دیدگاه فئودالیستی است که بخاطر عدم قبول مساله‌ای بنام زن در جامعه، بالطبع تشکیلات را نیز نمی پذیرد. این دیدگاه‌ها دیدی تروتسکیستی از مسئله زن معتقد است که از طریق همان کار عمومی و سوسیال دمکراتیک بر روی کل طبقه کارگر، زنان نیز می توانند بتدریج خود را ساخته و خویش را از قیود جامعه طبقه‌ای رها کرده و برای انجام انقلاب آماده و بسیج شوند و بخصوص این دیدگاه، جریان‌های راکه بکار مستقل و مشخص از طریق ارگانهای خاص بر روی زنان زحمتکش معتقدند به داشتن افکار فئودالیستی محکوم

(م) منظور جنبش زنان بورژوا که به جنبش فمینیست‌ها معروف می باشد.

به سوسال امیرالیم و بعث عراق دست
میرند. بنا بر این اگر میبایستیم این حزب خود را
به ما هدین نزدیک نشان میدهد، نه ناشی از
تمايلات دمکراتیک " این حزب، بلکه به لحاظ
نا بیگیری مشی ما هدین و از جمله سیاست
لیبرالی ما هدین در برخورد به لیبرالهای خائن
هیئت حاکمه است. آری! حزب دمکرات ربا -
کارانه با ما هدین نزدیکی نشان میدهد و آنها
بر اساس نا بیگیری خود به این حزب، اعتماد
میکند. اما ممکن است این تاکتیک حزب
دمکرات در مورد ما هدین کار ساز باشد، اما
برای توده های خلق کردی که استوار و یکپارچه
بر علیه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه میکنند و
تا دست یافتن به حقوق خود همچنان جنبش را
تحت رهبری کمونیستها ادامه خواهند داد و حتی
رنگ باخته ای بیش نیست!

خلاصه کنیم: مبارزه خلق کرد در اتحاد
نا کستنی با مبارزات سرسری توده های تحت
ستم ایران است، همچنان به پیش خواهد رفت و
با رهبری، فشارگری و سازماندهی نیروهای
کمونیست گرا آینه را روشنتر و استوار تر خواهد
کرد. در این راه پرمخاطره نه تنها جموحیانه و
سیاست سرکوب رژیم ضد خلق جمهوری اسلامی و نه
سیاست ضد انقلابی حزب دمکرات قادر نخواهد
بود که در ادامه این خلق بیخاسته خلی و وارد
سازد، نیروهای دمکرات نیز اگر می خواهند،
به عنوان یک دمکرات وظایف خود را در قبال
جنبش توده ای انجام دهند، می بایست در نزدیکی
و اتحاد با کمونیستها عمل کنند و به انقلاب توده
- ها بیاندیشند، سیاست مماشات با لیبرالها و
فدا انقلاب، قطب انقلاب را تضعیف میکند.

متاسفانه با زمان ما هدین سیاستی را که
امروز به پیش میبرد سیاستی است که به انقلاب
ضربه میزند و لیبرالیسم را و آج میدهد، سیاستی
است که به "بالا" نگاه میکند و نه توده ها،
سیاستی است که همکاری با لیبرالهای ضد
انقلابی و حزب دمکرات را نسبت به همکاری با
کمونیستهای راستین ترجیح میدهد. این
سیاست به چه طبقه ای خدمت میکند؟ مسلماً این
سیاست به نفع بورژوازی عمل میکند و بزبان
انقلاب دمکراتیک - خدا میریایستی خلقهای
کبیرا ایران است.

یعنی اولا در میان کدام اقشار زنان باید
فعالیت نمود و ثانیا از طریق چه تشکلاتی
باید کار کرد؟
(ادامه دارد)

(**)- حزب کارگران کمونیست آلمان - از
گروه آنازیست - سندیکا لیست خرده بورژوازی
در ۱۹۱۹ به توسط عناصر "چپ" که از حزب
کمونیست آلمان انشعبا کرده بودند، تشکیل
شد و با عدم حمایت کارگران آلمان مواجه گردید.

بعده از صحنه ۱ باز هم ...

نا نیا - حزب دمکرات نه تنها به قطع علاقه با
"نظم و نسق فزون وسطا ئی" رغبت نشان نمی -
دهد، بلکه با تحمیل انواع مالیاتها و با جها
برنوده های دهقان و تهدید آنان به برداشت
این مالیاتها و با جلوگیری از مبارزه
دهقانان برای ممانعت از زمین های آریایی،
دلپستی خود را برای حفظ همین نظام وروابط
پوسیده کهن نشان میدهد. در طرح شش ماده ای
حزب دمکرات که وی حتی حاضر است آن را با
اصلاحات رژیم بپذیرد، کلامی دربارنا میسن
حقوق توده های دهقان و زحمتکشان کردستان
نمیتوان یافت. ثالثاً - آنچه که حزب دمکرات
بعنوان "دمکراسی برای ایران و خودمختاری
در کردستان" تبلیغ میکند، علیرغم ظاهر
فریبنده این شعار، عملاً شکاری است که حزب دمکرات
تحت لوای آن، توده ها را می فرساید، با نیروهای
کمونیست و توده های انقلابی درگیر میشود و
سیاست سازش خویش را با ارتجاع توجیه میکند.
در دوره اول جنبش مقاومت، حزب دمکرات
با رها و با رها به تعهدات خود در هیئت نمایندگان
خلق کرد پشت پا زد و سعی کرد به سازش با رژیم
برسد، ستونهای ارتشی را که برای سرکوب خلق
کردنقل و انتقال میکردند، اسکور و حمایت
کرد، در برابر طرح ۲۶ ماده ای هیئت نمایندگان
خلق کرد (علیرغم کلیه نواقصی که این طرح
داشت) به راه طرح شش ماده ای خود پرداخت و
حاضر شد حتی با اصلاحات این طرح از جانب رژیم
که در واقع همان طرح "خودگردانی" فروهر و
دولت موقت بازرگان بود موافقت کند. در
حالی که توده های خلق کرد در مدتی دست یابی
به حقوق ملی و طبقاتی خود که سالهاست
وسيله رژیمهای ارتجاعی حاکم در ایران، لگد
مال شده بود، میسوختند.

در دوره دوم جنبش مقاومت از موضع کاملاً
متزلزل و مماشات حوابعانه و تهمت تحت فشار
توده ها و از موضعی ضد انقلابی حاضر شد جنگ بر -
علیه تاج و نیروهای سرکوبگر رژیم به خلق کرد
گشت. حزب دمکرات در این دوره همچنان که
تلاش میکند با ارتجاع حاکم در ایران قرارداد
های سنگین و ارتجاعی ببندد، از آنجا که
تفاذهای درونی هیئت حاکمه این امکان را
کمتر محتمل میسازد به تلاش جهت سازش و وابستگی

آکاهی طبقاتی زن کارگر تبدیل شده اند. از
این بحث واضح است که میتوان مغزنی تحرک
جنبش زنی را بسازد و راه را از زنده کرد
ولی تنها از طریق یک برخورد خاص به او و تنها
با استفاده از روشهای مخصوص کار در میان زنان
(نقل از "مبارزه زنان کارگر" کولونتسای
تا کیدازماست)

حال پس از اینکه مطالبی در رابطه با
روشن شدن چرایی کار در میان زنان مطرح شد
مسئله چگونگی کار در میان زنان مطرح میشود

لنین گفت: این چیز تازه و واقعی نیست
اجازه ندهید که شما را منحرف کند، چرا در هیچ
جائزها در زنان در حزب به اندازه مردان است،
حتی در روسیه شوروی؟ چرا مقدار زنان در
اتحادیه های کارگری اینقدر کم است؟! پس
واقعیت به شخص غذای فکری میدهند و در کردن
ضرورت گروههای خاص برای کار در میان توده -
های زنان بخشی از طرز فکر بسیار اصولی و اساسی
و دوستان عزیز حزب کمونیست کارگران (**)

آنها بر این عقیده اند که تنها یک شکل از
تشکلات باید وجود داشته باشد. اتحادیه
کارگران. من راجع به آن میدانم هر زمان که
عدم تفا هم وجود دارد، یعنی هر زمان که فکر از
قبول حقایق واقعی - که باستی مورد توجه
فرا گیرند - آبا میکند، پرنسیپها از طرف
بسیاری از افراد انقلابی فکروالی سردرگم علم
میشوند، یعنی جاشیکه مفرا از گرفتن واقعیات
مشخصی که با مورد توجه فرا گیرند متنوع
میوزد، این محافظان "خلوص اصول" چگونه
از عهده ضروریات تاریخ سیاست انقلابی ما بر
میآیند؟ هم این حرفها در مقابل ضروریات
سنگدل فرو میریزند، ما نمیتوانیم دیکتاتوری
برولتا ربا را بدون پشتیبانی میلیونها زن
برفرا رکنیم ما باید برای یافتن این راه
مطالعه و تحقیق کنیم.

بنا بر این برای ما کاملاً صحیح است که
خواسته های به نفع زنان را مطرح کنیم.
این یک برنامه حداقلی با برنامه ای فرمیستی
با محتوای سوسال دمکراتیک - از نوع انتز
- ناسیونال دوم نیست. این نشاندهنده آن
نیست که ما به بورژوازی معتقدیم و دولت آن
برای همیشه حتی برای مدتی طولانی پایدار
خواهد ماند یا این کوششی برای آرام ساختن
توده های زنان با رفورها و منحرف کردن آنها
از راه مبارزه انقلابی نیست این چیزی از
این نوع نبوده و همچنین نوعی لاف فرمیستی
نیست.

همچنین کولنتای رهبر برجسته جنبش
زنان زحمتکش در روسیه چنین میگوید:

"این طبیعی است که حتی روانشناسی زن
در طی قرنها بردگی، از مرد طبقه کارگر متفاو
ت باشد. مرد کارگر مستقل تر، مصمم تر و واقعا طعن
نورده، احساس همدردی بیشتری دارد، آفاق دید
او بدان جهت که منحصر به کار محدود و فانیسی
و روابط خانوادگی نیست، وسیعتر است. برای او
آسانتر است که به منافعه خود آگاه شود و آنها
را به مشکلات طبقه اش ربط دهد. ولی برای زن
کارگر رسیدن به این پختگی دیدمرد کارگر
متوسط، به معنی قطع رابطه با سنن، تصورات
اخلاقیات و روسومی است که از گهواره بخشی از
وجود او شده اند. این رسوم و سنن که سببی در
نگهداشتن زن در مرحله قبلی تکامل اقتصادی
دارند، به موانع صعب العبوری در راه کسب

کنفرانس غیرمتعهدها یا متعهدان به امپریالیسم؟

بدنبال ساختن پیروزمندان سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی و بلافاصله پس از پیروزی کشورشورها به رهبری رفیق استالین در جنگ فدفا شستی، امپریالیسم غرب و بخصوص امپریالیسم آمریکا جنگ تبلیغاتی گسترده‌ای را علیه شوروی سوسیالیستی و کمونیسم شروع کرد. امپریالیسم جهانی می‌کوشید تا چهره‌ها بنساک کمونیسم را لجن مال کرده و با "جنگ سرد" و شانتاژ اتمی شوروی سوسیالیستی را بزنند و آورده و کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را نسبت به سوسیالیسم و انقلاب بی اعتماد سازد. اما برخلاف خواست امپریالیسم عشق کارگران و زحمتکشان نسبت به شوروی فروزان‌تر گردیده و مبارزات و انقلابات طبقه کارگر و خلقها بعد از جدیدی بخود می‌گیرد. در همین دوران تیتوئیسم به مثابه نیروی ذخیره امپریالیسم جهانی وارد کارزار علیه سوسیالیسم و انقلاب خلقها میگردد. تیتوئیسم همسوی امپریالیسم از یکسویه تعارض علیه شوروی سرخ و رفیق استالین بلند شده و از سوی دیگر برای نگاه داشتن خلقها و انقیاد دیردگی امپریالیستی به راه یکسری تئوریهای امپریالیستی دست می‌زند که از جمله تئوری ضدانقلابی "کشورهای غیرمتعهد" است. تیتوئیسم به مثابه یک جریان رویزیونیستی می‌کوشد تا با اتکا به این تئوری به طبقه کارگر و خلقها و نمود سازد که میان سوسیالیسم و امپریالیسم "راه سومی" وجود دارد و انقلاب به مثابه یک راه راهائی ضرورت خود را از دست داده است چرا که در کشورهای تحت سلطه رژیمها تحت در حاکمیت میباید شد که نسبت به امپریالیسم "غیرمتعهد" بوده و "فدا امپریالیست" بشمار می‌آیند. رویزیونیستهای یوگوسلاوی معتقدند که امروز کشورها مستقل میباشند و آنها می‌توانند با وارد شدن در دایره یوگوسلاوی "نا تو" و "ورشو" غیرمتعهد "باقی مانده و نشان دهند که می‌توان نیروی جدیدی تشکیل داد که در برابر آمریکا و شوروی قرار دارد. آنها بر آنند که در اوضاع کنونی وظیفه اساسی اینست که ثروت جهان بطریقی "عادلانه تر" و "منطقی تر" تقسیم گردد و امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم شوروی به کشورهای عقب مانده "کمک کنند تا آنها توسعه یابند. و به همین خاطر با تدبیر تشکیل کنفرانس های بین المللی، سمینارها، مباحثات مذاکرات و امتیازات متقابل با حسن نیت به تغییر جهان و برقراری صلح جهانی کمک نمود رویزیونیستهای یوگوسلاوی بر اساس تئوری امپریالیستی خود میخواهند چنین اوضاعی را ایجاد کنند که می‌توان یک "جنش از کشورهای بیطرف و



مستقل از دایره یوگوسلاوی "برپا ساخته که با اتکا به آن و با افشار آوردن بروی "بزرگها" آنها را وادار به چشم پوشی از سیاست توسعه طلبانه نمود در حقیقت رویزیونیستهای یوگوسلاوی در زمانی که شوروی هنوز یک کشور سوسیالیستی بود در برابر اردوگاه بزرگ سوسیالیسم قرار داشت می‌کوشیدند تا چنین نشان دهند که کشورها می‌توانند با اتکا به خود و با کمک سوسیالیسم بوده اما کاملاً "مترقی" باقی بمانند. آنها در پی آن بودند تا چنین وانمود سازند که می‌توان بر ضد شوروی سوسیالیستی بود در عین حال مستقل از جهان امپریالیستی قرار داد و "نیروی سوم" را تشکیل داد. تیتوئیست ها با تئوری ارتجاعی خود بر ما هیست کشورهای تحت سلطه یوگوسلاوی که بطرق مختلف با جهان امپریالیستی پیوند داشته برده می‌انداختند و در حالیکه این کشورها جزو اردوگاه امپریالیسم جهانی بودند آنها را "غیرمتعهد و مستقل" وانمود می‌نمودند. در واقع تیتوئیست چنین شرایطی به مثابه نوکر امپریالیسم جهانی عمل میکرد و در شرایطی که سرمایه داری جهانی در بحران قرار گرفته و احتمال ضربه ای جدی شده بود با حمله به اردوگاه سوسیالیستی نشان می‌داد که عملاً با سادار سرمایه جهانی و یوگوسلاوی بین المللی میباید شد. پس از اینکه شوروی به یک قدرت امپریالیستی تبدیل گردید تیتوئیسم کاملاً به مثابه عامل تخریب کننده در انقلابات خلقها و طبقه کارگر عمل کرده و خود را همچنان با سادار نظام کهن نشان داد. این جریان یوگوسلاوی با تئوری نواستعماری "کشورهای غیرمتعهد" در پی تحمیل طبقه کارگر و خلقها بر آمده و می‌کوشید تا از انقلاب توده ها علیه یوگوسلاوی حاکم جلوگیری نماید. تیتوئیسم بر آن بود تا بگوید که کشورها می‌توانند در در پیمن نظامی و روشها تونشده اند، مستقل از جهان امپریالیستی بوده و این کشورها می‌توانند از طریق فشار، انحصارات امپریالیستی را کاملاً به گام محدود سازند و بنا بر این دگرگونی بنیادی و واژگونی طبقه ارتجاعی حاکم لزومی ندارد. این تئوری می‌کوشد تا طبقه کارگر و خلقها را از مبارزه واقعی علیه امپریالیسم و ارتجاع حاکم منحرف ساخته و رژیمهای مترجع حاکم در کشورهای تحت سلطه را "مترقی"،

"دمکرات"، "فدا امپریالیستی" و حتی "سوسیالیست" وانمود سازد. برپا به این تئوری امپریالیستی بود که تیتوئیستها در برخی از شخصیت های کشورهای تحت سلطه را بدنبال خود کشیده و با کسب وجهه، خلقهای جهان را بغیرید و امپریالیسم و یوگوسلاوی را از زیر ضربات مبارزات انقلابی توده ها برهانند. تیتوئیسم همراه نهر و ناهرسوکارانو از جمله بنیان گذاران "جنش کشورهای غیرمتعهد" شدند. اولین کنفرانس "غیرمتعهد" ها در سال ۱۹۵۵ در شهر پانادونگ در اندونزی تشکیل شد. در پایان این کنفرانس دو اعلامیه صادر شد که در یکی از آنها امپریالیسم آمریکا و شوروی دعوت شده بود که برای اجتناب از یک برخورد جهانی با هم تماس برقرار کنند و دیگری که "مشاور کشورهای غیرمتعهد" نامیده شد. آموخته بود که دولتهای شرکت کننده در این کنفرانس نیز اجتناب ناپذیر بودن جنگ و با حتی جنس سردار را می‌کنند و اصول همزیستی مسالمت آمیز را تنها انتخاب در مقابل جنگ سرد و خطر احتمالی یک فاجعه بزرگ ناشی از جنگ هسته ای بشمار می‌آورد. بدین ترتیب کنفرانس بر ماهیت امپریالیسم برده سازانداخته، جنگ را کذاشتی امپریالیسم است اجتناب پذیر دانسته و بجای مبارزه انقلابی خلقها علیه امپریالیسم "اصول همزیستی مسالمت آمیز را تنها انتخاب" بشمار می‌آورد. حال آنکه از نظر کمونیستها و از نظریه کشورهای سوسیالیستی انترناسیونالیسم پرولتری اساس سیاست خارجی یک قدرت پرولتری را تشکیل میدهد و خلقها هیچ راه دیگری برای نجات ندارند جز مبارزه و انقلاب علیه ارتجاع و امپریالیسم و آنها هرگز فراموش نمی‌کنند که تا زمانی که امپریالیسم هست جنگ وجود دارد و جنگ امپریالیستی فقط با جنگ انقلابی علیه امپریالیسم و امپریالیسم است. امپریالیسم از بین می‌رود. کنفرانس "غیرمتعهدها" در پی آنست تا جنگ را به عنوان معمول تهاذهای طبقاتی نادیده گرفته و از ذهن خلقها آرد و سازد و صلح اجتماعی در شرایط حاکمیت امپریالیسم و یوگوسلاوی را تبلیغ نماید. جالب است که جلسات اقامت دی "غیرمتعهدها" که در سال ۱۹۶۲ در قاهره تشکیل میشود طی صدور یک اعلامیه از "کشورهای صنعتی تقاضای کمک اقتصادی می‌نماید. به معنای دیگر اعلامیه همچنان خواستار ادامه نفوذ کشورهای امپریالیستی در کشورها تحت سلطه گردیده و ما هیت تجار و زگران و توسعه طلبان امپریالیسم را می‌پوشاند. نگاهی به کنفرانس اخیر "کشورهای غیرمتعهد" که با شرکت ۹۶ کشور در هلی نویر گزار شد، یکبار دیگر ما هیت ارتجاعی این کنفرانس را آشکار می‌سازد و نشان میدهد که نه تنها کشورها ای شرکت کننده در آن متعهد به امپریالیسم جهانی هستند بلکه علاوه بر آن، این کنفرانس نیز برداشتن کوچکترین گام فدا امپریالیستی نیز

قیام ۲۹ بهمن تبریز، پیش درآمد قهر انقلابی زحمتکشان علیه سرمایه داری وابسته

توده به درباری از بارگاه جلاذخلفی ایران مشغول بودند. مردم زحمتکش با حمله به مظاہر ستم و استعمار ریدرستی بر خصلت قهرآ میز بود. مبارزه بر علیه رژیم شاه صدها گدا شدند و جالب اینکه حرکت انقلابی مردم تبریز، اعتراض جاب ورتکسته توده را که سالها خیانت او ما هیتیش را روشن کرده بود، برانگیخت و این حزب ضد خلقی در ورطه پاره های خود، قیام شورا نگیز زحمتکشان تبریز و آتش زدن بانکهای وابسته به امپریالیسم، سینماها و دفاتر حزب رستاخیز شاه را، کار عده ای "ساواکی" و "ماجران" کبه "قصد برهم زدن آراش و ایجاد آتش" دارند. قلمداد نمودند و بار دیگر خیانت خود به خلقهای ایران را به اثبات رسانید.

شکوه و عظمت خیزش انقلابی تبریز در این بود که بعد از سالها خفقان و استعمار ریدرستی اولین بار رژیم ضد خلقی شاه با حرکت عظیم یکبارچه و متحد مردم و پیرو شد، حرکتی که در روند خود، مبارزات عمدتاً مسالمت آمیز توده ها ابعاد قهرآ میزبا شکوهی بخشید و آتش انقلاب در سراسر ایران را دا من زد. آری، زحمتکشان ستم دیده تبریز در نبرد رویا روی با رژیم شاه با شهادت قهرمانان خود حمله به آفریدند با این امید که هر آنچه که مظهر ستم و استعمار طبقاتی است براندازند و به اساسی ترین خواست خلق که همانا نابودی سیستم سرمایه داری وابسته بود، دست یابند. اما بعلمت عدم وجود حزب طبقه کارگر و رهبری تا به آخر انقلابی آن، برجش خلقهای ایران، سازشکاران و عوام فریبانی برامواج انقلاب توده ها سوار شدند که هدفی جز حفظ سیستم ضد خلقی و استعمار گران سرمایه داری وابسته نداشتند و جز به استعمار زکارگران و زحمتکشان و خلقها و سرکوب مبارزات آنها نمی اندیشند.

اکنون سه سال از روز قیام خونین و حماسی مردم تبریز میگذرد. بعد از دو سال که رژیم شاه سرنگون شد و رژیم جمهوری اسلامی جای آنرا گرفته، زحمتکشان تبریز همچون دیگر خلقهای زحمتکش سراسر ایران، در مقابل مبارزات خویش برای تحقق خواسته های انقلابی، ناز و کشتار و خفقان چیزی نصیبشان نشده است. ماضی گرامیداشت این روزها شکوه سرآغاز جنبش حماسه آفرین دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران بود، از تجربیات گرانقدر قیام تبریز و خلقهای سراسر ایران، درس می آموزیم و با تلاش برای ایجاد حزب طبقه کارگر و توان مین رهبری این طبقه برانقلاب بر توده ها، مبارزات خود را بر ضد رجوع حاکم و در جهت خواست انقلابی شهدای قیام تبریز عمق می بخشیم

سال ۱۳۵۶ اولین جوانه های جنبش انقلابی توده ها در مبارزات خارج از محدوده زحمتکشان بی مسکن در اعتراضات کارگری، مبارزات انقلابی دانشجویی و... شکوفه میزند. تظاهرات انقلابی مردم مبارز و قشودت عده زیادی از آنان، آغاز انقلابی پرشکوه را نوید میدهد. روز ۲۸ بهمن است. کارگران و زحمتکشان ستم دیده تبریز که قافله نشان از بار سنگین سالها فقر و ستم و استعمار رژیم ضد خلقی شاه خمیده گشته است، همدیگر را به شرکت در تظاهرات ۲۹ بهمن دعوت میکنند. در کارخانه ها، خیابانها، کوچه ها و بازارها فقط یک سخن است: فردا نبردی بی امان با رژیم وابسته - امپریالیسم شاه در پیش است. با یادر و آواز - های انقلاب را گوشید. پیروزی از آن کارگران و توده های زحمتکش خلق است.

روز ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ آتش قیام از زیر خاکستر خفقان سر برآورد و مردم زحمتکش تبریز - خیابانها ریختند، زن و مرد پیرو جوان همه و همه خیابانها را به عرصه نبرد خود با رژیم ضد خلقی شاه تبدیل کردند. جنبش انقلابی مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۵۶ طلبه ها شکوه طوفان انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران بود. در این روز بعد از شهادت یکی از زحمتکشان تبریز در مراسم بزرگداشت شهدای قم در ۱۹ دی موج خشم و نفرت انقلابی بی پایان خلق سراسر تبریز را فرا گرفت. مردم زحمتکش هر آنچه را که نشان از رژیم وابسته امپریالیسم شاه در آن یافت میشد به آتش کشیدند و هر آنچه را که مظهر سرمایه داری وابسته و منشاء سالها فقر و ستم و گرسنگی بودند نابود کرده و با نیکها، سینماها، مراکز وابسته به رژیم را بدست توانای خود به آتش نفرت انقلابی خود سوزاندند. آنها بی پروا و مصمم متحد و یکپارچه به ارتش ضد خلقی مستقر در خیابانها حمله کردند و توده ها نفرازانها را به هلاکت رساندند. در این روز صدها نفر از زحمتکشان تبریز در خون خویش در غلطیدند. آری، قیام مردم تبریز جرقه - ای بود که مبارزات خلقهای سراسر ایران را به انقلابی قهرآ میز و به طوفانی تبدیل کرد که در قیام مسلحانه ۲۲ بهمن ۵۷ طومار عمیق - سنگین ۵۰ سال رژیم وابسته به امپریالیسم پهلوی را در هم پیچید.

حرکت انقلابی و یکپارچه مردم زحمتکش تبریز، پاسخی انقلابی و دست ردی بر سینما سازشکاران و رویویونیستیهای خاشاکساز شده بود. جنبش قهرآ میز مردم زحمتکش تبریز بر تمام می توطئه ها و حیلها با سازشکاران غلط بطلان کشید و نشان داد که تنها و تنها در دست قیامی انقلابی قهرآ میز می توان انقلاب را پیش برد. در آن زمان که لیبرالها و حزب خاشاک

ناتوان میباید و عملاً صحنه رقابتی کشورهای وابسته و با متقابل به یکی از دو قدرت امپریالیستی یعنی آمریکا و شوروی بشمار می آید. در حقیقت همگسختیهای شرکت کننده در کنفرانس به طرق مختلف وابسته به سرمایه جهانی بوده و فراتر از آن یکسری از این کشورها سرسپرده به یکی از دو قدرت بزرگ امپریالیستی میباشند. آیا مصر، پاکستان، عربستان سعودی، اندونزی غیر متعهد به امپریالیسم هستند و یا کارگزار مستقیم امپریالیسم جهانی آمریکا بشمار می آید؟

آیا افغانستان، کوبا، اتیوپی، یمن جنوبی مستقل میباشند و یا مستعبد و وابسته به امپریالیسم جهانی شوروی محسوب میشوند؟ این کشورها از نقطه نظر سیاسی، اقتصادی نظامی و دیپلماتی، کاملاً در چهار چوب منافع امپریالیستی حرکت کرده و فاقد هرگونه حرکت مستقل میباشند. آیا کشورهایی مانند یوگوسلاوی، هند، سوریه، ایران، عراق، الجزایر مستقل و غیر مستعبد هستند؟ نگاهی به مابین طبقات و اقتصادها کم در این کشورها و مناسباتی که میان این کشورها و جهان امپریالیستی وجود دارد، نشان میدهد که این کشورهای نه تنها جزو لاینفک اردوگاه امپریالیسم بوده، بلکه با صدها رشته اقتصادی، سیاسی به جهان امپریالیستی پیوند میخورند. این رژیمهای سرمایه داری که مدافع بورژوازی مرتجع بوده، طبقه کارگر و زحمتکشان را با شدت و بطور مستمر سرکوب کرده و هزاران قرارداد نامی و اقتصادی و فرهنگی با امپریالیستها امضا کرده اند هرگز و هرگز غیر متعهد نمی ترسند با نیکهای مرتجعی که حافظ شرکتها و بانکهای امپریالیستی در کشور خود بوده و مدافع نظامی میباشند که نه تنها تا مین کننده سودها کثرت انحصارات بلکه سرکوب کننده طبقه کارگر و خلقها میباشند. نه مترقی و مستقل هستند، نه دمکرات و انقلابی بقیه در صفحه ۱۷.

سیل در زاهدان

در روز شنبه ۷ بهمن ۵۹ بدنیا لریلرز باران مداوم، محله با بلایان را که در دامن کوه قرار داد رسید فرا گرفت. و بیش از ۵۰ خانسه ویران و بدهها خانه دیگری آسیب جدی وارد نمود. رژیم جمهوری اسلامی که شب و روز دم از حمایت از شتضعفین و... میزند کتیبی توجه را به سیل زدگان ننموده است. این محله از ملامت زحمتکشان زاهدان است. وجاری شدن سیل خسارات جدی بر زندگی آنها وارد نموده است.

بدنیا لریلرز شدن سیل رفقای زاهدان بیاری سیل زدگان شتافته و در جدا مکان به آنان کمک رسانند. مختصر شده از خبر دیلوچ شماره ۶۰ (ضمیمه)

هنرمقاومت هنرپرولتری

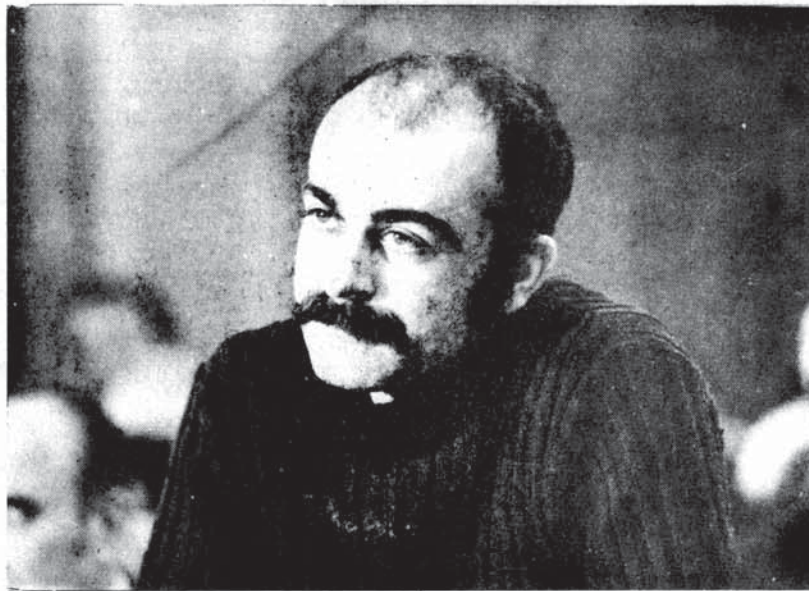


شکسته و سفاکین شمال، در آوازه‌های خاموش ما هیگرا، درون کپره‌های حاشیه‌کوبی، در کارخانه‌ها و کشتزاران از غلنج تا خزر از کناره ارس تا ساحل کارون زنده ماند.

اما زندگی این رفقا نه تنها بمثابه یک انقلابی، بلکه بعنوان یک آفرینشگر هنرمحاور در سبک‌های گوناگونی است که با یدهنرمندان خلق آفرینند و در خدمت انقلاب بیولنا ریابو توده‌های زحمتکش قرار دهند.

ما اکنون قدم‌ها را از راه‌های مختصر میراث گل‌سرخ‌ی در زمینه هنر و یادآوری دست - آوردها و محدودیت‌های هنر و است، زیرا هیچ ستایشی برای یک شاعر کمونیست، عظیم‌ترازان نیست که اجازه ندهیم، زندگی اش به افسانه‌ای

خسرو گل‌سرخ‌ی: سرود خوان انقلاب تا آخرین قطره خون



● هیچ ستایشی برای یک شاعر کمونیست، عظیم‌ترازان نیست که اجازه ندهیم، زندگی اش به افسانه‌ای مرده تبدیل شود و یکوشیم چنان واقعیتی زنده دستاورد ها و معدودیت - هایش را با شناسیها هر چه استوارتر راه کمونیستی اش را پی گیریم.

مرده تبدیل شود و یکوشیم چنان واقعیتی زنده دستاورد ها و محدودیت‌ها بین را با شناسیها هر چه استوارتر راه کمونیستی اش را پی گیریم. در عرصه هنر، اهمیت رفیق گل‌سرخ‌ی در آفرینش هنری است که در آن عشق به مبارزه، وفاداری به آرمان‌های توده‌های ستمدیده، ستایش انقلاب، برانگیختن احساسات آشتی - نا پذیر، هدایت با همه جوانب هنر ارتجاعی و ضد انقلابی، تجلی با رزی یافته است. در واقع رفیق گل‌سرخ‌ی در عرصه هنر، در قالب شاعری ظاهراً که بنحوصاً زن نا پذیر با قید و بندگی هنر، با موازین و سبک‌های بورژوازی در هنر، با دیدگاه‌های منحنی‌رسانانه - شناسانه و بی‌هنری که از فرط ملال و تن‌پروری و بی‌و ذهنی‌گراشی به منتهی درجه ورتکسته شده بود به مبارزه برخاست. او در زمینه هنر همچون زندگی خود، با

آبان در دفاعات رفیق کرامت رای تاریخ را می‌یافتند: "ایمان مایه پیروزی جنبش نویسن ایران و سراسر جوامع طبقاتی جهان عظیم‌ترین قدرت است و این را گویم که ما زکیمس هیجگاه موردخوشایند طبقه‌ها کم‌و‌بسیار استگان آنها نیست". چگونه میلیون‌ها مردم تحت ستم، کارگران و دهقانان و زحمتکشان، کسانی که هرگاه ذره‌ای رفاهت و فداکاری در فردی بیابند، بی‌شورترین حق‌شناسی اینا را گرانه‌شان را نشان می‌کنند می‌توانستند در عمیق قلب خود جاشی برای این دوفرزند آگاه خویش با زنگشایند؟ زمانی که جانیان، رسوا شده و شکست خورده از شعبده‌بازی خویش، رفیق کرامت و رفیق خسرو را به رنگارهای کینه‌بستند، نبوده‌ها را نشان را با زکوشندتسا خون دلیر و جوانان کمونیستی آنان در شان جاری شود، آنگاه میلیون‌ها گل‌سرخ‌ی، میلیون‌ها دانشان، در خانه‌های شورجوادیه، زیرسقفهای

سپیده‌دم ۲۹ بهمن هر سال، خاطره‌ای خوش و پرافتخار برای کارگران و توده‌های زحمتکش ما زنده میشود. ۷۰ سال پیش در چنین صبحگاهی رفقا خسرو گل‌سرخ‌ی و کرامت دانشان، بی‌س از محاکمه‌ای که برای میلیون‌ها تن از مردم ستم - دیده ما، نماینده قهرمانان نه‌جهت‌رسوا نمودن گنبدی سرمایه‌داری، از سوی دو کمونیست بود، بدست دژخیمان رژیم آمریکا شایه، تیر - باران شدند.

چرا تیرباران رفقا گل‌سرخ‌ی و دانشان، آنچنان اشرفا موش‌شدنی و سرا نگیزاننده بر طبقات تحت ستم باقی نهاد؟

پاسخ روشن است: زمانی که هزاران هزار تن از استعمار شونندگان، در سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم، متحمل ددمنشانه‌ترین ستمها می‌گشتند و تا زبانه‌های رژیم جلاد شاه، دم‌می پیکر رنج‌دیده‌شان را آتش‌ده می‌نهاد، آنان امکان یافتند با چهره فرزندان دلاوری آشنا شوند که وفادار به آرمان‌های سرخشان کام‌در راه مبارزه‌ای قهرمانانه شده و تا پای جان سازش‌نا پذیر و سربرافراشته از خلقشان دفاع نمودند. زمانی که رژیم با پنداری بوج - بر راه انداختن نمایش پیروز می‌نماید نه‌جهت بی‌اعتبار کردن آرمان‌های سرخ انقلاب و قدر قدرتی ستمگران، آن شعبده‌بازی را در میدانگاه خود بر راه انداخت، آنان جلالت محاکمه را به ددگاه خلق برای درهم‌کوفتن قدرت جنا بکارانه سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها تبدیل کردند. توده‌ها بر صفحات تلویزیون، در قامت استوار و کمونیست، زندگی سرفرازان خود را دیدند، زنده بودن آرزوهایشان را دیدند، اجتناب - نا پذیری مرگ ستمگران و نابودی طبقات ارتجاعی را دیدند، عشق و ایثار آتشین در راه انقلاب را دیدند و فدای عیاشی را شنودند که چونان آفتاب، تیرگی‌های ناآگاهی را میدریسد و روشنائی حقایق انکارنا پذیر را آشکار می - ساخت. آنان در رویتنا به رفیق خسرو فرساده فروخورده خود را می‌یافتند! اما ایمان دافته با شبکه حکومت غیرقانونی تا... در برابر زود انقلاب قهرآمیز توده‌های ستمکشیده ایران درووا زگون خواهد شد.

شعاعی کم‌نظر علیه سلسله پادشاهان موارزین هنری خاکم. اخلاص و برضورت هنری که با انقلاب و مبارزه سازش ناپذیر، همسنگی ناکستنی داشته باشد تا کیدورزید.

مبارزه کلسرخ علیه آن ایده‌هایی که در سالهای ۴۰ آنکارونها، سرسندگی هنر فرود آورده و میکوشید روحیات ارتجاعی در هر سوا سمانا به اصولی ابدی و مطلق وانمود سازد، بواقع مبارزه‌ای ارزشمند و بی‌نور جهت‌رشدو ناپذیرگی هنرا انقلابی بشمار می‌آید. این همان هسته‌سبب مهم و مضمون درختان و بیشتر واقعاً نیست رفیق خسرو در رشته هنر، همان سیرات زنده و پیر ارجی است که با انداز آن بوخت.

درواقع در عرصه هنر کلسرخ، در برابر خود سدی محکم از معیارهای رسمیاتی شناخته شده بورژوازی می‌دید. نسبت ترس این موارزین به آثار به مناسب ترین اشکال هنری در رژیم سرمایه داری و استه‌ودر زیر جگمه‌های رژیم منحنط شاه امکان وسیعی برای سلطه خودسی - یافتند. و سرمایه‌دازان و مزدوران امپریالیسم و در رأس همه دربار شاه به مینا ترس شهاب نسوی "هنر پرور" نامخارج میلیونی که از خون و رنج خلق ستمدیده‌ها مین می‌کشد، امکان آن را فراهم کرده بودند که بوسیده‌ترین انواع هنرا ارتجاعی و بورژوازی را به مثابه عالیترین نمونه‌ها از حقایق هنری به توده‌ها پیشکش کنند و بیدین وسیله در راه تحقیق آنان بکوشند. هنر منندان لیبرال که نقاب دروغین بر چهره داشتند و نمود میکردند که حسابشان از دشمنان رسوای خلق جدا است و کویا در آستین تحفه‌ای دیگر دارند. آنها در عرصه هنر هم‌هجون همه عرصه‌ها، چیزی نبودند جز نمایندگان بورژوازی ضد انقلاب که به بعضی آثاره، در جشنواره‌ها و جشنها به دستنویسی علیا حضرت می‌شناختند و کالای فاسدان را برای مسموم کردن و فریب‌آدها نوده‌ها به ارعسان می‌بردند.

کلسرخ در چنین اوضاعی معافله‌ج‌دی بسا افکار بوج و محکوم به زوال بورژوازی در هنر برخاست و کوشید با بلند کردن پرچم انقلاب در هنر، استنطاقات انقلابی را طی مقابلات متعدد رواج دهد. کلسرخ در قالب یک منتقد کمونیست امکان آن را یافت تا مسائل مبهم هنرا در جامعه خود بشکافد. همه محدودیت‌های عینی و ذهنی که جهت ارائه یک تحلیل عمیقاً مارکسیستی - لنینیستی در آن زمان از مسائل گوناگون برای روشنفکران انقلابی وجود داشت، از مسائل سیاسی - ایدئولوژیک گرفته تا عوامل معرفتی، مانع تلاش او جهت کشف و بیان مسائل هنرومبارزه در راه هنرا انقلابی نگشت.

او این نظریه را که "شعرا نیست، شعرا نمیشوند" و جریانهای روزگار "بمنا به نظریه‌ای ضد انقلابی ارزیابی کرده و با ختم ترا در هم کوبید و با احساسی درخور ستایش

شعر منتشر نشده‌ای از رفیق شهید
خسرو کلسرخ بخط خودش:

ای هم گل‌ساز، شکره آسزه!

ابروز

این عشق ماست به عشق به مردم

نگار

رضی سرخ

زیای ترا بیاسم

من گور نمیشم

با بی‌ستاره‌ایم، می‌دانم

اما کی ست

خای زمین تو

رستی که هر چه بودم هر چه بودم

و خاک خراب ترا حراج می‌کنند

با بیکه خاک کس از خرم من

نیاز آوری

کی برگ بر من خورن

کی می‌بینی شمشیر؟

سه بکار می‌گیم، می‌بینم

این است عشق من

می‌دانی!

من، ایرانیم

ضرورت تغییرات عمیقی که با نغی ثنوری های بورژوازی، می‌بایست در ادبیات و هنر پدید آید بی، بود، اونوقت: "خای هیچگونه تردیدی برای ما باقی نمی‌ماند که با ننگه‌ها بدرینتدا ختمسان ادبیات ما از رومرتقی بود و این بنای نو، جز با نابودی برج‌های حقارت بر این ساختمان و جز از طریق تلاش بی‌کسر هنر مندان و روشنفکران مردم‌گرا و اصل جوان امکانپذیر نیست....."

ما حتماً ادبیات مردمی بر اساس ثنوری‌های فرهنگ بورژوازی امکان پذیر نیست....."

رفیق کلسرخ در فعالیت عملی خود در زمینه آفرینش شعر به این اصل وفادار بود و سرودهای او سرود قهرمانی‌ها، مبارزات، کینه‌علیه دشمنان خلق و امید به آینده‌ای متحول می‌باشد که با مطلقاً در فرمت مناسب آن برداخت، اما با ید توجه داشت که تمام این دستاورد - های انقلابی، بر ستر شرا بط ما دی و ذهنی معینی پدیدار گشت، از اینرو هنر رفیق کلسرخ تحت تاثیر عوامل پیچیده گوناگون که مهر خود را بر اشعارش میکوفت، دارای محدودیت‌هایی است که نمیتوان آنرا ندیده گرفت.

کلسرخ یکی از خاص‌ترین نمایندگان

هنری دوره‌ای است که جنبش کمونیستی در مسیر انتهایات مشی آوانتورستی جریکی راه می - سپرد، بودن در نظر گرفتن تا ثیرات عمیق و دو - گانه مشی جریکی - آشتی ناپذیری انقلابی و خملت جدا از توده‌آن - برا شعرا کلسرخ، سخنی ارزشناخت حقیقی آنا را و نمیتوان گفت، هر چند که او پیش از ما عرا ن کمونیست آن دوران، در اشعارش توده‌ها را مورد نظر قرار داد، اما با مطالعه میراث او میتوان بدرستی پی برد که آنچه پیش از هر چیز کلسرخ را به آفرینش هنری برمی انکسخت، ستایش بیگرا را انقلابیون منفرد بود، اشعار او بدرستی عواطف و احساسات، خشم و غضب آتشین روشنفکرانی را منعکس می‌سازد که توان بیوند عمیق با توده‌ها را نداشتند.

این سرنوشته غربی است و سیمای هنر کلسرخ را در تناقضی آشکار فرمود می‌برد، در آثار او از یکسو احساس تنفروا نجزا ر عمیق نسبت به مسم - هائی که بر توده‌ها روا میشود موج می‌زند و قهری شعله‌ور در سرا پای آن زبانه میکشد و از سوی دیگر وقتی به میدان می‌آید اغلب بنحو در آوری چه در نوع احساسات، چه در مضامین و چه در زبان از توده‌ها جداست.

در اشعار رفیق خسرو ثوری عظیم و احساسی جوشنده از زنجی که می‌رود و از امید روشن سخن رانده میشود، لیکن این همه به معنی آن نیست که همه این احساسات و عواطف برای توده‌های تحت ستم مفهوم بوده و توده‌ها در تجربیات عاطفی و درونی این روشنفکران انقلابی منعقد شریک بودند، این احساسات داخل نبردتن به تن انقلابیون سازش ناپذیر، اما منفردی بود که میلیونها تن از ستمدیدگان، کارگران و زحمتکشان و.....، بدلیل عدم شرکت در چنین مبارزه‌ای نمیتوانستند در چنین عواطفی شریک پیروان مشی جریکی باشند، علاوه بر این حقایق، اثر ایده‌های بویولیستی را که در دوران مشی جریکی بر بخش وسیعی از جنبش کمونیستی سایه افکنده بود، در اشعار رفیق کلسرخ میتوان کارگران در آمیخته، اما عموماً در سروده‌های رفیق کمتر مرسومیا لیسیمرا میتوان یافت.

با اینهمه رفیق کلسرخ، بنا عرا انقلاب است و همچون همه کمونیستهای دهه گذشته، رور روی چاکران نقابدار بورژوازی، فرار گرفته است، زندگی او و هنرا و راهیج سازشی با دشمنان زحمتکشان نیست و جز از روی آشتین نابودی سلطه سرمایه و ستم‌جویی در آن موج نمی‌زند از همین روست که شعله‌بازی‌های حقیرانه خاشتین به ما رکسیم - لنینیسم جهت پیوند دادن رفیق کلسرخ به خود و بهره‌گیری از نام "بی‌خطر" قهرمانی که امروز فا در نیست خود از خویشتن دفاع کند، جهت کسب اعتبار برای چهره رسوای خویش، ما به تنفر است، کلسرخ‌ها، دانشیان‌ها، صدها و... فرزندان راستین خلق خود بودند، و همه ریزبونیستهای یکپارچه دشمنان خلق اند، میان ایندو جز نغرت چه را بط‌سه‌ای میتواند موجودی باشد؟

بقدا رصفحه ۱۲ **تداوم** ...

متن شرکت فعال در مبارزه طبقاتی و انجام مبارزه ایدئولوژیک به حول خط منی و برنامه میسر است و هرگز نمیتوان بوسیله یک تشکیلات اشتقاقی از شرکت فعال در مبارزه طبقاتی و بطریق اولی از مبارزه ایدئولوژیک اصولی سخن گفت.

آنچه باید از نتایج عملی تئوری ضد مارکسیستی "تشکیلات دوران گذار" جمع بندی نمود، تا گزیری بوجود آمدن بحران در این "تشکیلات دوران گذار" است. آنچه که امروز در "وحدت انقلابی" بوجود آمده است، نتایج محتوم تن دادن به این تئوری ضد مارکسیستی است. بحرانی که امروزه در "وحدت انقلابی" بوجود آمده است، بحران یک تشکیلات اشتقاقی، انحلال - طلبانه و بیپولیتی است. اگر رفا بخواهند بر بحران کنونی که نتیجه مستقیم ایجاد تشکیلات دوران گذار "وحدت انقلابی" است فائق آیند، راهی جز نفی دیدگاه های اشتقاقی موجود در خود، نفی تئوری "تشکیلات دوران گذار" و به تبع آن، نفی عملی و تئوریک "تشکیلات وحدت انقلابی" ندارند. هرنگرشی که بر عامل اصلی اینجا دکننده بحران در "وحدت انقلابی" مریوش گذاشته و آنرا نادیده بگیرد هرگز نخواهد توانست به راه حلی اصولی برای برطرف ساختن بحران تا ثل آدوهم از بیروت که می بینیم رفا هنوز نتوانسته اند به راه حل بحران واقف گشته و بجای نفی شکل خود و تئوریهای که وجود آنها تئوریزه می نمایند، به انتشار مبارزه ایدئولوژیک لوزیک غلبی بعنوان راه حل پرداخته اند.

نگاه های به محتوای مبارزه ایدئولوژیک غلبی "وحدت انقلابی" بخوبی نشان میدهد که چگونه حتی رفا گانی که به نفی تئوری ضد مارکسیستی "تشکیلات دوران گذار" دست یافته اند (دیدگاه سوم)، هنوز با تفکرات انحلال طلبانه پیشین قطع کامل پیوند نداشته اند و انتشار مبارزه ایدئولوژیک غلبی خود بهترین گواه آن است.

انتشار غلبی دیدگاه های موجود در وحدت انقلابی بمثابه سیستم فکری نشان میدهد که اختلافات سیاسی، ایدئولوژیک در دوران این تشکیلات "اشتقاقی" تا چه حد عمیق است و بعد از درک این واقعیت بلافاصله این سوال مطرح میشود که این رفا چگونه نتوانسته اند با اینهمه اختلاف، فعالیت واحدی را دنبال نمایند و برآستی این رفا حول کدام یک از دیدگاه ها به تبلیغ و ترویج و سازماندهی دست زده اند؟ اگر سه دیدگاه موجود را از نظر گرایشات سیاسی تقسیم بندی کنیم باید بگوئیم بنظر ما دیدگاه سوم انقلابی ترین و سالمترین نظرات سیاسی، ایدئولوژیک را نمایندگی میکند (علیرغم برخی اشکالاتی که دارد) و دیدگاه دوم پورتونیستی - ترین نظرات را در درون "وحدت انقلابی" نمایندگی میکند و دیدگاه اول مواضعی - سائریستی و بینا بینی دارد.

آنچه از بررسی سدیدگاه در نگاه اول بر می آید سه موضوعی متفاوت در برخورد با ساختار جامعه، قدرت سیاسی و وجود دارد. دیدگاه سوم رژیم حاکم را از جناح بورژوازی لیبرال و سودا گردانسته، هر دو را ارتجاعی و ضد انقلابی میداند و تا کتیک کمونیستها را بدستی مبارزه علیه هر دو جناح ارزیابی میکند. ساختار جامعه ایران را نیز بدستی سرما به داری ارزیابی نموده و تفکری را که هدف انقلاب را رشد سرما به داری آزاد میداند، به با دانتفا میگیرد. در برخورد به "وحدت" نیز بر ضرورت مبارزه ایدئولوژیک تاکید کرده و تئوری "تشکیلات دوران گذار" را نفی میکند.

دیدگاه دوم که تئوریزه کننده تشکیلات دوران گذار است، ساختار جامعه را وابسته میداند به

میکند. او... هرکس با خواندن دیدگاه ها ویی بردن به عمق اختلاف نظر سه جناح در مورد مسئله وحدت، ساختار جامعه، آرایش طبقات، ماهیت قدرت سیاسی، چشم انداز و... (اگرچه مواضع جناح سائری - دیدگاه اول - همانند جناح دوم و سوم که بشدت با هم مغایر است، روشن نیست (بلافاصله از خودخواهد پرسید علت این عمل (انتشار مبارزه ایدئولوژیک غلبی) و حفظ تشکیلات "وحدت انقلابی" چیست؟

برآستی سه جناح جدا هدفی را از این مبارزه ایدئولوژیک غلبی دنبال میکنند که حتی از جنبش کمونیستی انتظار دارند از آن استقبال نماید؟ اولین نکته ای که باید در نظر داشت، این

آنچه باید از نتایج عملی تئوری ضد مارکسیستی "تشکیلات دوران گذار" جمع بندی نمود، تا گزیری بوجود آمدن بحران در این "تشکیلات دوران گذار" است. آنچه که امروز در "وحدت انقلابی" بوجود آمده است، نتایج محتوم تن دادن به این تئوری ضد مارکسیستی است. بحرانی که امروزه در "وحدت انقلابی" بوجود آمده است، بحران یک تشکیلات اشتقاقی، انحلال طلبانه و بیپولیتی است.

سرما به داری بودن مناسبات تولیدی اعتقادی ندارد. (البته آنچنان که در این نوشته خود ادعا میکند، هنوز در مورد ساختار جامعه ایران موضعی ندارد.) (او این دیدگاه معتقد است هدف انقلاب دمکراتیک جایگزین نمودن مناسبات تولیدی دیگری (بورژوازی آزاد؟) بجای مناسبات تولیدی حاکم (بورژوازی وابسته؟) است.

این دیدگاه قدرت سیاسی حاکم را آنچنان در لهله با هم فرو برده است که سختی میتوان فهمید چه میگوید. خمینی را نوعی بنا پا رتسیم خوانده و در انشای نیز همچنان هویت طبقاتی او و حزب را مسکوت میگذازد. چنین بنظر میرسد که جناح حزب را همانند حکومت بعضی های منتظمی مانند نظرات این جناح در این باره روشنتر شود، همچنین در مورد "جریان موسوم به بورژوازی لیبرال"، منتظر روشن شدن نظرات اینان هستیم. این دیدگاه گویا اساسا جناح بورژوازی لیبرال حاکم را لیبرال نمیداند. (شاید آنرا بورژوازی ملی میداند.) و همواره از جناح بنی صدر بعنوان جناح موسوم به "بورژوازی لیبرال" یاد میکند و مبارزه با آنرا در این شرایط بصورت مستقیم درست میدانند. این دیدگاه جنبش اعتلائی توده ها را نفی نموده، تنها مل جنبش کمونیستی ایران را شکست خوانده! و با سیفیسویاس را تئوریزه می نماید!

دیدگاه اول جناح حزب را نمایندگی مینماید و فئودالها مینا مدولیرالها را نیز ارتجاعی دانسته و معتقد است کل حکومت ارتجاعی است، لیکن در این شرایط هنوز حمله با ید متوجه حزب با شدو کسانیکه هر دو جناح را یکسان میگویند دچار چرب روی شده و عملا به بورژوازی خدمت

مسئله است که با غلبی شدن مبارزه ایدئولوژیک در "وحدت انقلابی" انحلال تشکیلات علنا رسمیت یافته و شدیدا تر گشته است. چه در حقیقت به حول سه دیدگاه سه فراکسیون شکل گرفته است، و طبیعتا هیچکس حاضر نخواهد بود، نظرات دیگری را تبلیغ و ترویج نمایند، از اینرو انتشار مبارزه ایدئولوژیک درونی بصورت غلبی، امکان تبلیغ و ترویج و سازماندهی بر اساس یک مضمون واحد را از این تشکیلات گرفته و آنرا در مبارزه طبقاتی شدیداً با سوتیر از آنچه هست می نمایند این امر چیزی جز تداوم و تشدید انحلال عملی تشکیلات نبوده و موجودیت آنرا زیر سوال میبرد. با در نظر گرفتن این نکته، اکنون باید پرسید، هدف از انتشار مبارزه ایدئولوژیک غلبی چیست؟ آیا این امر با زهم در خدمت تداوم انحلال طلبی قرار ندارد؟ آیا همچنان که در بالا گفتیم این انحلال طلبی بصورت کاملاً شدیدتر، دنباله عملی نموده؟ آیا این فراکسیون سائری که خود عملی انحلال طلبانه است کمتر شایسته؟

فرض کنیم که با سخ چنین باشد که ما هنوز مواضعمان را کاملاً تئوریزه ننموده ایم و این مبارزه ایدئولوژیک غلبی در خدمت منجمت تر نمودن نقطه نظرات هر یک به منظور جلب توده های بیشتری از "وحدت انقلابی" بگردان نظرات و در پی آن انشعاب است.

بنظر ما چنین درکی اگر وجود داشته باشد، تداوم همان تفکر آکادمیستی و انحلال طلبانه در برخورد به ارتدوین تئوری انقلاب است چه اولاً زمانی که حیات یک جریان سیاسی از مبارزه طبقاتی قطع گردد و تشکیلات واحدی وجود نداشته باشد که بتواند به حول سیاست واحدی، فعالیت

منتشر شد

کتابخانه تخصصی مبارزات دگوارانه
طبقه کارگر و خلقهای ایران
کتابخانه تخصصی مبارزات دگوارانه
طبقه کارگر و خلقهای ایران
کتابخانه تخصصی مبارزات دگوارانه
طبقه کارگر و خلقهای ایران

کتابخانه تخصصی مبارزات دگوارانه
طبقه کارگر و خلقهای ایران
کتابخانه تخصصی مبارزات دگوارانه
طبقه کارگر و خلقهای ایران

کتابخانه تخصصی مبارزات دگوارانه
طبقه کارگر و خلقهای ایران
کتابخانه تخصصی مبارزات دگوارانه
طبقه کارگر و خلقهای ایران

کتابخانه تخصصی مبارزات دگوارانه
طبقه کارگر و خلقهای ایران
کتابخانه تخصصی مبارزات دگوارانه
طبقه کارگر و خلقهای ایران

تظاهرات...

شماره ۳۰ از مجله ۳۰ تظاهرات...
لارم سا دآوری است که زور نعل (شماره ۱۱/۱۱/۵۹)
توزیع راهبیمائی موعی نه همین مناسب در
خسان شریعتی از سوی هواداران سازمان
توتیب داده شده بود.

کمیته کلان
همزمان با انجام این تظاهرات در محله
صمدبهرنگی یک درگیری بین ساکنان آن جهل
وسرمایه از یکطرف و معاهدین خلق از سوی دیگر
جریان داشت که در آن یک مادر معاهدین سن ارجحی
شدن فرزندی و کلاوز شدن ساکنان در کنار
سازمان خلقی شده و شهید میگردد. محله مرورنا
امروز ۲۵ بهمن همچنان در محاصره است و تعدادی
در نتیجه نبراداری ساکنان رجمی شده اند.
ضمنا برخی از محلات رشت در معرض محاصره
و خانه گردی است شبها ساکنان مترصدند
امراد جوان عابرا مشکوک قلمداد کرده دستگیر
نمایند.
عصر غمناورها، زدو خورد ها و شهادتها
سازمان خلقی طایفه نوده های خلق در جهت ادامه
انقلاب ادامه دارد.

است از اسرودرد در این سکیلات هرگاه دو
نظرینفا و متعاندست به این مسئله وجود
داشته اند که در انعکاس خود را دریا بر موارد
سریان خواهد داد (که همان داده است) لکن
تنها عامل "وحدت" نخسته به اعلی ترین عامل
اجادحران و اختلاف تبدیل شده است و این
خودبه تنهایی کافی است تا ادامه حرکت
"وحدت انقلابی" را بر سر سوال برد.
با توجه آنقدر این محصر گفتم نام نمی -
توانیم مبارزه اندولوزیک علنی به دیدگاه
"وحدت انقلابی" را با سخ مناسبی به حل معضلات
آمان ارزایی نما شیم و آرا هر چند مدتی که به
طول انجامد، خود در حد انحلال طلبی، با سهمیم
آسی طلبی و مبارزه اندولوزیک آکا دمستی
نمندا سم و یوز به رفقای حاضر در دنگا ه سوم
کوسرد منگم که برخلاف نظر شما و برخلاف نسبت
شما ادامه جنبش روندی، همان مطالبات
لسبرالستی (در علنی کردن مبارزه اندولوزیک)
آشتی طلبانه و آکا دمک و انحلال طلبانه ای
است که دیدگاه دوم مطالب آن است و بی جهت
نیست که او نیز از مبارزه اندولوزیک علنی
فعالانه دفاع کرده است، با اینکه هرچند در
پروژه مدی حرکت "وحدت انقلابی" امری است که
تصمیم آن مربوط به خود "رفقای وحدت انقلابی"
منباند اما ما می شک خود را موظف به تقویت
ارضا، مواج دیدگاه سوم که ازینا پسبیل
انقلابی سمرات بیشتری بر خود را راست و افشای
نظرات حجابی دیگر و یوز به دیدگاه ابوریوستی
دوم میدا سم و در این راه مبارزه اندولوزیک
را سهم خود را می خواهم در عرض حال که ار
کوشش برای توضیح در کلهای نادرست و انحرافی
رفقا از انجام این مبارزه اندولوزیک علنی،
کوبای نخواهم کرد.

ند و موجودیت خود را توجه می نما شد و آستی
- طللی را به شما پس نمیکند؛ زمانی که مرز -
سندی های موجود در هر جریانی بنسنگ
اختلاف نظرانی سیاسی - اندولوزیک سناحاید
ند و همزیستی و سازش سخت نموان عدم انجام
همه مواضع سیاسی، شوریک عملا بیوستی است
برای ند و آشتی طللی موجود در سرخوردیده
وحدت انقلابی سمر همچنان که می سبیم اختلافات
پس دنگا ههای موجودانی است و ند و آ
موجودیت این شکل، از طرفی مانع حرکت فعال
رفقا در مبارزه طبغایی میشود و از طرف دیگر
آستی طللی را مطلق نمودن امر انسجام
سیاسی - اندولوزیک مواضع ند و آومی بخشد؛
از اسر و نظر ما علنی کردن مبارزه اندولوزیک
دروسی، راه بر طرف نمودن بحران وحدت انقلابی
نموده و سبها انحلال طلبی، آکا دمست و آشتی طللی
را سخت بیوشن نویس ند و آومی بخشد.
از اسر و نظر ما رفقای، وحدت انقلابی سه
حول مبارزه اندولوزیک دروسی که براه انداخته -
اند، می ناست، از یکدیگر جدا شده، و اگر حفظ
می برولتری در جنبش کمونیستی می ناستند،
و از دیگری مبارزه اندولوزیک دروسی نا
آن نیرو به منظور دستیابی به وحدت شده و در غیر
اینصورت می ناستند اعلام موجودیت نموده، ضمن
برکت در مبارزه طبغایی به مبارزه اندولوزیک
نا با بر جریانیهای حسن کمونیستی بردا خسه و
بدریج ضمن مسخر نمودن مواضع خود، در امر
ندوسن تئوری انقلاب و ارگانال آن در تحقیق
و جذب حسن کمونیستی نکوسند.
در بیان نا بدروی این موضوع بکجه کنیم
که آنچه "وحدت انقلابی" را بهم جوش داده است
توافق دیدگاههای مربوط به مساله وحدت بوده

واحدی را دنبال نماید، آنگاه ما بدیرسند آن
مبارزه اندولوزیک که صورت نمیکرد، چه چیزی
جز آکا دمست و درک روسفکرا به امر مبارزه
اندولوزیک است؛ و وضعیت این است که
"وحدت انقلابی" عملا به سه فراگسبون تبدیل
گشته است و مضمون و سیاست واحدی بر فعال نیست
آنها حکم فرمائی می نماید، اکنون ما بدیرسند
کفن سکیلات نموان انرا ما دند بخشدن ند
سیاست حاکم بر آن چه میشود؛ جز غی و انحلال
آن؛ چرا اینکه ما نمی سکیلات و احدها بر اثر شرکت
در مبارزه طبغایی است، مبارزه اندولوزیک
عملا از مبارزه طبغایی جدا گسوده و فعال نیست
آکا دمک و روسفکرا به تبدیل مسوده، آبا این
جزند و آ انحلال طلبی است؛ انسجام مواضع سیاسی -
اندولوزیک هر یک از این حجابها، سبها در
پروژه شرکت فعال در مبارزه طبغایی است که
حاصل میشود، نمینوان از شرکت در مبارزه
طبغایی و تبلیغ و ترویج و سازماندهی خود -
داری نمود و عملا مشغول "انسجام بخشدن" سه
مواقع بود، این درک که انسجام مواضع
اندولوزیک - سیاسی را حد از بر و سه طولانی
شرکت فعال در همه ابعاد مبارزه طبغایی
دنبال میکند، به سبها درکی آکا دمستی و
انحلال طلبانه است، بلکه مسئله انسجام مواضع
سیاسی - اندولوزیک را مطلق میکند، رفقا
آبا انتساب اقلیت فدائیان از اکثریت می -
بایست موکول به انسجام همه جا به سیاسی -
اندولوزیک کلیه مواضع آنان میگفت، آبا
چنین درکی، دید مطلق نگرا نه ای راست سه
مسئله انسجام مواضع سیاسی - اندولوزیک
نشان میدهد و توسط همین مطلق کردن انسجام
همه جا به مواضع سیاسی - اندولوزیک عملا

موضع مادر قبایل "قانون سود ویژه"

طی مبارزات گسترده خود در جهت افزایش میزان سود ویژه - در واقع در جهت افزایش دستمزدها - موفقیت‌های بسیار کسب نموده و توانسته بودند میزان متوسط سود ویژه را به ۴ ماه در سال افزایش دهند.

۶- وزارت‌نحاشی که طی حیات رژیم سرما به‌داری جمهوری اسلامی دستمزدهای کارگران بطور مطلوب اضافه نکرده و برعکس، بر اثر بحران روز - افزون اقتصادی و فقر و مسکنت فلاکت بار توده - های کارگر و اخیراً مهاجرت خانمان برانداز جنگ، کارگران هر روز خانه خراب‌تر می‌شوند و دستمزدها چیز آن‌ها را بهیچوجه کفاف حداقل - ما یحتاج زندگی آن‌ها را نمی‌دهد. بنابراین با توجه به آنچه گفته شد:

۷- در برابر حذف سود ویژه، رژیم سرما به‌داری جمهوری اسلامی میباید معادل ۴ ماه دستمزد کارگران یعنی ۲۵٪ به دستمزد کارگران اضافه نماید. و تا قبل از اضافه نمودن ۲۵٪ به دستمزدها باید همان ۴ ماه دستمزد کارگران را بعنوان سود ویژه پرداخت نماید.

"تا قبل از اضافه نمودن ۲۵٪ به دستمزد کارگران، ۴ ماه بعنوان سود ویژه پرداخت باید گردد."

۱۳۵۹/۱۱/۲۵

۱- قانون "سود ویژه" که از طرف رژیم منغور پهلوی و با فشار و دستکاری آمریکائی به تصویب رسیده قانونی صدکارگر بوده و می - بایست با افزایش میزان دستمزدها لغو شود.

۲- سود ویژه در واقع قسمتی از دستمزد کارگران است که با اهداف فکوناکون صدکارگری صورت جداگانه‌ای پرداخت شده است. کارگران سازماندهی در جهت افزایش میزان سود ویژه در دوره‌ها خاشن وجه دور در رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی مبارزات گسترده‌ای را همواره ادامه داده‌اند.

۳- رژیم سرما به‌داری، صدکارگری جمهوری اسلامی بعد از قیام منصف فقط این قانون ارتجاعی را لغو نمود، بلکه در جهت کسر کردن میزان سود ویژه کارگران کوشش‌های بسیار کرد و این خود موجب اعتراضات گسترده کارگری در اسفندماه ۵۷ و اسفندماه ۵۸ گردید.

۴- رژیم سرما به‌داری جمهوری اسلامی در ادامه نوظنه‌های خاشنا خود بر علیه کارگران در صدد است که قانون سود ویژه بدون افزایش میزان دستمزدها را لغو نموده و بجای آن فقط ۲ ماه بعنوان عیدی و پاداش سالانه پرداخت نماید.

۵- وزارت‌نحاشی که کارگران سازماندهی

ملاحظات ...

عمل در پیش و ولایت فقیه و سنن قدیمی بصورت "فرستاده مبلغین و داعیان دین" در می‌باید اگر "پیغمبر اسلام" نامه به خروپور و بوزو قیصر و فرستادگان را به اسلام فراخواند البته که آیت الله خمینی با آنکه به همان تصورات و انبوهی‌ها در عصر ما می‌توانند نزدیک به ۳۰ هیئت تبلیغی به "بلاد کفر و دیکر بلاد" بفرستند حالا کدام دیوانه‌ها طریقتی مثلاً در میدانی حضور خواهند یافت تا حجت الاسلام با هنر برای او از فواید دین داری و اسلام و "انقلاب اسلامی" ایران سخن بگوید معلوم نیست و همینطور در آلمان و فرانسه و یکن و بلنارستان و ایالت‌ها و ...!

برای رژیم هم‌اطلا این حرف‌ها مهم نیست قراردادها می‌ماند و تمغیه سفارتخانه‌ها از کسانیکه مکتبی نیستند (دیدید که بنی صدر چگونه در میدان آزادی دادش درآمده بود؟) و خلاصه بر آوردن نیازهای سرما به‌داری وابسته ایران.

شعار "اسلام را به جهان با بشناسانیم" کیسولی است که مصرف داخلی دارد و هدف اصلی همان بازسازی سرما به‌داری و وابسته است. اختیارانی که به هیئت‌ها داده شده گویای آن است که موضوع از حد دعوت به اسلام بسیار فراتر است و همان دعوت هم در خدمت آن هدف.

فخرالدین حجازی که همیشه اسدش با رئیس جمهور ایالت‌ها ملاقات خواهد کرد! و حسن غفوری استاندار مشهد با وزیر خارجه انگلستان دیدار میکند. بخوبی معلوم است که هدف "دعوت به اسلام" نیست و بهتراست بگوئیم این شکل جدیدی از نامه نگاری به "خروپور و بوزو" میباشد. ضمناً بر اساس خبری که روز جمعه ۲۴ بهمن از رادیو پخش شد مگر، سفیر ایران در مسکو ضابطی به افتتاح هیات "تبلیغ اسلامی" (بریا است جلال فارسی) ترتیب داده است که در آن سفیرای کشورهای اسلامی، کشورهای آسیا و آفریقا و البته کشورهای به اصطلاح سوسیالیستی شرکت داشته‌اند. آیا همان مهمانیهای چند صد نفره و بیشتر آن که سفارت‌های ایران در دوره‌ها ترتیب میدادند اینبار در پیش "اسلام" خود تک‌تار میشود؟ پیشنها دمیشود برای "مکتبی شدن" این ضابطه‌ها نام آنها را به ولیمه تبدیل کنند.

بقیه از صفحه ۲ سرمقاله ...

بارها برای شده‌های توضیح دهند. توضیح رفقا و برخورد با بدلولوژیک با آن در عین حال که میتواند زمینه‌ای برای برخورد با مسائل اساسی تر با وجود آورد، بنسویه خود، شرایط مناسبی را برای جمع بندی کاملی از چگونگی اتحاد عمل کمونیست‌ها در اینگونه مراسم و فعالیتها بوجود خواهد آورد و در زمینه‌ها برای حاکمیت همه جانبه یک نگرش اصولی و انقلابی در این زمینه در جنبش کمونیستی استفاده از آن برای حرکت‌های بعدی فراهم خواهد ساخت.

بقیه از صفحه ۳۲ بنی صدر ...

"آزادی برای محرومان ما از زمان شب واجب‌تر است" اما کمیت که نداند منظور او از آزادی، آزادی برای لیبرال‌هاست. مگر نظرات نیروهای انقلابی و کمونیست همیشه مورد سرکوب قرار نگرفت؟ مگر نظرات ۲۳ دیماه مورد سرکوب واقع نشد؟ مگر نظرات ۱۹ بهمن بخون کشیده نشد؟ مگر نظرات کمونیست‌ها در ۲۲ بهمن مورد یورش ارتجاع قرار نگرفت؟ چرا بنی صدر به این سرکوبها اعتراض نکرد؟ جواب روشن است چون او موافق سرکوب جنبش و نیروهای کمونیست می - باشد و همین خاطر اگر مستقیماً در سرکوب شرکت نکند همیشه با توطئه سکوت و لبخند درضا بت آمیز سرکوب خونین کمونیست‌ها و توده‌ها را تا شنیدم - کند ما نندقمضه جنا بت آمیز ترور هرمان خلیق ترکمن، آری بنی صدر در مقابل هزاران جنایت با ساداران و ارتش سکوت میکند، اما در مورد رفتار حزبیهایی برای لیبرال‌ها فریادش به آسمان میرود آری این واقعیت نشان میدهد که بنی صدر نه طرفدار آزادی و دمکراسی برای توده‌ها بلکه طرفدار آزادی برای لیبرال‌هاست. و اگر امروز به برخی از سرکوبها در مورد مجاهدین بطور ضمنی اعتراض میکند، بخاطر آنستکه مجاهدین سازش با بورژوازی لیبرال را در دستور قرار داده‌اند. و پرواضح است که در برابر قربانی کردن منافع انقلاب توسط مجاهدین یا ایدامتیازات حقیرانه

۱- ای به آنها اهدا نمود! واقعاً جلال لیبرال‌ها امتیازات جزئی به مجاهدین ندهند، در زمانه‌ای که مجاهدین امتیازات کلان به آنها داده و توده‌ها را در سالگرد قیام ۲۲ بهمن که با خیانت لیبرال‌ها متوقف شد، به حمایت از لیبرال‌ها فرا میخوانند؟ براساسی جلال لیبرال‌ها به مجاهدین امتیازاتی ندهند زمانی که مجاهدین طی اعلامیه‌ای جهت شرکت در سخنرانی بنی صدر این لیبرال خیانت پیشه، لیبرال‌ها را نترووهای مردمی قلمداد می‌نمایند؟

آلبته بنی صدر در سخنرانی خود حزب خاشن توده را مورد حمله خود قرار داد. اما این حمله از موضع دنیروی مدانقلابی است. همانطور که میدانیم حزب خاشن توده و اکثریتی‌های مرشد از حزبیها حمایت کرده چرا که در آنها "استعداد" مستگیری بسوی سوسیال امیرالیم را می - بینند و بنی صدر دقیقاً به خاطر همین موضوع است که به حزب می‌تازد. اما اگر همین حزب پس‌فردایه حمایت از لیبرال‌ها بلند شود (که در شرایط سیاسی احتمالی وجود دارد) بنی صدر حملات خود را متوقف خواهد ساخت. اما بنی صدر و همه بورژوازی - داندبا نیروی که نمی‌توانند به سازش برسند کمونیست‌ها و جنبش توده‌ها می‌است که بر اساسی انقلابی به پیش می‌برود و به همین خاطر بنی صدر سرکوب کمونیست‌ها و جنبش توده‌ای مانند جنبش مقاومت خلق کرده و جدی آید و پای می‌کوبد و با تمام قوا در این سرکوب شرکت میکند.

درباره تظاهرات مشترک

عده‌ای از رفقا پرسیده اند علت آنکه ما با رفقای "نبرد" تظاهرات مشترک ۲۳ دسامبر را نگذاشته ایم چیست؟ رفقا! همانطور که قبلاً نیز توضیح داده‌ام ما تظاهرات مشترک و با هر فعالیت مبارزاتی مشترک دیگر را در رابطه با دعوا عمل یعنی یکی عامل ایدئولوژیک - سیاسی که از اولویت برخوردار است و دیگری عامل مسائل تیرودر نظر میگیریم از نظر ما اولویت نخستین به عامل ایدئولوژیک - سیاسی، خود را در برابر عوامل مباحثی سیاسی و شعارهای روزمدهنگ فعال نیست مشترک بروردا و به سراسر با سانس که نیروهای سیاسی معین می تواننده اند عمل مشخص دست بزنند. بدین ترتیب در تظاهرات مشترک عمل مشخص عامل سیاسی - ایدئولوژیک جزو لاینفک آن به شمار آمده و کسانی که معنی اساسی این عامل را نمی بینند و در آن لحاظ طبیبی در مسائل و ایدئولوژی می باشد.

اما از نظر ما مسئله به اینجا محدود نمی شود، علاوه بر عامل ایدئولوژیک، عامل تناسب نیرو نیز باید مورد توجه قرار گیرد. ممکنست جریانهایی کمونیستی ای وجود داشته باشد که از نظر گرایش سیاسی - ایدئولوژیک، نسبت به برخی دیگر نزدیکتر باشد مانند، اما این امر بدین معنی برای ترک آن جریانهایی در اتحاد عمل مشخص کافی نیست. اتحاد عمل نیروها را یکدیگر معنی مشخصی دارد و آن عبارت از اراته کیفیت معینی در بسیج توده‌هاست و بیرواض است که این امر متناسب با اوضاع جنبش کمونیستی است - بی توان و بنیاد هرگز با نیروی که فاقد هویت و جهت اجتماعی و با فاقه‌ها سر مشخصی در حرکتهاست - شبیه تظاهرات مشترک ۲۳ دسامبر است. و اراته اتحاد عمل شد. بگذارید برای روشن شدن مطلب نمونه تظاهرات ۲۳ دی را مورد ارزیابی قرار دهیم آیا مبنای این تظاهراتی سیرده که ترک و با عدم شرکتشان در این تظاهرات مشخص جنبش محسوسی در کمترش میزان سرد آن نداشت، در کمیته سیر - کزاری شرکت میبهند؟

از نظر ما چنین درخواستی نوعی تباوی طلبی کاذب و دروغین است سرچاه ما س و با کدام منطق میتوان پذیرفت که جریانهایی که نقش محسوسی در بسیج و کرد آوری نیرو برای انجام ایمن تظاهرات را ندارند، خود به عنوان یکپایه اصلی آن قلمداد شده، در تصمیم گیریها مربوط به چگونگی هدایت آن شرکت جسته عملاً از همان حقوقی برخوردار گردند که نیروی دیگر؟

کسانی چون رفقای سیرده که عامل نیرو و به معنای دیگر تناسب نیرو را در نظر نمی گیرند، گرفتار درکی انحلال طلبانه بوده و دچار تساوی طلبی خرده بورژوازی میباشند چگونه ممکن است نیروی که دارای کیفیت معینی از توانایی در بسیج توده‌ها می باشد و نیروی که تا شبر معینی در بسیج توده‌ها ندارد، دارای حقوق برابر



با سند و هر دو معنویان پای اعلی یک اتحاد عمل وارد همکاری کردند. جس نیروهای ناسد و می تواننده طرق کونا کون از جنبش اتحاد عمل های معنی حمایت و پشتیبانی نمایند. اما فرصت طلبی و ایورونیستی خواهد بود اگر در هر اتحاد عمل مبتا به مادیت بخشیدن به بردمندی و اندیشه عامل تناسب نیرو در نظر گرفته نشود، عاملی که با عامل سیاسی - ایدئولوژیک (که در بالاتر فرم سیاسی مشترک تحسیمی باشد) رابطه ای تنگاتنگ دارد.

● رفیق ف. م. - این رفیق در مورد خاواده خود که ارنی اس و شدت فالانژ و سخت با او مخالفت اند، از مسائل را هنمائی خواسته است. رفیق نوشته است شیوه برخورد به خاواده آن رفیق دختری که در پیکار درج شده بود را خوانده، ولی نتوانسته یک کار گیرد.

● رفیق! اگر جسم انداز سیر و تحول خاواده راننداری و در عین حال فاصله منافع طبقاتی را حس میکنی و راهی برای همزیستی که به فعالیت تولکمه نزدیکند، باید مستقل شوی و فعالیت را به این ترتیب دنبال کنی. ما هرگز نگفته‌ام همزیستی با خاواده تحت هر شرایطی که باشد، محاز است.

بیروزیای!

● رفیق کاف: در مورد تظاهرات ۲۳ دی، معنویان یک شرکت کننده ابتدائی را مطرح نموده است و کلاً خرابی ابتدائی از شرح تظاهرات نوشته و در اینجا پرسیده است اگر این برخورد ها فاسل استفاده است، آنرا ذکر کنیم با رفتائی نظیرا و برخورد فعلی نمیباشد.

● رفیق! نوشته‌ات مورد اسفاده فرا گرفت. در ضمن باید گوئیم اصولاً امر جمع بندی از مبارزات، بررسی نقطه ضعفها و... وظیفه هر سازمان کمونیستی است. ما خود سیر در این زمینه کوشش نموده‌ام. در عین حال این سه تنها وظیفه یک تشکیل کمونیستی، بلکه وظیفه کلیه هواداران و سوده‌های آگاه و انقلابی است که در صفتها و سخالات سروهای سیاسی اسفاد کرده و اسفادات خود را برای این سروها بفرستند. از اینرو ما ضمن سیاستگاری از این حرکت سوادار کلبه هواداران، سوده‌های آگاه و انقلابی و سروهای کمونیستی دیگر محوا هم که اصولاً تمامی فعالیتهای سازمان را مورد برخورد و بررسی قرار دهند. بیروزیای!

● رفیق منصور: اسفاد نموده است که چرا ما سید علی اکبر - بیروزی را بدون درج منبع آن ذکر نمودیم و ما که اسفاده از اسناد سیر و سروهای سیاسی را بدون ذکر ما خا بورونیستی خواندیم، پس چرا این سند را که گفته رفیق، وحدت انقلابی چند ماه پیش منتشر کرده است، بدون ذکر منبع درج کردیم.

● رفیق! ما از این مطلب که رفقای وحدت انقلابی سند را در تاریخ ۵۹/۲/۸ منتشر کرده اند اطلاع ندانیم و این سند توسط رفقای هوادار سازمان براسمان ارسال شده است. بیروزیای!

● آرش از سوزوار - طی نامه‌ای ضرورت انتشار رلیست کتب کلاسیک در رابطه با تئوریهای روبرونیستی را به رشد غیر سرما به داری... همچنین در رابطه با سوسال امیرالایسم و ترس جهان و... را از سازمان خواسته است.

● رفیق! ما در اولین فرصت در مورد این پیشنهادها اقدام خواهیم نمود.

* رفیق احسان - کارگر چاپ در رابطه با مقاله "دمکراسی انقلابی چیست" انتقاداتی مطرح کرده است. از جمله پرسیده است چرا گفته ایم دولت کارگران و زحمتکشان و خرده بورژوازی متوسط نامی نبرده ایم. همچنین در مورد فرقی بین جمهوری دمکراتیک و سوسیالیسم رفیق انتقاد کرده که توضیح کافی داده نشده است.

● رفیق! در مورد اول که از دولت کارگران و زحمتکشان نام برده شده، جنبه اصطلاحی و تهبیجی و یاد نگاری مورد توجه قرار گرفته است لیکن همانطور که تواتر اشاره کرده‌ای در جمهوری دمکراتیک خلق، خرده بورژوازی، متوسط نیز در قدرت سیاسی سهم است و منظور ما لبا بد این نبوده است که خرده بورژوازی متوسط را حذف نماید. در مورد فرو جمهوری دمکراتیک خلق و سوسیالیسم از آنجا که محو اصلی مقاله، توضیح دمکراسی انقلابی بورژوازی از بدبگاه کمونیستها و مقایسه آن با بریانه لیبرالها بود، به شرح بررسی اختلاف آن با سوسیالیسم تیرداخته است. موفق باشی!

● رفیق AB - در مورد ضرورت دفاع از زندانیان سیاسی انقلابی مطالبی را ذکر کرده است و پس به عدم اسناریا نه "زندانیان سیاسی صدامپریا - لیست - صدا رنجاع" در پیکار را انتقاد کرده است و ذکر کرده که دو بار تا کنون خود این بیانیه‌ها را برای ما تیرساده است.

● رفیق! در مورد آنچه که نوکسی ما تیرساده است موافقم، لیکن محض اطلاع تو باید گوئیم جنبش ساسه‌هایی برای ما ارسال شده است در اسناره حتما بگیری کن! بیروزیای!

به روشنی چشم ۵ / ۱ ملین آواره جنگ :

بنیاد مستضعفین : هتل های تهران در اختیار خوشگذرانهای مکتبی

هنگا میکه خانه های زحمتکشان در شهران پارس به دست رژیم خراب میشوند ،
هنگا میکه آوارگان جنگزده و زحمتکش خوزستان در چاه های سناک بسر میبرند ،
هنگا میکه ممالک پارتی و پارتیهای سرمایه داران فراری از طرف آیت الله خمینی عمل حرام نامیده شده و سرکوب میشود ،
و بالاخره هنگا میکه مشکل مسکن یکی از مشکلات اساسی توده های زحمتکش ماست ،

بنیاد مستضعفین در روزنا ماه آگهی میکند که هتل های تهران برای استفاده "شما" (منظور سرمایه داران و خانواده های پرفه است - پیکار) آماده میباشد و "شما" میتوانید با پرداخت ۲۹۵۰ ریال برای دوشب (برای هرنفر یک شب حدود ۱۵۰ تومان میشود) پیکار در اتا قهای یک نفره یا دوتفره ژویدشو، حمام سونا استخر سربوشیده و همچنین برنا مه های سینمایی هتل استفاده کنید ، اما زحمتکشان ما بخوبی میدانند که این هتلها از راه غارت و استثمار آنان ساخته شده و در نتیجه به آنان تعلق دارد و با پدید آمدن انقلابی هتلها خود را سابقه حل مشکل مسکن بپزدازند .

هتلها و دیگر اماکن سرمایه داران با بستن بوسیله زحمتکشان ممالک انقلابی گردنه آنکه بصورت اماکن خوشگذرانی طبقات واقشار مرفه در آید .

اطلاعات ۸ بهمن ۱۳۵۹

● مادری عزیز زنا ما مهات بدستمان رسید . نوشته بودی این چندمین نامه است که میفرستی لیکن جوابی دریافت نداشته ای . نامه های شما بدستمان نرسیده است . اما درباره محتوای نامه سربعا اقدام خواهیم کرد و به محض کسب خبر از طریق همین صفحه پاسخ خواهیم داد .

● با بر رفتائی که برایمان نامه فرستاده اند : رفیق هار رفیق نا هید ، فرهاد ک : م ، ن ، آ از مشهد ب - برستا و معصومه ، رفیق مادرا عظم ، ن

از مبارزات ...

میلرزدا و راد بر دقه میکنند در این بین نام چندتن از دانش آموزان انقلابی خوانده می - شود می گویند شما هم اخراج هستید (عنفور) اما توده های انقلابی پا به عقب نمی نهند . مدیر میگوید اگر به تحمن ادا مه دهید فردا مدرسه منحل میشود و فریاد : " تعطیلی مدارس ، توطن ارتجاع و ... از هر سوطین افکن میگردد . در این زمان خبر میرسد که چماقداران به مدرسه شریعتی - پسرانه - حمله برده اند و می خواهند مدرسه ما هم بیا بند .

مدیر مدرسه هم اعلام میکنند از فردا مدرسه منحل است ، اما دانش آموزان فرار می گذارند فردا به زور مدرسه را با زنگا هدارند ، البته اکثریت معلمین هم به اخراج دانش آموزان معترض بود و از درس دادن خودداری میکردند . روز بعد مباحثات در دانش آموزان ادا مه یافته و آنان با شعار محمل اخراجی حمایت میکنند معلم ، محمل ، بیوندتان مبارک ... به دهان همه مرتجعین میگویند شما دران دانش آموزان انقلابی هم به حمایت از فرزندان نشان آمده و فریاد " درود بر شما در مبارز " من مدرسه را

فرا گرفت .

البته قابل توضیح است که این روزها دانش آموزان برای جلوگیری از انحلال مدرسه کلاسها را با زنگها شته و در آن به افشا - گری و دادن آگاهی های انقلابی مشغول بودند . و مطابق معمول هم مبارزه دانش آموزان انقلابی با اعضای انجمن اسلامی و همدستان رویزیونیست شان ادا مه داشت .

از روز بعد با زور مدرسه پرازا علامه و اوزالید میشود ، دانش آموزان با نیروی مبارزه حقی فعالیت سیاسی علنی را بدست آورده و انجمن اسلامی و مورثیبتی و ... کاری از دستشان ساخته نبود ، از زشتن دانش آموزی که اعلام کرده بودند اخراجی هستند ، تنها یک نفر اخراج شده بود .

- کمیته مشترک با صدور قطعنامه به مبارزه - اش ادا مه میدهد .
- ۱- آزادی فعالیت سیاسی بدون هیچگونه قید و شرط
- ۲- بازگشت دانش آموزان اخراجی و جلوگیری از هرگونه اخراج دانش آموزان انقلابی
- ۳- تشکیل شورای واقعی

تظاهرات پیکارگران بمناسبت سالروز قیام در اهواز

در اهواز نیز همچون بسیاری از نقاط دیگر کشور ، رفقای ما به مناسبت بزرگداشت قیام ما - شکه ۲۲ بهمن راه پیمایی انجام دادند . راه - پیمایی از ساعت ۴ بعد از ظهر زیر باران شدید از محله صمیرا با دیکی از محلات کارگری و فقیر - نشین اهواز آغاز شد . پیشاپیش راه پیمایان پرچم سرخی که روی آن " برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق " نقش بسته بود ، به هزار در آمده بود . راه پیمایان در صفوف فشرده ای به طرف فلکه زینت اهواز حرکت کردند در انتهای مسیر راه پیمایی عده ای از جوانان رژیم جمهوری اسلامی به صفوف تظاهرات حمله کردند اما با خشم و نفرت کوبنده راه پیمایان و مردمی

که به حمایت از تظاهرات برخاسته بودند و بر سر و شده و عقب نشینی کردند .

پیکارگران کمونیت در طول راه هیمایی با دادن شعارهایی از قبیل " ادا مه قیام سرخ بهمن ، نبرد زحمتکشان - علیه ارتجاع است " و " رژیم ضد خلقی است - سرکوب پیکارگران قتل عام کردستان ، کشتار در خوزستان گواهی است " و حش بردل ارتجاع افکنده و با تکرار شعار " علیه حزب جمهوری ، علیه لیبرالها ، زنده باد پیکار توده ها " توده های زحمتکشان را به ادا مه انقلاب فرامی خواندند . بعد از تمام راه پیمایی با صدایان به منطقه حمله کردند اما به علت هشاری رفقا ، کاری از پیش نبردند تظاهرات رفقای ما علاوه بر استقبال مردم جنگزده اهواز از آن جهت اهمیت بسیاری دارد که رفقای ما در شرایط جنگی با دیگر میثاق انقلابی خود توده های زحمتکشان در جهت دفاع از دستاوردهای قیام و همدخلقیهای ایران را تجدید کردند .

سراوان ، مینا - از کمیته کوه مبلات جنوب غرب تهران ، AK ، ستار ، د - خ از دانش آموزی غرب م ، م - هوادار زینت هگ ، م - م کارگزار ما ه شهر ، ص - ن ، ایوب از تهران ، ن ، صرازا ، هوا ، ز ، ف - الف از لاهیجان ، قره باغ از تبریز ، د ، بهر ریاضی از تبریز ، بهروز ، جمع دانش آموزی از کرمان ، ۲۵ - از تبریز ، ر - ف - الف ، فرزانه از قزوین ، ف - ج دانش آموز ، دانش آموزان غرب تهران ، ر - ص ، ۱۴ ، ۴ ، رضه - د ، بهزاد ، ج - ر - ج ، ب - ص ، هوادار ، ماری مهربان با اشعاری به لهجه خراسانی ، مسعود الف (گزارش) ، م - ب جنگزده خوزستانی با شعر ۲۵۰۰ ریال ، دانش آموز با یک طرح ابتکاری درباره جمع آوری کمک مالی همراه ۲۰۰۰ ریال با داروهای کمونیتیست دست همه رفقا را میفشاریم

س - س معلم ، رضا از صفهان ، مرتضی از سقز ، فریبا ، معلم هوادار عبدالله - س - از زروستای اوچ تپه قلعه میان دو آب ، ت - م ، کارگر مبارز حستعلی از آوارگان سرو جرد ، H ، از تبریز ، رفیق عبدالله ، رفقای ما زندران ، م - ن - ک از اهواز ، م - کار از بروجرد ، ا - ج - م عباس از حوزه کارگری قزوین ، م - م ، ن - م ، ۶۰ ، هستم دانش آموزی از آستانه ، ا - ن از صفهان ، د - ش معلم ، ب - د - ف از صفهان ، م - ۲۳ تهران ، ر - ض از لاهیجان ، احمد از تبریز ، B - H - N ، جواد - ج از لاهیجان ، رفیق کارگزار اهواز ، دلاورا زلالی ، یکی از آوارگان بروجرد ، رفقای ارومیه ، م - ر ، ۴ - ۲۴ ، رفقای توزیع ، ف - فرشته ، رفقای تداکات ، الف - م - ج از تهران ، H ، یک رفیق معلم از

نظا هرات باشکوه زیر پرچم سرخ کمونیستها در رشت

مئات دست دوم به انداز نوبت در جیب ۲۲ سمن مانتا هرات باشکوهی از سوی سارسا ن بکا در در راه آزادی شکارگر - کسنکلان در رشت برگزار شد.

نظا هرات در ساعت ۵ بعد از ظهر چهارشنبه ۲۲ سمن ماه سال را رئیس پرچم سرخ کدروری آن شعار "کارگران جهان متحد شوید - نوشته شده بود از جمله "لب آت - در حیا بان عوسعی نظرف میدان شیرداری آغاز شد. راهسما نان با شمار اتحاد مبارزه - بیروزی ، بطور منظم و در صفوف فشرده بیچ بغری در دست پرچم سرخ جای گرفتند . غیر از پرچم سرخ بزرگ ، پرچمهای سرخ دیگری در دست هواداران سازمان بود که بیروزی آنسان شعارهای "زند ما آزادی ، بیروزی دوسا لیم" و "کارگران جهان متحد شوید" نوشته شده بود . مشتغای گره کرده و صدای رسای نظا هرکنندگان خشم و کینه طبقاتی نسبت به سرمایه داری و همه دشمنان انقلاب را نشان میداد . نظا مات از صفوف نظا هرکنندگان بخوسی حفاظت میکرد . در ابتدای حرکت بکنفرنسا را بقصد با رهک - گردن اعلامیه های سازمان به نظا هرکنندگان حمل کرده با مقابله بموقع انتظا مات دفع شد . شورو شوق عظیمی در توده ها چشم میخورد و صدای نفر از مردم مبارز رشت از دو طرف حیسا ن با نظا هر - کنندگان حرکت میکردند . از روی بجنهره های منازل مردمستان خود را به علامت بیروزی نشان میدادند و نگاهها شعارها را همراهی میکردند . اعلامیه های سازمان با نظا خاصی در میان توده ها پخش شده با استقبال همه جا ننه توده ها روبرو شد . اکیپهای فروش نشرا ت سازمانی بطور منظم در بین توده ها بفروش نشرا ت مشغول بودند . بسیاری از توده ها کمک های مالی خود را در صندوقهای کمکهای مالی که بوسیله رفقا حمل میشد میریختند . این نظا هرات که بمدت یک ساعت ادامه داشت در نزدیکی میدان شیرداری با جمله ارتجاع به صفوف راهیما بان خاتمه یافت و جمعیت متفرق شدند .

در این نظا هرات علاوه بر پرچمهای سرخ ، پلاکاردهای پارچه ای و پلاکاردهای مقواتی که بیروزی آن مشتغای افشاگرانه و شعارهای سازمانی نوشته شده بود با نظا خاصی حمل میشد . استقبال توده ها از نظا هرات سازمان بکا در بکنر نشان داد که به چه اندازه توده های رجمکنش از دشمنان انقلاب و جلادان توده ها نفرت دارند و بیروزی هر گونه حرکت اعتراضی و تعرضی به رعایه آنسان آماده اند بر خیزان شعارهای راهیما ثی چنین بود : "انقلاب ، انقلاب بیروزی است ، حکومت سرمایه نسا بود است" ، "درسا لگر دقیا م ظلم و است - سم ، استثمرا همجانا ن با رجا ست" ، "درسا لگر دقیا م شعار زجمکنگان ، نان منگن آزادی" ، "کارگر زجمکنش ، ستون انقلابند ، هم جزئی ، هم لیبرال هواداران روسا

کمکهای مالی دریافت شده

۲۷۸	سهران	۵۰۰	لاکان	۵۰۰	عمده بستمرگه ۷۰۰۰
۱۷۰۰۰	چ- ۶۰۰۰	۴۰۰	لاهان	۱۰۰	سورسورسورگه ۱۰۰۰
۲۸۰	چ- ۵۰۰۰	۳۱۰	ب- ۲۰۰	۷۰۰	۷۰۰۰
۱۲۰	گ- ۱۰۰۰	۲۰۰	م- ۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰۰
۸۰	س- ۱۰۰	۱۰۰	ن- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۵۰	ه- ۱۰۰	۱۰۰	و- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۳۰	ز- ۱۰۰	۱۰۰	ی- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۲۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	ج- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۱۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	د- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۵	ق- ۱۰۰	۱۰۰	ر- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۳	ک- ۱۰۰	۱۰۰	س- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۲	گ- ۱۰۰	۱۰۰	ص- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۱	چ- ۱۰۰	۱۰۰	ض- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	ز- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	ح- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	خ- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	د- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	ر- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	س- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	ص- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	ض- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	ز- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	ح- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	خ- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	د- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	ر- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	س- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	ص- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	ض- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	ز- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	ح- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	خ- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	د- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	ر- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	س- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	ص- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	ض- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	ز- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	ح- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	خ- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	د- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	ر- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	س- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	ص- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	ض- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	ز- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	ح- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	خ- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	د- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	ر- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	س- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	ص- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	ض- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	ز- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	ح- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	خ- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	د- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	ر- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	س- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	ص- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	ض- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	ز- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	ح- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	خ- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	د- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	ر- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	س- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	ص- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	ض- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	ز- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	ح- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	خ- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	د- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	ر- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	س- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	ص- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	ض- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	ز- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	ح- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	خ- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	د- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	ر- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	س- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	ص- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	ض- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	ز- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	ح- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	خ- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	د- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	ر- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	س- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	ص- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	ض- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	ز- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	ح- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	خ- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	د- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	ر- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	س- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	ص- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	ض- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	ز- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	ح- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	خ- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	د- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	ر- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	س- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	ص- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	ض- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	ز- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	ح- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	خ- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	د- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	ر- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	س- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	ص- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	ض- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	ز- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	ح- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	خ- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	د- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	ر- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	س- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	ص- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	ض- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	ز- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	ح- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	خ- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	د- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰	ر- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ک- ۱۰۰	۱۰۰	س- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	گ- ۱۰۰	۱۰۰	ص- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	چ- ۱۰۰	۱۰۰	ض- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ح- ۱۰۰	۱۰۰	ز- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ط- ۱۰۰	۱۰۰	ح- ۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰
۰	ق- ۱۰۰	۱۰۰			

شماره از صفحه ۳۲

بازگشت...

چرا که امروز رژیم عراق نسبت به رژیم جمهوری اسلامی در موضع برتر قرار دارد و سرزمینهای بسیاری تحت کنترل او میماند اما علیرغم رجحاناتی های بسیار و علیرغم وضعیت فزاینده رژیم در پی آنست تا راه حلی پیدا کرده و چسبی با دادن امتیازاتی ارضی مسئله را فاصله دهد. ارسال هیات نمایندگی حزبی جهت شرکت در کنفرانس کشورهای متعدده امیرالایم در چهارچوب همین هدف قرار میگیرد.

البته هم اکنون برای رسیدن به "صلح آبرومندانانه" همه جناحهای رژیم موافق نباشند اما این بار با در دست گرفتن امور وزارت خارجه و دیپلماسی بین المللی توسط حزبها، حزبها در این اقدام پیشقدم میباشند. در حقیقت می توان گفت اصلی ترین مسئله ای که رژیم ایران در کنفرانس تعقیب می نماید. همین مسئله جنگ ایران و عراق است. و مسائلی از قبیل طرح محکوم کردن تجاوز و روسپا به افغانستان و سایر طرح محکومیت رژیم مصر برای رژیم ایران ثانوی و فرعی بشمار می آید و بیشترین جنبه تبلیغاتی دارند. در کنفرانس هیات نمایندگی جمهوری اسلامی کوشید تا رژیم صدام توسط کنفرانس محکوم گشته و در عرصه بین المللی کسب وجه نماید. اما تناسب قوا در کنفرانس اجازت نداد تا رژیم صدام محکوم گردد چرا که اکثر کشورهای شرکت کننده چه طرفدار شوروی و چه متمایل به غرب، خواستار این محکومیت نبودند. همانطور که میدانیم امروز شوروی تا مین کننده اصلی سلاحهای عراق است و آمریکا نیز

ایران دارای "مناسبات کاملاً صمیمانه ای نمی باشد و همین لحاظ عراق مورد محکومیت قرار نگرفت. تنها موضعی که کنفرانس اتخاذ نمود اظهار تاسف از جنگ ایران و عراق بود و بالطبع انس امریعی بواسطه اهداف رژیم جمهوری اسلامی را پاسخ گوید. البته کنفرانس مقررنمودناهایی متشکل از نمایندگان هند، کوبا، زامبیا و سایرین آزادبشخ فلسطین تشکیل کرد و مسئله چگونگی رسیدن به "صلح" و بررسی نماید.

رژیم جمهوری اسلامی که هدف خود را نائل نگردیده در عین حال که این امر را مورد حمایت قرار میدهد، از کنفرانس سخاوتهای موضع صریح تری نسبت به جنگ ایران و عراق اتخاذ نماید و به معنای دیگر از کنفرانس میطلبند تا عراق را محکوم نموده و آنرا وادار به عقب نشینی فوری نماید. اما آنچه روشن است اینست که کنفرانس با توجه به تناسب قوا و غیر متعهد نبودن کشورهای چنین موضعی را اتخاذ نخواهد کرد. کنفرانس با تأکید قدرتیهای بزرگ امیرالایستی مانند آمریکا و شوروی و با واسطه برخی کشورها خواهد کوشید تا "صلح آبرومندانانه ای" که برخاسته به خلقهای عراق و ایران نخواهد بود برقرار کند. "صلح" که به نفع بورژوازی نو کشور خواهد بود و جز اعمال ستم طیفی بر کارگران و توده ها معنای دیگری نخواهد داشت. از نظر طبقه کارگرها نمکونه که جنگ ایران و عراق یک جنگ ارتجاعی بوده و صلح میان دو رژیم ایران و عراق نیز ارتجاعی و برسان خلقها و پرولنار را خواهد بود

ملاحظات کوتاه

جمعه (و یا حدودی هم بماند) اما بنظر نمی رسد اینها برنده شوند هر چند "امتیاز" هائی کسب کرده اند در واقع عموم "مکتبی" ها و حزب البیسی - ها هم از دور مابقیه خارج نیستند ولی بنظر می رسد که با توجه به معیار اصلی حزب توده یک نفر برنده شود. معیار اصلی راه میاندند: آنکه به "مسکو" نزدیک شود، آنکه شوروی را "کشوری انقلابی" بداند و اولین مسافرت رسمی را به سوی قزلبکها حزب توده آغاز کند.

برنده مسابقه کسی غیر از جلال الدین - فارسی نیست. او کسی است که اگر نه با حزب توده ولی با ابایدان درخا ورمیانه (که با لطیف جاسوس سوسیال امیرالایسم شوروی بودند) مثل محمودینا همان در عراق رابطه داشته و با آنها زیستن در سوریه و گیتان "قواید" روابط با شوروی را از نزدیک لمس کرده است و لذا با اطمینان خاطر در سخنرانی روزاربعی - اسامال، از ضرورت خرید سلاحها می گوید که می توان با آنها "ناوگان آمریکا را از منطقه راند" و در اختیار لبیسی و کوبا هم هست (جواب معمارا متوجه شدید؟) صحبت به میان آورد و البته در دل حزب توده یک من قند آب ند. "برادر جلال فارسی" که کیا نوری لایدا ورا بزودی به لقب تا واریش (رفیق به روسی) مفتخر خواهد کرد قبل از عزیمت به "شمال" گفت که شوروی "کشوری انقلابی" است و ما هم "انقلابی" هستیم (بیلهدیک بیلهدیک جعفر!) و با یاد ز تجارب انقلاب اکسیرا استفا ده کنیم. آقای فارسی البته در شوروی جزبالاشه آن تجارب رو بیرون نخواهد شد. زیرا اگر در آنجا تجارب انقلاب کبیر سوسیالیستی اکسیر زنده بود آقای فارسی هم از آن شدیدی ترسید و خیس!

غریبه آنطرفها هم به کلاهش نمی زدند و مگر جلال - الدین فارسی و رژیم جمهوری اسلامی یکی از افتخارات خود را میارزه با کمونیسم نمیدانند؟

بهر حال برای حزب توده همان "تقریباً درگاه ارباب" اهمیت دارد و لذا برنده حتمی (تاکنون) کسی غیر از جلال الدین فارسی نیست!

نامه به خسرو پرویز!

رژیم سرمایه داری وابسته ایران که قبای "ولایت فقیه" بنت کرده است بسیاری از نیازها ویرانه های خود را در همین قالب رفع میکند و به عمل در میاورد. مثل دعوت مردم به قبول گذاشتن در بانک به کمک فتوا! رژیم که حزب جمهوری اسلامی در آن غلبه دارد باید به مناسبات خارجی اس را خود - بدون حضور رقیب های لیبرال - روسا مان دهد و با یک نگاه کمتر شده سفارتهای ایران در خارج و فرار دادها و روابط خارجی را سرپا نحت کنترل خود در آورد. این

شماره در صفحه ۲۷

هشدار به انقلابیون: گشتی های "ساواک" بازگشته اند

نیروهای انقلابی و زحمتکشان ایران جنایات گشتی های کمیته مشترک "شهریانی - ساواک" را باخاطر دارند. آنان بیاد میاوردند که چگونه مزدوران رژیم شاه در کوچه و خیابان به شکار انقلابیون میپرداختند و به کوچکترین حرکت مردم مشکوک شده و آنان را مورد تعقیب و آزار قرار میدادند. اکنون رژیم جمهوری اسلامی تجارب جنایتکارانه ساواک را با رگرفته و در خیابانها به تعقیب و شکار انقلابیون میپردازد. گشتی های رژیم که از ۳ الی ۴ نفر تشکیل شده و در میان آنان ما مورین زن نیز دیده شده است، افرادی با تجربه در کار تعقیب و مراقبت مبارزین هستند و صلح در اتومبیلهای سواری در شهر حرکت میکنند. در میان آنسان افراد ارتشی و وزیده نیز بچشم میخورد. این مزدوران که ظاهراً با سارنیزبین آنها وجود دارد به محض دیدن مورد "مشکوک" در محل فرد مورد نظر را شدیداً کتک زده و با خود میبرند. از این نظر مبارزین انقلابی بدون آنکه دره ای از آنها همبازرات انقلابیشان بکا هند. باید با

هشیاری تمام حرکات خود را تنظیم کرده و توطئه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را با شکست مواجه سازند. مورد دیگری از اعمال سرکوبگرانه جمهوری اسلامی، بازدید و تفتیش اتومبیلهای مسافرتی و اتومبیلها در جاده های خارج شهر است که پس از جنگ تحمیلی شدت پیدا کرده است. با سواران چهل و سوما به مثل دزدان سرگردنه اتومبیلها را متوقف کرده و اقدام به تفتیش میکنند و به محض یافتن نشانه یا مدرک انقلابی، ما حسب آنرا دستگیر میسازند. البته در تفتیش اتومبیلهای مسافرتی این ما مورین مرتجع با مقاومت و خشم مردم سیدار ما مواج میشوند و در برخی موارد تا کما میبر میگردند.

وظیفه نیروهای کمونیست و کلیه انقلابیون است که با دامن زدن به اقدامات افشاگرانه در مورد جنایات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و نیز افزایش هوشیاری خود عملیات سرکوبگران را با شکست مواجه سازند.

بازگشت نبوی از هند و دستی که پر نیست!

یادداشت‌های سیاسی هفته

اعتدال در برابر حزب نی صدر سرکوب خلق

بعدا زروی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز به عضویت کنفرانس کشورهای غیر متعهد "درآمد". اگرچه رژیم حاکم در پی آن نبود تا چنین وانمودا زده که شرکتش در این کنفرانس نشانه "عدم تعهد و وابستگی نظام جمهوری اسلامی" و بیابانگر "خط مشی سیاسی نه شرقی نه غربی" ایران است اما پرواضح است که این کنفرانس نه تنها نشانه عدم وابستگی کشورها به امپریالیسم نیست بلکه ابزاری است در خدمت امپریالیسم و ارتجاع جهانی جهت به انحراف کشاندن مبارزات خلقهای جهان. رژیم جمهوری اسلامی اگرچه کارگزار نیست اما نه تنها مستقل و غیر متعهد نمی باشد، بلکه در عین حال از شرکت در این کنفرانس جز فریب دادن توده ها و تحقیر اهداف و انقلابی طبقاتی خویش هدف دیگری را تعقیب نمی کند و جز این هم نمی تواند باشد.

رژیم جمهوری اسلامی در کنفرانس اسلامی طائف که در ماه گذشته در عربستان برگزار شد شرکت ننمود. اگرچه تمایل حقیقی هایت حاکمه ایران در جهت شرکت در کنفرانس طائف نبود، اما تضادهای خمینی و حزبها با مدام حسین مانع از آن شد که ایران در کنفرانس شرکت کند. اگرچه لیبرالها علیرغم حضور مدام حسین همان شرکت در آن بودند. اما از آنجا که رژیم حاکم از نقطه نظر نظامی در موضع ضعف قرار داشت (و دارد)، و از آنجا که در این کنفرانس ایران می -

با بست شرکت میکردند و معنای دیگری صدر میبایست حضور می یافت. خمینی و حزبها سه خاطر وجود مدام و متنا دما لیبرالها حاکم بر شرکت در کنفرانس نکشیدند. اما این با رژیم حاکم با توجه به اوضاع و احوال با مدام و معطلات و مشکلات عدیده این در پی پایان دادن به جنگ است و از همین جهت شرکت خود را در کنفرانس توجیه میکنند.

در حال حاضر رژیم جمهوری اسلامی در جنگ با رژیم مرتجع مدام به حالت استعمال افتاده است. اما در جنگ پیش از پیش در هم ریختگی اقتصاد دوا بسته و ورشکسته ایران را گسترده تر ساخته، فقر و فلاکت توده ها و در نتیجه مبارزات آنان را دامن زده و خواهد زد. اگرچه رژیم سار این جنگ ارتجاعی را به دوش کارگران و زحمتکشان تحمیل کرده است، اما گسختگی بیشتر افتصاد و وحکری بیشتر مبارزات رژیم را به وحشت انداخته است. اگرچه رژیم در ابتدای جنگ با تبلیغات شوینستی توده های وسیعی را متوجه ساخت و حمایت آنان را نسبت به خود جلب نمود. اما امروز زیر فشار فقر و فلاکت توهومات بیش از پیش فرو ریخته و توده ها از رژیم کنده میشوند. این شرایط رژیم را بر آن میدارد تا بکوشد بنحو "ایرومندا نه ای" جنگ را خاتمه دهد. البته این خاتمه دادن کار آسانی نیست چرا که تضاد مدام و دوسوروازی مطرح است.

س از مدتی زور آزمائی میان حزبها و لیبرالها در مورد بدست گرفتن روز ۲۲ بهمن، بالاخره بنی صدر و فرستخانی را کنار زد و سخنرانی ۲۲ بهمن در تهران را به خود اختصاص داد. هر یک از جناحها در پی آن بودند تا با انجام سخنرانی ممدان آزادی به ما نور قدرت در مقابل دیگری بر خاسته و عوا مفرسنا نه چنین وانمودا زده که وارث قیام و دستاوردهای آن است. بنی صدر نمنا به سر کرده لیبرالها اگر چه ما تند حزبها جز خیانت نسبت به قیام کار دیگری نکرده است، اما در این مابقیه بیروز بیرون آمده و موقعیت خود را برای سخنرانی ۲۲ بهمن تثبیت کرد.

خمینی که میدانست این سخنرانی محسه دیگری از تنها حمل لیبرالها به حزبها خواهد بود ما تند همیشه به پشتیبانی از حزبها بلند شده و میگوید بنی بدهم دیگر اگر بگزید و بپنجه بروی هم بزنید و اگر غیر از این باشد من به هر کس هر چه داده ام میسکرم" و به این ترتیب بنی صدر را دعوت به عدم تعرض علیه حزب جمهوری اسلامی می کند و تهدید بدین ترتیب گرفتن "عطا شده ها" خمینی بر آنست که همه بخشای، سوروازی امروز در مقابل جنبش اوج گیرنده با بدمنحدا شد، اما همومنی از آن حزب با قی بماند. ولی از آنجا که مسیبد لیبرالها خاموش ننشسته و مدام به تعرض خود ادامه میدهند و خواستار امتیازات بیشتر میباشند خطاب به حزبها میگوید: "بگذار که بدین روحا نبونی است که در دکانها، کهنه ها، جها دسازندگی و دیگر ارگانها اشتغال به خدمت دارند. که اولاد ماموری که ملاحبت آن را ندانند به جوجه دخالت نکنند که دخالت آنان علاوه بر آن که از جهت عدم ملاحبت آنان غیر مشروع است از جهت بدین شدن ملت به روحا نیست و در نتیجه جدا شدن ملت از شما...." خمینی بدین ترتیب به انتقاد از حزبها پرداخته و قول امتیاز شخصی به لیبرالها میدهد.

بر اساس این مقدمات است که بنی صدر به سخنرانی میرد از دو جانب اعتدال را در پیش میگیرد. تهدیدات و قول و قرار خمینی نسبت بر امتیازات بیشتر بنی صدر را در حرکتش محدود ساخت، البته بنی صدر کماکان به حزب حمله نمود اما نه بر اساس طرح اولیه اش و با زهم نظری عوا مفرسنا نه به استناد از حزبها حمله کرده و خود را طرفدار آزادی بحساب می آورد. و میگوید:

بقیه در صفحه ۳۱

مجموعه سرودهای قیام از انتشارات جدید سازمان

رزم کارگران و دهقانان و زحمتکشان ما ست که ضرورت رهبری طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی را به زبان شعرو موسیقی بیان میدارد و تبلیغ سوسیالیسم را در زمینه هنر و آواژ میدهد. ما تلاش بیرو و وحسکی نا پذیر رفقای کمیته هنری، بویژه رفقای گروه موسیقی را که با آهنگها و کرپور شور و خروش و سرشار از روح مبارزه و کمونیسیم خود، نقش ارزنده در بریدن آزمانها و ابدیه های انقلابی و سوسیالیستی به میان کارگران و زحمتکشان و خلقهای فهرمانان بعهده گرفته اند با س میدا ریم و آرزو میکنیم هر چه بیرون ترو موم ترو با کار کمونیسیتی در عرصه هنر، پیش از پیش وظایف خود را در راه انقلاب، پیروز مندانه به پیش ببرند.



حما سبت دومین سالگرد قیام ۱۲م سرود در یک کاست، از سوی سازمان پیکار در روز آذادی طبقه کارگر، انتشار یافته است. این سرودها، با مضمون کمونیسیتی خود، نغمه های سرخ و خونین

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدانیست